



مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



اسلام و پژوهش های روان شناختی

فصل نامه علمی - تخصصی

# اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال اول، شماره دوم، پیاپی ۲، پاییز ۱۳۹۴

مدیر مسؤول: دکتر محمدجواد زارغان  
جانشین سردبیر: عباس علی هراتیان

صاحب امتیاز: مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت  
سردبیر: دکتر محمدرضا احمدی  
مدیر اجرایی: هادی ارشادحسینی

دورنگار: ۰۲۵۳۲۹۲۲۲۳۹

صندوق پستی: ۳۷۱۳۷۱۵۵۴۵

کدپستی: ۳۷۱۶۷۱۵۵۴۵

ارسال و پیگیری مقالات: [ipr@ueae.ir](mailto:ipr@ueae.ir)

آدرس اینترنتی: [ipr.ueae.ir](http://ipr.ueae.ir)

نشانی: قم، بلوار شهید صدوقی، خیابان شهید شهبازی، پلاک ۱۳

## اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب الفبا)

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی  
دانشگاه تهران  
مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت  
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
دانشگاه بقیةالله  
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
دانشگاه علامه طباطبائی  
مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی  
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

حجت الاسلام و المسلمین دکتر مسعود آذربایجانی  
حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدرضا احمدی  
دکتر هادی بهرامی احسان  
حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدجواد زارغان  
آیت الله سیدمحمد غروی راد  
دکتر علی فتحی آستینانی  
حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد کاویانی  
دکتر محمود گلزاری  
حجت الاسلام و المسلمین دکتر رحیم نارویی  
حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمود نوذری



## راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله

### مقدمه

فصلنامه «اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی» فصلنامه‌ای علمی و چندرشته‌ای است که با هدف ارائه نتایج مطالعات و پژوهش‌های علمی، فراهم آوردن زمینه تبادل افکار و اطلاعات، ترویج مباحثات علمی بین پژوهشگران و محققان حوزه‌های مختلف علمی: روان‌شناسی، مشاوره، مددکاری اجتماعی، تعلیم و تربیت، دین و ... منتشر می‌شود. این فصلنامه در گستره مسایل روان‌شناختی، در دو سطح بنیادی و کاربردی، مقاله‌هایی را می‌پذیرد که از ساحت دینی نیز برخوردار باشند. فصلنامه، به زبان فارسی منتشر می‌شود.

### نوع مقالات مورد پذیرش

- گزارش یک پژوهش علمی؛
- تحلیل علمی با هدف ارائه مفاهیم و الگوهای جدید؛
- نقد علمی مقالات منتشر شده در فصلنامه (در قالب نامه به سردبیر)؛
- گزارش کوتاه علمی؛
- مطالعه موردی؛

### ساختار مقاله بایستی به شرح زیر تنظیم و ارسال گردد

- عنوان مقاله: عنوان باید گویا و کوتاه باشد.
- نام، نام خانوادگی، مرتبه علمی، وابستگی سازمانی و ایمیل پژوهشگر/ پژوهشگران؛
- چکیده: در این قسمت، مطالب اصلی مقاله شامل هدف، روش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری به صورت فشرده (حداکثر ۲۰۰ کلمه) بیان می‌شود.
- کلید واژه‌ها: از میان واژه‌های اصلی مقاله، بین ۳ تا ۵ واژه مشخص شوند.
- مقدمه: بیان مسأله، هدف، تبیین ضرورت انجام تحقیق و فرضیه‌ها (سؤال‌ها)؛
- روش: جامعه آماری، روش نمونه‌برداری، گروه نمونه، ابزار(های) پژوهش، فرایند اجرای پژوهش و روش تحلیل داده‌ها؛
- یافته‌ها: یافته‌های حاصل از روش‌های آماری، جدول‌ها (شماره و عنوان در بالای آن) و نمودارها (شماره و عنوان در زیر آن). کلیه جدول‌ها و نمودارها باید به زبان فارسی تهیه شوند.
- بحث و نتیجه‌گیری: نتیجه‌گیری، مقایسه یافته‌های پژوهشی با پیشینه پژوهش و تبیین آن‌ها؛
- منابع (شامل منابع فارسی و لاتین): ارائه کامل کلیه منابعی که در متن مقاله از آن‌ها استفاده و به آن‌ها ارجاع شده است. تنظیم منابع، مطابق الگوی راهنمای APA به شرح ذیل انجام شود:

- کتاب: نام خانوادگی، نام (سال انتشار اصلی)، عنوان کتاب، شماره جلد، نام و نام خانوادگی مترجم، سال انتشار ترجمه، نوبت چاپ، محل انتشار: انتشارات.
  - مقاله: نام خانوادگی، نام (سال انتشار). «عنوان مقاله»، نام نشریه، سال / دوره، شماره، صفحات.
  - پایان نامه: نام خانوادگی، نام (سال انتشار). عنوان پایان نامه، پایان نامه کارشناسی ارشد / دکترا، رشته، دانشگاه.
  - گزارش: نام سازمان (سال انتشار). «نام گزارش».
  - اینترنت: نام خانوادگی، نام (تاریخ اخذ مطلب): نشانی کامل سایت.
- ضمایم (در صورت لزوم)

### نکات قابل توجه در ارائه مقالات

۱. مقاله ارسالی نباید قبلاً در جای دیگری به چاپ رسیده باشد و نیز نباید به طور همزمان برای بررسی و چاپ به مجله دیگری ارسال شده باشد.
۲. مقاله باید با نرم افزار Word Microsoft، قلم Mitra، اندازه ۱۴ و فاصله خطوط ۱، تهیه و بوسیله ایمیل، برای فصلنامه ارسال شود. شماره تلفن برای دسترسی آسان و سریع دفتر مجله به نویسنده مسؤول مقاله نیز قید گردد.
۳. حجم مقاله از ۹۰۰۰ کلمه بیشتر نباشد.

### ملاحظات

- فصلنامه در رد، اصلاح یا ویرایش مقاله آزاد است.
- اصطلاحات علمی و اسامی خاص مقاله‌ها مطابق روش فصلنامه یکسان سازی می‌شود.
- مسؤولیت صحت و محتوای مقاله و حفظ حقوق دیگر مؤلفان بر عهده نویسنده مسؤول آن است.

## فهرست مطالب

اثر بخشی آموزش مهارت‌های کلامی با تأکید بر منابع اسلامی بر بهبود عملکرد خانواده / محمد سلیمی / محمدرضا سالاری فر / مهدی جعفری ..... ۷

ساخت آزمون اولیه حضور قلب در نماز بر اساس منابع اسلامی / محمدعلی رحیمی نداف / محمدرضا احمدی / حمید رفیعی هنر ..... ۲۵

بازشناسی عوامل لذت‌بری سعادت‌نگر؛ بررسی مجدد ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه / مهدی عباسی / محمود اصفهانیان ..... ۴۳

ساخت آزمون پای‌بندی مردان به آموزه‌های اسلامی همسررداری / حسین حیدری خورمیزی / رحیم نارویی نصرتی / ابوالفضل قدوسی ..... ۵۹

نقش واسطه‌ای هدف در زندگی در رابطه جهت‌گیری دینی با شادی و رضایت از زندگی / ناصر آقابائی ..... ۷۷

رابطه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و دینداری در میان همسران متعارض و غیرمتعارض / عباس‌علی هراتیان / مسعود جان‌بزرگی / مژگان آگاه‌هریس ..... ۹۳

رابطه بهزیستی معنوی با هوش اخلاقی و هدف در زندگی / حدیث چراغیان / محمدحسین خانی / محمدزارعی توپخانه / سیده‌خدیجه مرادیان گیزه‌رود ..... ۱۰۷

ملخص المقالات ..... ۱۲۱



## اثربخشی آموزش مهارت‌های کلامی با تأکید بر منابع اسلامی بر بهبود عملکرد خانواده

### The Effect of Teaching Verbal Skills on Improvement of Family Functioning, with an Emphasis on Islamic Sources

محمد سلیمی / کارشناس ارشد راهنمایی و مشاوره، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت؛  
محمد رضا سالاری فر / استادیار گروه روان‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛  
مهدی جعفری / کارشناس ارشد راهنمایی و مشاوره، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت؛

Muhammad Salimi / M.A. in Guidance and Consultation, HIEE. Mohammad2617@yahoo.com

Muhammad Reza Salari-far / Assistant Professor in Department of Psychology, RIHU.

Mahdi Ja'fari / M.A. in Guidance and Consultation, HIEE.

#### Abstract

Marriage has been described as the most important and most basic human relationship. This is because it prepares the ground for family relations and nurturing the future generation. On the other hand, the best device for humans' relations is verbal interaction, because humans can communicate their needs and requests through it. The present study aims at investigating the effect of teaching verbal skills on family functioning with an emphasis on Islamic sources. The method used was an experiment based on pretest and posttest with a control group. The participants Answered McMaster Family Assessment Device questionnaire. The statistical population of this study were

#### چکیده

ازدواج مهم‌ترین و اساسی‌ترین رابطه بشری توصیف شده است؛ زیرا بنای رابطه خانوادگی و تربیت نسل آینده را فراهم می‌سازد. از طرفی بهترین وسیله ارتباط انسان‌ها گفت‌وگو و مرادفات کلامی است؛ زیرا انسان‌ها می‌توانند از این راه نیازها و خواسته‌های خود را به یکدیگر انتقال دهند. هدف از این پژوهش بررسی میزان اثربخشی آموزش مهارت‌های کلامی با تأکید بر منابع اسلامی بر سطح عملکرد خانواده است. روش انجام این پژوهش از نوع آزمایشی در قالب طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود. شرکت‌کنندگان در این پژوهش به پرسش‌نامه عملکرد خانواده مک‌مستر پاسخ دادند. جامعه آماری این پژوهش از طریق نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای از میان تمام زنان متأهل منطقه ۱۵ شهر تهران که از سطح عملکرد خانوادگی

selected, through cluster random sampling, from among all married women in district 15 of Tehran city, who were not content with their level of family functioning. The data collected were investigated through inferential covariance analysis. The findings show that teaching verbal skills based on Islamic sources is effective in improving the level of family functioning as well as subscales of problem-solving, communication, family roles, affective responsiveness, affective involvement, behavior control, and general functioning. Besides, the results show that demographic variables, education, age and age of marriage were not effective in heightening the level of family functioning. Thus, the teaching package could cause positive changes in the process of relationship of couples and family functioning by intervening and altering the couple's level of familiarity with religious models of verbal and non-verbal behavior in interacting with one another and achieving the best style of relationship – i.e. the explicit and respectful style.

**Keywords:** Islamic teachings, verbal skills, family functioning, women

خود رضایت نداشتند، انتخاب شدند. داده‌های به‌دست‌آمده با روش آمار استنباطی تحلیل کوواریانس بررسی شد. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که آموزش مهارت‌های کلامی مبتنی بر منابع اسلامی در افزایش سطح عملکرد خانواده و خرده‌مقیاس‌های حل‌مشکل، ارتباط، نقش‌ها، همراهی عاطفی، آمیختگی عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی تأثیر داشته است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای جمعیت‌شناختی، تحصیلات، سن و سن ازدواج تأثیری بر بالا بردن سطح عملکرد خانواده در نمونه آماری نداشته است. در نتیجه، این بسته آموزشی با مداخله و ایجاد تغییر در آشنایی همسران با الگوهای دینی رفتار کلامی و غیرکلامی در تعامل با یکدیگر و رسیدن به بهترین سبک ارتباط، یعنی سبک صریح و محترمانه، توانسته است در فرایند ارتباط زوجین و عملکرد خانواده تغییرات مثبتی به وجود آورد.

**کلیدواژه‌ها:** آموزه‌های اسلامی، مهارت‌های کلامی، عملکرد خانواده، زنان.



## مقدمه

در میان روابط انسانی، ازدواج اولین و پایدارترین رابطه است که پیشینه‌ای به گستره زندگی انسان روی زمین دارد (ساروخانی، ۱۳۷۰). ساختار فطری انسان در ابعاد مختلف جسمانی و روانی نشان می‌دهد که رابطه زن و مرد در فرایند ازدواج نه تنها نسل بشر را استمرار می‌بخشد، بلکه اساس زندگی سالم فردی و اجتماعی است.

نیازهای جسمانی، روانی، اقتصادی، اجتماعی و معنوی انسان، که در ازدواج برآورده می‌شود، این پیوند را دارای ابعاد زیستی، عاطفی، اجتماعی و معنوی کرده است. به جهت اهمیت این رابطه انسانی، در طول تاریخ همواره عالمان و فلاسفه و نیز ادیان گوناگون سعی در تحکیم آن نموده و قوانین و توصیه‌هایی برای استحکام آن عرضه کرده‌اند. خانواده با تولید فرزندان گسترش می‌یابد، ولی بی‌تردید رکن پایدار و نیرومند این پیوند زن و شوهر هستند. زن و مرد برای ارضای نیازهای عاطفی (مانند دلبستگی و حمایت روانی)، جنسی، اقتصادی و دیگر نیازها رو به ازدواج می‌آورند.

تحقیقات متعدد نشان می‌دهند که افراد متأهل در مقایسه با افراد مجرد از رضایت و سلامت جسمانی و روانی بیشتری برخوردارند (هاو کینز<sup>۱</sup> و بوث<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵؛ هلمز<sup>۳</sup> و بوهلر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷؛ ویلیامز<sup>۵</sup>، ساسلر<sup>۶</sup> و نیکلسون<sup>۷</sup>، ۲۰۰۸ به نقل از پورمحسنی، ۱۳۸۹). همچنین افراد متأهل از حمایت اجتماعی بیشتری بهره می‌برند و کمتر با مشکلات اقتصادی روبه‌رو می‌شوند (ویت<sup>۸</sup> و گالاگر<sup>۹</sup>، ۲۰۰۰ به نقل از پورمحسنی، ۱۳۸۹).

اسلام انسان‌ها را به ازدواج توصیه و آن را زمینه‌ای برای رشد اقتصادی زن و مرد اعلام کرده است (نور، ۳۲). همچنین آن را مایه آرامش زن و مرد، زمینه دوستی عمیق و حمایت آن دو از هم می‌داند (روم، ۲۱). پیامبر اسلام ﷺ ازدواج را روش زندگی مورد نظر خود و ترک آن را مایه جدا شدن فرد از این روش می‌داند (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۱۰۰، ص ۲۲). در اسلام خانواده محبوب‌ترین و عزیزترین نهاد بشری محسوب می‌شود (مجلسی، ۱۹۸۳، ج ۱۰۰، ص ۲۲۲). آموزه‌های بسیاری در قرآن و کلمات اولیای اسلام بر آثار فردی و اجتماعی ازدواج تأکید دارد. لباس بودن زن و مرد برای هم (بقره، ۱۸۷) نشانه حمایت روانی و اجتماعی آنان از همدیگر است.

1. Hswkins, D.H.

2. Booth, A.

3. Holmes, H.M.

4. Buehler, C.

5. Williams, K.

6. Sassler, S.

7. Nicholson, L.

8. Waite, L.

9. Gallagher, M.

مطالعات نشان می‌دهند که کمک مالی، حمایت عاطفی و همکاری زن و شوهر سه عامل مهم رضایت در زندگی هستند (آرگیل<sup>۱</sup>)، ترجمه گوهری، نشاط دوست، پالاهنگ و بهرامی، (۱۳۸۲). رشد فوق‌العاده دینداری زوجین در اثر ازدواج (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۴، ص ۵) و کامل شدن شخصیت آنان پس از ازدواج (مطهری، ۱۳۷۲) از کارکردهای مهم ازدواج است که به ندرت برنامه روان‌شناختی و اجتماعی دیگری می‌تواند جایگزین ازدواج در این کنش‌ها شود. روشن است که بیشتر آثار فردی و اجتماعی ازدواج در پرتو موفقیت، سلامت و استمرار این پیوند است. با وجود این، اکنون حفظ و استمرار ازدواج برای بسیاری از زوجین در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف دشوار شده است (وایتمن<sup>۲</sup>، مک‌هال<sup>۳</sup> و کروتر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷ به نقل از پورمحسنی، ۱۳۸۹).

ارتباط کارآمد میان زن و شوهر اساسی‌ترین جنبه برای عملکرد مطلوب در خانواده به شمار می‌آید (ترکان، کلانتری و مولوی، ۱۳۸۹). این ارتباط فرایندی است که طی آن زن و شوهر، به صورت کلامی و غیرکلامی، به تبادل احساسات و افکار می‌پردازند (نوابی‌نژاد و ملک، ۱۳۸۹). دپاول<sup>۵</sup> ارتباط صحیح اعضای خانواده را سبب ایجاد همدلی، علاقه، صمیمیت و درک احساسات یکدیگر می‌داند (دپاول، ۲۰۰۶ به نقل از حمید، ۱۳۹۱). مورینسن<sup>۶</sup> (۲۰۰۰) در پژوهش خود نشان داد که ارتباط میان فردی همراه با سطح توجه و علاقه بالا، با کیفیت روابط زناشویی ارتباط مثبت دارد. همچنین کرادوک<sup>۷</sup> (۲۰۰۷) درباره مقوله‌های مؤثر بر رضایت زناشویی تحقیق کرده و به این نتیجه رسیده است که زوج‌هایی که سازگاری، همبستگی، انعطاف‌پذیری و ارتباط غنی‌تری داشته‌اند، از رضایت زناشویی بیشتری برخوردار بوده‌اند. دپاول برخی از ویژگی‌های خانواده دارای عملکرد مطلوب را تعامل ارتباطی باز، کنترل و مهار فشارهای روحی روانی به طور مؤثر، همدلی، رهبری، ابراز محبت و علاقه، احترام به همسر و مسؤولیت‌پذیری شخصی عنوان می‌کند (حمید، ۱۳۹۱).

خانواده‌درمانگران، اغلب بیان می‌کنند که ارتباطات ضعیف درون خانواده موجب مشکلات خانوادگی شدید، شکست در حل مشکلات، فقدان عشق و صمیمیت، و جدا شدن زوجین می‌شود (پاترسون<sup>۸</sup> و دیگران، ترجمه: نیلوفری، ۱۳۸۹). شکست و ضعف در برقراری ارتباط، یکی از رایج‌ترین مشکلاتی است که همسران ناراضی گزارش می‌دهند. همچنین

1. Argyle, M.

2. Waitman, C.

3. McHale, S.M.

4. Crouter, A.C.

5. Depaul, N.

6. Morrison, D.R.

7. Craddoc. A.E.

8. Patterson, J.

دشواری‌های ارتباطی، تنها علت اختلافات زناشویی نیست؛ اما مشخص‌کننده روابط پریشان است. اگر اعضای یک خانواده، که زوجین هستند، بتوانند بهترین شیوه صحبت کردن و ارتباط کلامی و مهارت‌های لازم برای گفت‌وگو را به خوبی بیاموزند، در بهبود روابط آنان تأثیر زیادی خواهد داشت.

آموزش ارتباط، با هدف بهبود روابط زوجی رضایت‌مندانه و پیش‌گیری از شکست ازدواج در دهه ۷۰ توسعه یافت. بیشتر برنامه‌های آموزشی ارتباط به زوجینی ارائه می‌شود که در سطح عمومی و اغلب در مراحل اولیه ازدواج هستند (هالفورد<sup>۱</sup> و مور<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱ به نقل از قلیلی، احمدی و فاتحی‌زاده، ۱۳۸۵). به عبارت دیگر، این آموزش برای همسران خشنود بیشترین نتیجه را دارد؛ اما حتی همسرانی که دارای روابطی با خطر پایین و یا در مراحل اولیه تعارض هستند نیز می‌توانند از این برنامه‌ها سود ببرند. فرض اساسی رویکرد آموزش مهارت این است که برخی از افراد مهارت‌های اساسی رابطه زناشویی را اصلاً یاد نگرفته‌اند یا فراموش کرده‌اند. بنابراین تأکید این برنامه‌ها بر آموزش مهارت‌های اساسی، مانند ارتباط مؤثر، است (هالفورد و مارکمن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰ به نقل از قلیلی و همکاران، ۱۳۸۵).

برنامه‌های متعددی به آموزش مهارت‌های ارتباطی می‌پردازند. برنامه بهبود رابطه<sup>۴</sup> گورنی<sup>۵</sup>، اسکوکا<sup>۶</sup>، اورتوین<sup>۷</sup> و وینینگ<sup>۸</sup>، برنامه پیش‌گیری<sup>۹</sup> و بهبود رابطه مارکمن و هالفورد و برنامه ارتباطات زوجی مینه‌سوتا<sup>۱۰</sup>، میلر<sup>۱۱</sup>، واکمن<sup>۱۲</sup> و نانالی<sup>۱۳</sup> از آن جمله‌اند. شیوه گفت‌وگوی مؤثر از اجزای برنامه ارتباطی میلر، واکمن و نانالی است (میلر، میلر، نانالی و واکمن، ترجمه بهاری، ۱۳۸۳). آنان در رویکرد خود با استفاده از چرخه آگاهی و چرخه گوش‌دادن به زوجین، مهارت‌های حرف زدن و گوش‌دادن مؤثر برای حل اختلافات را می‌آموزند. در سال‌های اخیر دین و آموزه‌های دینی به عنوان یکی از متغیرهای مؤثر رفتار و حالات روانی، مورد توجه بسیاری از متخصصان علوم رفتاری قرار گرفته است تا جایی که برخی دین را عامل اساسی بهداشت فردی و اجتماعی معرفی کرده‌اند (سهرابی و سامانی، ۱۳۸۰). تحقیقات متعددی نشانگر اثربخشی روان‌درمانی مذهبی بر مشکلات روان‌شناختی

1. Halford, W. K.

2. Moore, E.

3. Markman, H.

4. relationship enhancement

5. Guernsey, B.

6. Scuka, R.

7. Ortwein, M.

8. Winning, A.

9. prevention

10. minnesota couples communication program

11. Miller, Sh. Ad.

12. Wackman, D.B.

13. Nannally, E.W.

هستند (حیدری، ۱۳۸۷). بررسی‌های متعدد انجام‌شده در زمینه مذهب و رضامندی زناشویی حاکی از وجود رابطه مثبت بین این دو است (دادلی<sup>۱</sup> و کاسینسکی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰ به نقل از جمشیدی، ۱۳۹۱).

با توجه به اهمیت و نقش آموزه‌های مبتنی بر آیات و احادیث در سالم‌سازی زندگی انسان، به‌ویژه زندگی خانوادگی، و فراهم‌سازی زمینه نیل به کمال و رضوان الهی، آموزش مهارت‌های کلامی اسلام‌محور به زوجین می‌تواند ارتقا و تعمیق سلامت معنوی همسران را به دنبال داشته باشد (فقیهی، ۱۳۸۶). در متون اسلامی توصیه‌ای برای شیوه بیان و گفتار مناسب و مؤثر ارائه شده است که رعایت آن در روابط کلامی زوجین مهم‌تر است؛ زیرا مدت زمان و مقدار و عمق گفت‌وگوی همسران بیش از سایر گفت‌وگوها در روابط انسانی است. در این زمینه در منابع اسلامی دستورات زیادی وجود دارد و در این تحقیق بر آن هستیم که مهارت‌های کلامی را با توجه به آموزه‌های اسلامی بیاموزیم و نقش آن را در بهبود روابط همسران بررسی کنیم.

با توجه به اینکه در پژوهش‌های موجود به نقش آموزش مهارت‌های کلامی اسلام‌محور بر بالا بردن سطح عملکرد خانواده پرداخته نشده است و پژوهش در این موضوع، به سبب نقش آموزه‌های دینی در این زمینه، ممکن است راه‌کارهای مفیدی به مشاوران ارائه دهد، در پژوهش حاضر تلاش بر این بوده که با عملیاتی کردن یافته‌های محققان علوم دینی در حوزه مهارت‌های کلامی و سنجش تأثیر آموزش آن بر عملکرد خانواده، گامی در نشر علوم اسلامی و انتقال آن به زبانی مشترک برای دیگر پژوهشگران حوزه روان‌شناسی برداشته شود. این پژوهش درصدد آن است که به سنجش میزان تأثیر آموزش مهارت‌های کلامی اسلام‌محور بر بالا بردن سطح عملکرد خانواده بپردازد. با توجه به این هدف، این پژوهش به دنبال آزمون این فرضیه است: آموزش مهارت‌های کلامی اسلام‌محور در بهبود عملکرد خانواده و خرده‌مقیاس‌های آن تأثیر دارد.

## روش پژوهش

نوع تحقیق از حیث هدف در پژوهش حاضر کاربردی است. تحقیق کاربردی پژوهشی است که با استفاده از نتایج تحقیقات بنیادی برای بهبود و به کمال رساندن رفتارها، روش‌ها،

1. Dudley, M.

2. Kosinski, F.

ابزارها، وسایل، تولیدات، ساختارها و الگوهای مورد استفاده جوامع انسانی انجام می‌شود. روش انجام پژوهش حاضر را می‌توان شبه‌آزمایشی دانست؛ زیرا کنترل همه متغیرهای مداخله‌کننده در متغیر وابسته (عملکرد خانواده) نسبت به متغیر مستقل (آموزش مهارت‌های کلامی اسلام‌محور) ممکن نیست. در این پژوهش منظور از آموزه‌های اسلامی بسته آموزشی محقق‌ساخته‌ای است که به آزمودنی‌ها آموزش داده می‌شود. منظور از عملکرد خانواده در این پژوهش نمره‌ای است که فرد در پرسش‌نامه مک‌مستر<sup>۱</sup> FAD دریافت می‌کند.

جامعه آماری این پژوهش را زنان متأهل منطقه ۱۵ شهر تهران، که از سطح عملکرد خانوادگی خود رضایت کافی ندارند، تشکیل داده‌اند. افراد از طریق نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. ابتدا طی طرحی که با همکاری معاونت تبلیغ و آموزش‌های کاربردی حوزه‌های استان تهران و استانداری استان تهران با نام طرح ترنم مهر برگزار شد، به طور تصادفی منطقه ۱۵ شهر تهران برای این کار انتخاب شد. ۸۰ نفر ثبت نام کردند که در نهایت ۳۸ نفر انتخاب شدند. پس از آن به‌طور تصادفی به دو گروه همگن گواه و آزمایش تقسیم شدند و پس از انجام مراحل پژوهش و برگزاری کارگاه و پیش‌آزمون و از کنار گذاشتن فرم‌های ناقص ۳۰ نفر، ۱۵ نفر گروه آزمایش و ۱۵ نفر گروه گواه، نمونه آماری پژوهش حاضر را تشکیل دادند. معیارهای ورود آزمودنی به پژوهش به این صورت بود: افراد متأهلی که از عملکرد خانوادگی خود راضی نباشند و از وضع فعلی شکایت داشته باشند و مدت ازدواج آنان بین ۱ تا ۱۵ سال باشد. شرایط خروج از پژوهش به این صورت بود: افرادی که جهت شرکت در کارگاه آموزشی همکاری نکردند، افرادی که حاضر به پر کردن پرسش‌نامه عملکرد خانواده نشدند و افرادی که دارای اختلال شخصیت بودند. تشخیص و سرند این مورد بر اساس ملاک‌های DSM4 و با استفاده از مصاحبه بالینی میلیون<sup>۳</sup> (فتحی آشتیانی و داستانی، ۱۳۹۲) انجام شد.

### ابزارهای پژوهش

در پژوهش حاضر جهت بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های کلامی اسلام‌محور بر بالا بردن سطح عملکرد خانواده از یک پرسش‌نامه و یک بسته محقق‌ساخته استفاده شد.

۱. پرسش‌نامه سنجش عملکرد خانواده بر مبنای الگوی مک‌مستر (FAD): در این

پژوهش برای اندازه‌گیری عملکرد خانواده از پرسش‌نامه سنجش عملکرد خانواده بر مبنای الگوی مک‌مستر FAD، که یک پرسش‌نامه ۶۰ سؤالی است و برای سنجیدن عملکرد خانواده تدوین شده است، استفاده شد. این ابزار، که توانایی خانواده را در سازش با حوزه وظایف خانوادگی با یک مقیاس خودگزارش‌دهی مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهد، را اپشتاین، بالدوین و بیشاب در سال ۱۹۸۳ با هدف توصیف ویژگی‌های سازمانی و ساختاری خانواده تهیه کردند (صیادی، ۱۳۸۳ و تامپلین<sup>۱</sup>، گودر<sup>۲</sup> و هربرت<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸ به نقل از آخرتی، ۱۳۸۶).

FAD از روایی همزمان و پیش‌بین نسبتاً خوبی برخوردار است. این ابزار در یک مطالعه مستقل روی ۱۷۸ زوج حدوداً ۶۰ ساله با مقیاس رضایت زناشویی لاک - والاس همبستگی متوسط داشت و قدرت نسبتاً خوبی برای پیش‌بینی نمرات مقیاس روحیه سالمندی فیلادلفیا نشان داد. این ابزار همچنین قدرت متمایزسازی اعضای خانواده‌های بالینی و خانواده‌های غیربالینی را دارد؛ بنابراین در هفت خرده‌مقیاس خود دارای روایی خوبی برای گروه‌ها شناخته شده است (تامپلین و همکاران، ۱۹۹۸ به نقل از آخرتی، ۱۳۸۶).

این آزمون در سال ۱۹۸۳ بر روی یک نمونه ۵۰۳ نفری اجرا شد. دامنه ضریب آلفای خرده‌مقیاس‌های آن بین ۰/۷۲ تا ۰/۹۲ به‌دست آمد که همسانی درونی نسبتاً خوبی را نشان می‌دهد. در ایران، برای اولین بار، نجاریان (۱۳۷۴) FAD را ترجمه، هنجاریابی و میزان‌سازی کرد. وی در پژوهشی با عنوان «بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی ابزار سنجش خانواده»، که روی نمونه‌ای با حجم ۵۰۱ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران انجام داد، ضمن تأیید اعتبار نسخه فارسی این آزمون (FAD-I)، که دارای ۴۵ سؤال است، اعتبار کل آزمون را ۰/۹۳ به دست آورد که در سطح  $P \leq 0/001$  معنادار است. وی با استفاده از روش تحلیل عاملی توانست سه سازه یا عامل را شناسایی و نام‌گذاری کند. این سازه‌ها عبارت‌اند از: ۱. نقش‌های خانوادگی؛ ۲. حل مسأله و ۳. همراهی عاطفی. در ایران علاوه بر FAD-I، نسخه‌های دیگری از این آزمون هنجاریابی و تحلیل عاملی شده است. این نسخه‌ها ۴۱، ۴۳، ۴۳ و ۵۳ و ۶۰ سؤالی هستند. در این پژوهش از نسخه ۶۰ سؤالی FAD استفاده شده است. در ایران تحقیقات نجاریان (۱۳۷۴)، ملانقی (۱۳۷۷)، نوروزی (۱۳۷۷)، امینی (۱۳۷۸)، بهاری (۱۳۷۹)، صیادی (۱۳۸۰)، میرعنایت (۱۳۷۸)، جوادی (۱۳۸۳) و رضایی (۱۳۷۸)

1. Tamplin, A.

2. Gooder, M.A.

3. Herbert, J.A.

بیانگر پایایی بالای این آزمون هستند.

۲. **بسته محقق ساخته:** با توجه به فضای مذهبی جامعه ما و ضرورت مداخله‌های مذهبی برای بهبود عملکرد خانواده، محقق اقدام به ساخت بسته آموزشی درباره روابط زوجین کرده است. هدف از تهیه این بسته ارائه دستورات و آموزه‌های اسلامی مربوط به بالا بردن سطح عملکرد خانواده برای بهبود روابط زوجین است. پژوهشگر برای ساخت بسته آموزشی از تحقیقات داخلی و خارجی در این موضوع استفاده کرده است. ابتدا با بررسی تحقیقات مختلف درباره مؤلفه‌های عملکرد خانواده و وارسی متون دینی، اعم از قرآن و روایات، در زمینه مسائل زناشویی و خانوادگی به سرفصل‌هایی در زمینه رضامندی زناشویی از منظر دین دست یافت. بدین ترتیب در گام اول، آیات و روایات مربوط را گردآوری کرد و سپس به توصیف هر یک از سرفصل‌ها پرداخت و سرفصل‌هایی که از نظر متخصصان علوم دینی بیشترین ارتباط را با مباحث خانوادگی از منظر دین داشت انتخاب و به همراه مستندات آن‌ها به ۸ متخصص روان‌شناسی، که سابقه کار بالینی در حوزه مسائل خانواده داشتند، ارائه داد. در نهایت با نظر متخصصان علوم دینی و روان‌شناسی، روایی بسته آموزشی مورد تأیید قرار گرفت. محتوای این بسته آموزشی طی ده جلسه ۹۰ دقیقه‌ای آموزش داده شد:

جلسه اول: ارزیابی مشکلات؛

جلسه دوم: خودشناسی؛ برخی از مشکلات ارتباطی همسران مربوط به نشناختن نقاط ضعف و قوت خود در روابط زناشویی است؛ از این رو تمرکز بر مسؤلیت خویش در زندگی زناشویی می‌تواند در بالا رفتن سطح عملکرد خانواده مؤثر باشد. در پژوهش حاضر سعی شد با ترغیب افراد به ارزیابی خویش در زندگی زناشویی و بستن قرارداد رفتاری با آزمودنی‌ها مبنی بر اینکه تغییر رفتار بدون چشم‌داشت باشد و فرد بر تغییر رفتار خود تمرکز کند، تأثیر این روش بر عملکرد خانواده مورد بررسی قرار گیرد.

جلسه سوم: بررسی نیازهای همسران؛

جلسه چهارم: تفاوت‌های زن و مرد و بررسی نقش هر کدام؛

جلسه پنجم: سبک‌های ارتباطی و راه‌های کسب آرامش در خانواده؛

جلسه ششم: مهارت‌های ارتباطی کلامی و غیر کلامی؛ آموزش مهارت‌های کلامی و

آشنایی با سبک‌های ارتباطی سبب کسب آرامش در خانواده می‌شود. بسیاری از افراد اصول اولیه ارتباط را بلد نیستند یا به دلیل مشکلات زندگی از آن‌ها غافل شده‌اند. اصل توجه به

نیازهای عاطفی و جسمانی طرف مقابل در ارتباط را همواره باید مدنظر داشت تا تعاملی سازنده و آرامش‌بخش به وجود آید. در این بسته آشنایی همسران با الگوهای رفتار کلامی و غیر کلامی از منظر دین در تعامل با یکدیگر و رسیدن به بهترین سبک ارتباط، یعنی سبک صریح و محترمانه، مورد تأکید قرار گرفت و تلاش شد تا مهم‌ترین ویژگی‌های عاطفی همسر بازگو شود و بر روش ارضای آن تأکید شود. رعایت عفت و ادب در کلام، پرهیز از آزار رساندن زبانی، ابراز محبت کلامی و رفتارهای غیر کلامی مؤثر بر ارتباط زوجین از خصیصه‌های این مبحث است.

جلسه هفتم: عوامل ارتقابخش گفت‌وگوی سالم با تأکید بر منابع دینی و بررسی نیازهای همسران؛ در بخش دیگری از این بسته آموزشی به این مسأله توجه شد که عده‌ای از افراد از نیازهای متقابل در خانواده اطلاعی ندارند و نشناختن نیازهای طرف مقابل، فرد را در انجام وظایف نقشی دچار مشکل می‌کند. در نتیجه گاهی درگیری‌ها و بهانه‌جویی‌ها بر اثر ارضا نشدن نیازهای طرف مقابل است. بنابر این با توجه به آموزه‌های اسلامی سعی شد نیازهای متقابل همسران و وظایف نقشی هر فرد بررسی و بر ارضای نیازهای طرف مقابل و برطرف کردن خواسته‌های طبیعی، که پیش‌تر توجه کافی به آن‌ها نبوده است، تمرکز شود. نیاز به تعلق، نیاز به شادی و شادکامی، نیاز به احترام و تکریم و نیاز به درک متقابل در این بخش مطرح شده است.

جلسه هشتم: عوامل مخلّ در گفت‌وگوی سالم؛

جلسه نهم: خشم؛

جلسه دهم: نتیجه‌گیری؛

### یافته‌های پژوهش

در این پژوهش برای بررسی میزان اثربخشی آموزش مهارت‌های کلامی اسلام‌محور در بهبود عملکرد خانواده از آزمون تحلیل کوواریانس، با رعایت پیش‌فرض‌های آماری استفاده شد. در جدول ۱ شاخصه‌های توصیفی متغیرهای پژوهش، یعنی عملکرد خانواده، به تفکیک گروه آزمایش و گواه و پیش‌آزمون و پس‌آزمون ارائه گردیده است.



جدول ۱: شاخص‌های توصیفی عملکرد خانواده و خرده‌مقیاس‌های آن بر حسب گروه و مرحله آزمون

متغیر	گروه	آزمون	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد
عملکرد خانواده	آزمایش	پیش‌آزمون	۱/۹۱	۲/۸۱	۲/۳۷	۰/۲۲	۱۵
		پس‌آزمون	۱/۷۶	۲/۵۸	۲/۰۶	۰/۲۶	۱۵
	گواه	پیش‌آزمون	۱/۳۳	۲/۵۱	۱/۹۶	۰/۳۷	۱۵
		پس‌آزمون	۱/۳۵	۲/۴۵	۱/۹۷	۰/۳۳	۱۵

همان گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین و انحراف استاندارد نمره عملکرد خانواده در گروه آزمایش در پیش‌آزمون ۲/۳۷ و ۰/۲۲ و میانگین انحراف استاندارد گروه گواه در پیش‌آزمون ۱/۹۶ و ۰/۳۷ است. در پس‌آزمون میانگین و انحراف استاندارد نمره عملکرد خانواده در گروه آزمایش ۲/۰۶ و ۰/۲۶ و میانگین و انحراف استاندارد در گروه گواه ۱/۹۷ و ۰/۳۳ است که نشان می‌دهد میانگین گروه آزمایش در پس‌آزمون به مقدار ۰/۳۱ کم شده است.

در این بخش، گزارش همگنی واریانس‌های دو گروه آزمایش و گواه در پیش‌آزمون و نتایج آزمون‌های کوواریانس در مورد هر یک از فرضیه‌های پژوهش ارائه شده است. آزمون لون<sup>۱</sup> نشان داد که در متغیر عملکرد خانواده و خرده‌مقیاس‌های حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، آمیختگی عاطفی، کنترل رفتار و عملکرد کلی دو گروه آزمایش و گواه در مرحله پیش‌آزمون، واریانس‌های یکسانی در متغیرهای پژوهش دارند؛ بنابراین مفروضه انجام تحلیل واریانس فراهم است. همچنین فرض همگنی واریانس‌ها در همراهی عاطفی و عملکرد کلی رد شد؛ اما از آنجا که گروه‌ها هم‌حجم هستند، در برابر نقض این مفروضه مقاوم است و می‌توان تحلیل‌های پارامتریک را انجام داد (تاباچنیک<sup>۲</sup> و فیدل<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷). جدول ۲ نتایج تحلیل کوواریانس فرضیه اصلی پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۲: نتایج تحلیل کوواریانس برای بررسی اثر بسته آموزشی بر عملکرد خانواده گروه‌های آزمایش و گواه

متغیر	منبع تغییر	SS	df	MS	F	p
	پیش‌آزمون	۱/۵۵	۱	۱/۵۵	۴۱/۱۹	۰/۰۰۰
عملکرد خانواده	گروه	۰/۲۵	۱	۰/۲۵	۶/۷۱	۰/۰۱۵
	خطا	۱/۰۱	۲۷	۰/۰۳۸		
	کل	۱۲۵/۳۶	۳۰			

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، نتایج تحلیل کوواریانس بیانگر آن است که بین نمرات پس‌آزمون در گروه آزمایش و کنترل متغیر عملکرد خانواده تفاوت معنادار وجود دارد ( $p < ۰/۰۵$ )؛ به عبارت دیگر، مداخله انجام‌گرفته از اثربخشی معناداری برخوردار است و فرضیه اول تحقیق در سطح معناداری  $p < ۰/۰۵$  تأیید می‌شود. می‌توان نتیجه گرفت که مداخله اسلامی حاضر در کاهش معدل عملکرد خانواده تأثیر داشته و باعث بهبود روابط فرد در خانواده شده است. جدول ۳ نتایج تحلیل کوواریانس فرضیه دوم را نشان می‌دهد، مبنی بر اینکه آموزش مهارت‌های کلامی اسلام‌محور در بین خانواده‌ها بر خرده‌مقیاس‌های عملکرد خانواده تأثیر دارد.

جدول ۳: نتایج تحلیل کوواریانس برای بررسی اثر بسته آموزشی بر خرده‌مقیاس‌های عملکرد خانواده گروه‌های آزمایش و گواه

منبع تغییر	متغیر	SS	df	MS	F	p
پیش‌آزمون	حل مشکل	۲/۴۳	۱	۲/۴۳	۲۵/۴۵	۰/۰۰۰
	ارتباط	۱/۱۴	۱	۱/۱۴	۷/۱۴	۰/۰۱۳
	نقش‌ها	۳/۰۶	۱	۳/۰۶	۵۱/۸۷	۰/۰۰۰
	همراهی عاطفی	۲/۲۸	۱	۲/۲۸	۲۷/۲۹	۰/۰۰۰
	آمیختگی عاطفی	۲/۰۴	۱	۲/۰۴	۵۱/۷۰	۰/۰۰۰
	کنترل رفتار	۱/۳۲	۱	۱/۳۲	۱۱/۶۶	۰/۰۰۲
	عملکرد کلی	۳/۰۹	۱	۳/۰۹	۴۷/۶۱	۰/۰۰۰

حل مشکل	۰/۵۲	۱	۰/۵۲	۵/۴۳	۰/۰۲۷
ارتباط	۰/۱۶	۱	۰/۱۶	۱/۰۴	۰/۳۱۷
نقش‌ها	۰/۳۳	۱	۰/۳۳	۵/۷۳	۰/۰۲۴
همراهی عاطفی	۰/۰۸۵	۱	۰/۰۸۵	۱/۰۱	۰/۳۲۴
آمیختگی عاطفی	۰/۱۸۸	۱	۰/۱۸۸	۴/۷۵	۰/۰۳۸
کنترل رفتار	۰/۰۱۶	۱	۰/۰۱۶	۰/۱۴۳	۰/۷۰۸
عملکرد کلی	۰/۳۰۱	۱	۰/۳۰۱	۴/۶۲	۰/۰۴۱
حل مشکل	۲/۵۸	۲۷	۰/۰۹۶		
ارتباط	۴/۳۴	۲۷	۰/۱۶۱		
نقش‌ها	۱/۵۹	۲۷	۰/۰۵۹		
همراهی عاطفی	۲/۲۵	۲۷	۰/۰۸۴		
آمیختگی عاطفی	۱/۰۶	۲۷	۰/۰۴		
کنترل رفتار	۳/۰۶	۲۷	۰/۱۱۴		
عملکرد کلی	۱/۷۵	۲۷	۰/۰۶۵		
حل مشکل	۱۰۰/۸۱	۳۰			
ارتباط	۱۲۳/۸۶	۳۰			
نقش‌ها	۱۴۲/۲۶	۳۰			
همراهی عاطفی	۱۲۶/۶۰	۳۰			
آمیختگی عاطفی	۱۳۳/۱۳	۳۰			
کنترل رفتار	۱۱۸/۴۱	۳۰			
عملکرد کلی	۱۲۶/۴۱	۳۰			

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، نتایج تحلیل کوواریانس بیانگر آن است که بین نمرات پس‌آزمون در گروه آزمایش و کنترل خرده‌مقیاس‌های حل مشکل، نقش‌ها، آمیختگی عاطفی و عملکرد کلی تفاوت معنادار وجود دارد ( $p < 0/05$ )؛ به عبارت دیگر، مداخله انجام‌گرفته از اثربخشی معناداری برخوردار است و فرضیه تحقیق در مورد خرده‌مقیاس‌های حل مشکل، نقش‌ها، آمیختگی عاطفی و عملکرد کلی در سطح معناداری  $p < 0/05$  تأیید می‌شود.

نتایج تحلیل کوواریانس همچنین نشان می‌دهد که بین نمرات پس‌آزمون در گروه آزمایش و کنترل خرده‌مقیاس‌های ارتباط، همراهی عاطفی و کنترل رفتار تفاوت معنادار وجود ندارد ( $p < 0.05$ )؛ به عبارت دیگر، مداخله انجام‌گرفته از اثربخشی معناداری برخوردار نیست و فرضیه تحقیق در مورد خرده‌مقیاس‌های ارتباط، همراهی عاطفی و کنترل رفتار تأیید نمی‌شود. در خرده‌مقیاس‌های ارتباط، همراهی عاطفی و کنترل رفتار مشاهده می‌شود که مشخصه F مربوط به گروه (اثر مداخله) با تعدیل نمره پیش‌آزمون و از لحاظ آماری معنادار نیست و تحت تأثیر گروه قرار نداشته است.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده در این بخش از پژوهش نشان می‌دهد که آموزش مهارت کلامی اسلام‌محور بر عملکرد خانواده گروه آزمایش تأثیر داشته است. این یافته با یافته‌های برنامه‌های متعددی که به آموزش مهارت‌های ارتباطی میان همسران پرداخته‌اند هم‌سویی دارد؛ برنامه بهبود رابطه<sup>۱</sup> گورنی<sup>۲</sup> و همکاران، برنامه پیش‌گیری<sup>۳</sup> و بهبود رابطه مارکمن و همکاران و برنامه ارتباطات زوجی مینه‌سوتا<sup>۴</sup> میلر<sup>۵</sup> و همکاران از آن جمله هستند. این نتایج همچنین با نتایج پژوهش‌های داخلی، مثل زوج‌درمانی، گفت‌وگوی زوجین در حل تعارضات (قلیلی، احمدی و فاتحی‌زاده، ۱۳۸۵)، تأثیر آموزش‌های اسلامی خانواده بر افزایش رضایت زناشویی زوجین (سودانی، منجزی و شفیع‌آبادی، ۱۳۹۱)، اثربخشی گفت‌وگوی مؤثر (برنامه ارتباط زوج‌ها CCP) بر کاهش تعارضات زناشویی (حیدری، ثنایی‌ذاکر، نوبی‌نژاد و دلاور، ۱۳۸۸)، بررسی اثربخشی آموزش تحلیل ارتباط محاورهای (TA) مذهب‌محور بر میزان عشق و علاقه، احترام به همسر و رضایت زناشویی (حمید و دهقانی، ۱۳۹۱) و طراحی زوج‌درمانی شناختی‌رفتاری مبتنی بر متون اسلامی و مقایسه کارآمدی آن با زوج‌درمانی شناختی‌رفتاری توسعه‌یافته در افزایش رضایت زناشویی زوج‌ها (سالاری‌فر، ۱۳۹۳) نیز همخوانی دارد.

نتایج به دست آمده از جداول ۴ تا ۱۰ نشان داد که در پژوهش حاضر بین نمرات

1. relationship enhancement

2. Guerney

3. prevention

4. minnesota couples communication program

5. Miller, SH. AD

پس‌آزمون در گروه آزمایش و کنترل متغیر خرده‌مقیاس‌های حل مشکل، نقش‌ها، آمیختگی عاطفی و عملکرد کلی تفاوت معنادار وجود دارد و فرضیه دوم درباره این خرده‌مقیاس‌ها را تأیید کرد. همچنین درباره خرده‌مقیاس‌های ارتباط، همراهی عاطفی و کنترل رفتار تفاوت معنادار وجود ندارد و فرضیه دوم درباره آن‌ها تأیید نمی‌شود.

نتایج به دست آمده در مورد خرده‌مقیاس‌های حل مشکل و نقش‌ها با نتایج به دست آمده در پژوهش‌های سودانی و همکاران (۱۳۹۱)، حیدری و همکاران (۱۳۸۸)، سالاری فر (۱۳۹۳) و احمدی و همکاران (۱۳۸۳) همخوانی دارد؛ اما نتایج به دست آمده در مورد خرده‌مقیاس‌های ارتباط و کنترل رفتار با نتایج به دست آمده در پژوهش‌های سودانی و همکاران (۱۳۹۱)، حیدری و همکاران (۱۳۸۸)، سالاری فر (۱۳۹۳) و احمدی و همکاران (۱۳۸۳) همخوانی ندارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که مهارت‌های ارتباطی زوجین تعیین‌کننده‌های عمده رضامندی زناشویی هستند (برلسون<sup>۱</sup> و دنتون<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹ به نقل از موتابی، ۱۳۸۳)؛ برای مثال تحقیقات نشان می‌دهند که مشکلات ارتباطی منبع اصلی دشواری‌های بین فردی هستند، مثلاً بیشتر مشکلات زناشویی و خانوادگی ناشی از سوءتفاهم و ارتباط ناکارآمد هستند که منجر به ناکامی و عصبانیت می‌شود (اکان<sup>۳</sup>، ۱۹۹۱ به نقل از موتابی، ۱۳۸۳) و به همین جهت، بر طبق یافته‌های زمینه‌یابی، مشکلات ارتباطی رایج‌ترین شکایت زوج‌های مراجعه‌کننده به درمان را تشکیل می‌دهد.

اسلام بنای زندگی خانوادگی را بر حقوقی با دامنه وسیع و حاوی ظرافت‌ها و نکته‌های لطیف استوار کرده است و وظایف زوجین و نوع مسؤولیت‌هایی که در قبال تشکیل خانواده بر عهده دارند را به‌روشنی شرح داده و برای استحکام و تداوم زندگی مشترک، رهنمودهای اخلاقی بسیار ارزنده القا نموده (قائمی، ۱۳۷۴) و ضمن تعیین ساختار خانواده، نقش اعضا و حیطه و مرز رفتاری هر یک را مشخص کرده است. در این میان برای هر یک از اعضا حقوق و وظایفی ترسیم شده است تا کارآمدی نظام خانواده دوچندان شود. از آنجاکه تعامل اعضای خانواده بر اساس نیاز به یکدیگر شکل می‌گیرد و برآورده شدن این نیازها بر اساس تعیین نقش‌ها است، طبیعی است که مسؤولیت‌های خانوادگی بر مبنای این دو مؤلفه (نیاز و نقش) شکل خواهد گرفت؛ از این مقوله در آموزه‌های دینی با عنوان «حقوق متقابل همسران» یاد شده است (جمشیدی، ۱۳۹۱).

1. Burlson, B.R.

2. Denton, W.H.

3. Okan, T.

به نظر می‌رسد این بسته آموزشی با مداخله و ایجاد تغییر در چند مسأله توانسته است در فرایند ارتباط زوجین و عملکرد خانواده تغییرات مثبتی به وجود آورد. آموزه‌های اسلامی علت بالا گرفتن تعارضات را در انتخاب الگوی غلط در ارتباطات می‌دانند، الگوهایی همچون عجله، تکبر، لجاجت و سرزنش. بر مبنای آموزه‌های اسلامی، بالا گرفتن تعارضات ناشی از ناآگاهی افراد از نقش‌ها و نیازهای یکدیگر است که پاسخ نامناسب به طرف مقابل در هنگام نیاز را در پی دارد. عدم درک طرف مقابل در تعارضات و توجه نداشتن به ریشه یا علت رفتار، موجب وخیم‌تر شدن اوضاع در تعارضات می‌شود؛ بنابراین در پژوهش حاضر سعی شد آموزش الگوهای صحیح کلامی جایگزین الگوهای غلط شود تا با تأثیر الگوهای کلامی صحیح، زوجین از اذیت و آزار کلامی یکدیگر بپرهیزند. در پی این تغییرات، سطح عملکرد خانواده فرد به قدری بالا رفت که تفاوت تغییرات بین میانگین‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آزمایش معنادار شد و در نهایت، فرضیه پژوهش را تأیید کرد.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به جامعه و نمونه پژوهش و تأثیر متغیرهای فرهنگی اشاره کرد. در این پژوهش فقط از آزمون عملکرد خانواده مک مستر (FAD) استفاده شده است و یکی از محدودیت‌ها عدم استفاده از فرم‌های موازی (انریچ و دیگر آزمون‌های رضایت زناشویی) است. محدودیت دیگر این پژوهش جنسیت آزمودنی‌ها است؛ این پژوهش فقط در میان خانم‌ها انجام گرفت، در صورتی که اگر چنین پژوهشی در جامعه و نمونه‌های دیگر و همچنین در مردها انجام شود، قابلیت تعمیم بیشتری خواهد داشت.

## منابع

- آخرتی، محمود (۱۳۸۶)، بررسی و مقایسه عملکرد خانواده‌های عادی و خانواده‌های متقاضی طلاق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم.
- آرگیل، مایکل (۱۳۸۲)، روان‌شناسی شادی، ترجمه مسعود گوهری انارکی، حمید طاهر نشاط دوست، حسن پالانگ و فاطمه بهرامی، اصفهان: جهاد دانشگاهی.
- پاترسون، جوانن، ویلیامز، لی، تاد، ام. ادوارد، شامو، لاری، گراف - گرانرز، کلودیا و اسپرنکل دوگلاس (۱۳۸۹)، مهارت‌های پایه در خانواده درمانی: از مصاحبه اولیه تا خاتمه، ترجمه علی نیلوفری، تهران: نسل فردا.
- پورمحسنی، فرشته، الهیاری، عباسعلی، فتحی آشتیانی، علی، آزاد فلاح، پرویز و احمدی، فضل‌الله (۱۳۹۰)، «اثر بخشی برنامه‌های توانمندسازی زناشویی بر رضایتمندی زناشویی»، مجله روان‌شناسی بالینی،

شماره ۹، ص ۳۸-۲۸.

- ترکان، هاجر، کلانتری، مهرداد و مولوی، حسین (۱۳۸۹)، «بررسی اثربخشی گروه‌درمانی به شیوه تحلیل تبادلی بر رضایت زناشویی»، *مطالعات زنان*، ش ۸ (۴)، ص ۷۲-۴۹.
- ثنایی، باقر (۱۳۷۹)، *مقیاس سنجش خانواده و ازدواج*، تهران: بعثت.
- جمشیدی قرچق، محمدعلی (۱۳۹۱)، *اثربخشی توانمندسازی کارکردی زوجین به صورت گروهی و رضایتمندی زناشویی با رویکرد اسلامی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) قم.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۲ق)، *وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه*، قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام لایحه التراث.
- حمید، نجمه و دهقانی، مصطفی (۱۳۹۱)، «بررسی اثربخشی آموزش تحلیل ارتباط محاوره‌ای (TA) مذهب‌محور بر میزان عشق و علاقه، احترام به همسر و رضایت زناشویی»، *روان‌شناسی و دین*، شماره ۲۰، ص ۴۱-۲۳.
- حیدری، مجتبی (۱۳۸۷)، *بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و رضامندی از زندگی زناشویی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) قم.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: سروش.
- فتحی آشتیانی، علی و داستانی، محبوبه (۱۳۹۲)، *آزمون‌های روان‌شناختی: ارزشیابی شخصیت و سلامت روان*، تهران: بعثت.
- فقیهی، علی‌نقی (۱۳۸۶)، «آموزش‌های روان‌شناختی مبتنی بر قرآن و حدیث و بررسی تأثیرات روانی و تربیتی آن در روابط همسران»، *دوفصل‌نامه تربیت اسلامی*، سال دوم، شماره ۴، ص ۱۳۰-۸۹.
- قائمی، علی (۱۳۷۴)، *نظام حیات خانواده در اسلام*، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- قلیلی، زهره، احمدی، سید احمد و فاتحی‌زاده، مریم (۱۳۸۵)، «زوج‌درمانی، گفت‌وگوی زوجین در حل تعارضات»، *فصل‌نامه تازه‌های روان‌درمانی*، سال یازدهم، شماره ۳۹ و ۴۰، ص ۷۸-۵۹.
- مجلسی، محمدباقر (۱۹۸۳م)، *بحارالانوار*، بیروت: مؤسسه الوفا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، *تعلیم و تربیت از نظر اسلام*، قم و تهران: صدرا.
- موتابی، فرشته (۱۳۸۳)، *مهارت برقراری ارتباط مؤثر (ویژه معلمان)*، تهران: نشر طلوع دانش.
- میلر، شراد، میلر، فیلیس، نانالی، الام و واکمن، دانیل (۱۳۸۳)، *آموزش مهارت‌های ارتباطی زناشویی (حرف زدن و گوش دادن به همسر)*، ترجمه فرشاد بهاری، تهران: رشد.
- نوابی‌نژاد، شکوه و ملک، انسیه (۱۳۸۹)، «اثربخشی آموزش مقابله با تفکر قطعینگر بر بهبود روابط

زناشویی زنان»، *اندیشه و رفتار*، دوره ۴، شماره (۱۶)، ص ۷-۱۶.

سهرابی، نادری و سیامک سامانی (۱۳۸۰)، بررسی میزان تأثیر نگرش مذهبی بر بهداشت روانی نوجوانان، چکیده مقالات اولین همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روان، کمیته برگزارکننده.

Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (2007), *Using multivariate statistics* (5th ed.), Boston: Allyn & Bacon.



## ساخت آزمون اولیه حضور قلب در نماز بر اساس منابع اسلامی

### The Construction of an Initial Test Regarding the Presence of Heart While Praying Based on the Islamic Sources.

ک محمدعلی رحیمی نداف / کارشناس ارشد مشاوره و راهنمایی، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت،  
محمد رضا احمدی / استادیار گروه روان شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛  
حمید رفیعی هنر / دانشجوی دکتری روان شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛

Muhammad Rahim Naddaf / M.A. in Consultation and Guidance, HIEE. nadaf8176@yahoo.com

Muhammad Reza Ahmadi / Assistant Professor of Psychology, IKI.

Hamid Rafi'ie Honar / PhD Student in Psychology, IKI.

#### Abstract

The present research aims at constructing an initial test regarding the presence of heart while praying based on the Islamic sources. To do so, the researcher has attempted to draw upon the Holy Quran and Hadiths so as to explicate the components and signs of heart presence in prayer, presenting a test that evaluates the presence of heart in adults' prayers. The selected research methods are descriptive and survey. In descriptive method, religious teachings were gathered and the classified signs of that construct were analyzed and evaluate by eight religious experts. In survey method, the validity and reliability of the test were analyzed in a sample of 70 participants including seminary and university students of Qom. For data analysis, we used indicators and statistical methods

#### چکیده

هدف پژوهش حاضر ساخت آزمون اولیه حضور قلب در نماز بر اساس منابع اسلامی است. از این رو محقق با استفاده از قرآن و روایات و تبیین مؤلفه‌ها و نشانه‌های سازه حضور قلب، در پی ارائه آزمونی است که حضور قلب را در نماز افراد بزرگسال اندازه‌گیری نماید. روش تحقیق به دو شیوه توصیفی و پیمایشی است. در روش توصیفی آموزه‌های دین جمع‌آوری و مؤلفه‌ها و نشانه‌های طبقه‌بندی شده سازه مورد تحلیل و ارزیابی ۸ کارشناس دینی قرار گرفته است. در روش پیمایشی نیز ارزیابی روایی و اعتبار آزمون در نمونه ۷۰ نفری از طلاب و دانشجویان شهر قم بررسی شده است. برای تحلیل داده‌ها از شاخص‌ها و روش‌های آماری متناسب با سؤال‌های پژوهش، شامل همبستگی پیرسون، اسپیرمن، ضریب دونیمه‌سازی گاتمن، ضرایب کندال، آلفای کرونباخ و آزمون خی دو، استفاده

related to our research questions such as Pearson Correlation, Spearman Correlation, Guttman Split-Half Coefficient, Kendall Coefficient of Concordance, Cronbach's Alpha, and Chi square. The results of the research showed that the content validity of the test was desirable according to the assessment of 10 experts. Correlation coefficient of the experts' opinions was positive and significant. Kendall's coefficient of concordance was 0.369 which is significant at 0.01 level. Furthermore, the basic reliability of the test was calculated as 0.909 in Cronbach's Alpha, 0.790 in the split-half correlation, 0.883 in Spearman-Brown split half coefficient, and 0.867 in Guttman's split half coefficient. Besides, for the validity of the component, the correlation of individual questions with total score, the correlations of the components with total score and the correlation of components with one another were measured that resulted in desirable validity. Final results indicated that by using the Islamic sources, it is feasible to build a tool for the evaluation of heart presence component in prayer which has a desirable reliability and validity and could be applied for research as well as educational purposes.

**Keywords:** presence of heart, daily prayer, Islamic sources, initial test, reliability and validity

شده است. نتایج پژوهش روایی محتوای آزمون را با توجه به ارزیابی ۱۰ نفر از کارشناسان در حد مطلوب نشان می‌دهد. ضریب همبستگی نظرات کارشناسان مثبت و معنادار است و ضریب تطابق کندال ۰/۳۶۹ است که در سطح ۰/۰۱ معنا می‌دهد. همچنین اعتبار اولیه آزمون با توجه به میزان آلفای کرونباخ ۰/۹۰۹، همبستگی دونیمه ۰/۷۹۰، ضریب دونیمه‌سازی اسپیرمن-بروان ۰/۸۸۳ و دونیمه‌سازی گاتمن ۰/۸۶۷ محاسبه گردید. روایی سازه، همبستگی تک‌تک سؤالات با نمره کل، همبستگی مؤلفه‌ها با نمره کل و همبستگی مؤلفه‌ها با یکدیگر نیز محاسبه شد که روایی مطلوبی را گزارش می‌دهد.

**کلیدواژه‌ها:** حضور قلب، نماز، منابع اسلامی، آزمون اولیه، اعتبار و روایی.

## مقدمه

نخستین پرستشی که بر بندگان واجب شد، نماز است (الهندی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۲۵۰). دستور به انجام نماز در بین ادیان الهی به صورت‌های مختلفی وارد شده است و در بین احکام دین‌های مختلف، یکی از مشروع‌ترین و مسلم‌ترین دستورات و بهترین راه ارتباط با خداوند است (راشدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۲). مفهومی که همیشه همراه نماز مطرح می‌شود و همواره دغدغه تمام نمازگزاران است، حضور قلب است؛ آیا حضور قلب در نماز رعایت می‌شود؟ مسأله در اینجا سنجش حضور قلب در نماز است.

در کتاب‌های مقدس، مثل تورات و انجیل، توجه به حضور خالق، حضور قلب و یاد خداوند در نماز ارزشمند شمرده شده است، برای نمونه در کتاب گنجینه تلمود از کتاب‌های دین یهود، به نماز همراه با انس و حضور قلب سفارش شده است. در کتاب مقدس (عهد جدید) دین مسیحیت نمازی که همراه با حضور قلب باشد، ارزشمند تلقی می‌شود. در کتاب آیین، آیین مزدیسنی آمده است که در آیین زرتشت تأکید بسیاری بر نماز دارای روح و حضور قلب می‌شده است (محمدی، ۱۳۸۳، ص ۳۰ - ۳۵). در دین اسلام نیز توجه ویژه‌ای به رعایت حضور قلب در نماز شده و به تعبیر حضرات معصوم علیهم‌السلام، «ملاک قبولی تمام اعمال منوط به رعایت نماز با حضور قلب است». به فرموده امام رضا علیه‌السلام، «نخستین عملی که از بنده مورد محاسبه قرار می‌گیرد، نماز است؛ اگر نماز قبول شود بقیه اعمال پذیرفته می‌شود و اگر رد شود، بقیه اعمال نیز پذیرفته نمی‌شود» (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۲۵). امام باقر علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «از نماز بنده همان مقداری پذیرفته می‌شود که با توجه قلبی همراه باشد» (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۵۸).<sup>۲</sup>

لازمه کمی کردن یک سازه کیفی، رسیدن به تعریف نظری جامعی از سازه است؛ بنابراین واژه «حضور» به معنای‌ای چون: ۱. پیشگاه (انوری، ۱۳۸۷، ص ۲۵۴۱)؛ ۲. نزد (معین، ۱۳۸۹، ص ۱۳۶۱)؛ ۳. وجود (انوری، ۱۳۸۷، ص ۲۵۴۱) و ۴. شهر (سیاح، ۱۳۷۸، ص ۳۷۲) آمده است. ابن منظور و جوهری تعریف به نقیض کرده‌اند «حضور، نقیض الغیبه و المغیب» (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۱۴ و جوهری، ۱۴۲۹، ص ۲۴۲). واژه «قلب» نیز، همان‌طور که نام عضوی از بدن است، به معنای: ۱. لب و خالص هر چیزی (ابن اثیر، ۱۳۶۷،

۱. «أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ عَلَى الصَّلَاةِ فَإِذَا قِيلَتْ قَبْلَ مِنْهُ سَائِرُ عَمَلِهِ وَإِذَا رُدَّتْ عَلَيْهِ رُدَّ عَلَيْهِ سَائِرُ عَمَلِهِ».  
 ۲. «إِنَّ الْعَبْدَ لَا يُقْبَلُ مِنْ صَلَاتِهِ إِلَّا مَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ مِنْهَا بِقَلْبِهِ».

ج ۵، ص ۱۷)؛ ۲. قلب مادی و قلب روحانی (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۳۰۴)؛ ۳. روح (راغب، ۱۴۰۴، ص ۶۸۲)؛ ۴. عقل (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۶۸۷)؛ ۵. دستبند (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۶۸۸)؛ ۶. میان و وسط (انوری، ۱۳۸۷، ص ۵۵۶۷)؛ ۷. شیء قلبی و ناخالص (معین، ۱۳۸۹، ص ۲۴۵۶) و ۸. واژگون و وارونه کردن (انوری، ۱۳۸۷، ص ۵۵۶۷) نیز استعمال می‌شود. پر واضح است که اکتفا به معنای لغوی مناسب نیست؛ پس بهترین و تنهاترین راهی که برای شناختن معنای «قلب» پیدا می‌شود، این است که کارها و آثاری که در قرآن و روایات به قلب نسبت داده شده است را مورد مطالعه کرد (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۴۷). در قرآن اموری همچون درک کردن، اندیشیدن، ترس و اضطراب، حسرت و غیظ، قساوت و غلظت، غفلت، گناه، زیغ، کذب، نفاق، انکار، ذکر، توجه، انابه، ایمان، تقوا، اطمینان، آرامش، خشوع، رحمت، رأفت، لینت، انس و الفت به قلب نسبت داده شده است. بنابراین، قلب در نگاه قرآن موجودی است که درک می‌کند، می‌اندیشد، مرکز عواطف است، تصمیم می‌گیرد، دوستی و دشمنی می‌کند و موارد شبیه آن (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۶۳ و ۲۶۴). از این رو می‌توان گفت که قلب در اصطلاح قرآنی، مرکزی است که شامل سه بُعد شناخت، عاطفه و عمل است و از روایات این گونه به دست می‌آید که این سه مقوله بر همدیگر اثر می‌گذارند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۳۰). قلب را باید هم‌سنگ مفهوم انسان گرفت؛ زیرا این سه مقوله مظاهر اساسی نفس آدمی هستند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۸، ص ۳ و باقری، ۱۳۹۰، ص ۲۹).

سازه حضور قلب را می‌توان در منابع اسلامی با مفاهیمی مشابه و مغایر با این مفهوم مورد بررسی قرار داد؛ مفاهیم مشابهی چون اقبال قلب، فراغت قلب، خشوع، تأنی، تفکر، تفقه، علم و تعقل و مفاهیم مغایری چون غفلت، سهو، ایهام، اشتغال قلب، التفات، استخفاف، تهاون، سکران و کسالت. یکی از مفاهیمی که معنایی بسیار نزدیک و حتی می‌توان گفت معنایی معادل با حضور قلب دارد، اقبال قلب است؛ یعنی توجه انسان به سمت موضوعی به نحوی که غیر از آن را اراده نکند (ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۵۳۶). بیشتر روایات موجود در منابع اسلامی، مفهوم حضور قلب را با اصطلاح «اقبال القلب» تبیین نموده‌اند و در کتب روایی، همچون وسایل الشیعه (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۴) و مستدرک الوسائل (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۴)، بابی با همین عنوان قرار داده شده است. در روایاتی که واژه اقبال قلب در آن‌ها به کار رفته، گاهی امام معصوم علیه السلام آثار و پیامدها و گاهی نشانه‌ها و گاهی اهمیت اقبال قلب را بیان می‌کند.

در روان‌شناسی معاصر برای فهم سازه حضور قلب می‌توان از مفاهیمی چون تمرکز حواس<sup>۱</sup>، حواس‌پرتی<sup>۲</sup>، هشیاری<sup>۳</sup> و آگاهی<sup>۴</sup>، ذهن آگاهی<sup>۵</sup>، تمرکز معنوی<sup>۶</sup>، تجربه عرفانی<sup>۷</sup>، تجربه اوج<sup>۸</sup> و مراقبه<sup>۹</sup> یاری گرفت. یکی از نزدیک به حضور قلب، اصطلاح تمرکز حواس است که در روان‌شناسی معاصر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. تمرکز از لحاظ لغوی به معنای تراکم، فشردگی مجموعه و چکیده است و در اصطلاح، حفظ و نگهداری و اختصاص دادن نیروهای فکری و ذهنی به موضوعی خاص را معنا می‌دهد (امام‌پور، ۱۳۸۵، ص ۱۸)؛ به عبارتی تمرکز حواس، عملی دفاعی علیه تاخت‌وتاز افکار خارجی است (مرتضوی‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۸).

«حضور قلب در نماز» از نظر شیخ بهایی (۱۳۶۶، ص ۴۲۸)، فیض کاشانی (۱۳۴۲، ص ۲۰۶ و ۲۲۶)، ملا احمد نراقی (۱۳۷۶، ص ۸۴۴) و شهید دستغیب (۱۳۷۸، ص ۱۹۷) عبارت است از اینکه انسان با دل‌وجان به درگاه الهی توجه کامل کند، به معانی آیات و اذکار التفات کند، با وقار و خضوع در پیشگاه خداوند بایستد، از روی خشوع به سجده‌گاه نظر کند، به چپ و راست و آسمان نگاه نکند، مانند نماز وداع نماز بگذارد، با حالت خوف و رجا نماز به جا آورد و خود را با ریش و انگشتان مشغول نکند. ملکی تبریزی معتقد است که همین مقدار که قلب نمازگزار متوجه ظاهر احوال و سخنانی که در نماز می‌گوید، باشد برای حضور قلب کافی است (ملکی تبریزی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۲). امام خمینی حضور قلب را امری روشن فرض کرده و تنها در یک جا تعریف به قید و شرط نموده است: «و آن (حضور قلب) این است که انسان شواغل داخلی و خارجی را که مهم‌تر از همه، شواغل قلبیه است، قطع کند» (امام خمینی، ۱۳۷۵، ص ۲۷). بنابراین، حضور قلب در نماز را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «تلاش برای بازداري فکر، رفتار و احساس خود از اموری که با سخن گفتن با خداوند در هنگام نماز منافات دارد و تلاش برای واداشتن ذهن، رفتار و احساس خود به اموری که مناسب با صحبت کردن و ملاقات با خداوند در هنگام نماز است».

مفهوم حضور قلب در نماز در تحقیقات اولیه اندیشمندان اسلامی در ضمن بیان اسرار و آداب نماز مورد بررسی قرار می‌گرفت که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: اسرار الصلاه ابن‌سینا (۴۲۷) که در سه بخش تألیف شد: ماهیت نماز، احکام ظاهری و اسرار باطنی نماز، ظاهر

1. concentration
2. distraction
3. consciousness

4. wareness
5. mindfulness
6. spiritual focus

7. mystical experience
8. the peak experiences
9. meditation

و باطن نماز بر چه کسانی واجب است. کتاب‌های دیگر در این زمینه عبارت‌اند از اسرار الصلاه و انوار الدعوات ابن طاووس (۶۴۴)، اسرار الصلاه ابن فهد حلی (۸۴۱)، التنبیهاث العلیه علی وظائف الصلاه القلیبه شهید ثانی (۹۶۶)، ترجمه الصلاه و محجه البیضاء فیض کاشانی (۱۰۹۱)، اسرار الصلاه شیخ مفید (۱۱۲۶) - به اعتقاد برخی از علما این کتاب بهترین کتابی است که در این باره نوشته شده است (زمانی نژاد، ص ۷) - جامع السعادات ملا مهدی نراقی (۱۲۰۹)، معراج السعاده ملا احمد نراقی (۱۲۴۵)، اسرار الصلاه ملکی تبریزی (۱۳۴۳) و دو کتاب سر الصلاه و چهل حدیث امام خمینی (۱۳۶۸). در این آثار به اهمیت حضور قلب، مراتب حضور قلب، موانع و راه‌های رسیدن به حضور قلب و مفهوم‌شناسی حضور قلب در نماز اشاره شده است؛ اما در بحث کمی‌سازی و استخراج مؤلفه‌های حضور قلب، تا آنجا که محقق این رساله جست‌وجو نموده، تلاشی صورت نگرفته است. برخی از مقیاس‌هایی که تا به امروز ساخته شده و تا حدودی با مفهوم حضور قلب رابطه دارند، معرفی می‌گردند:

۱. «مقیاس تقید به نماز» که پناهی (۱۳۸۲) در ۲۰ سؤال با لیکرت پنج‌درجه‌ای تهیه کرده است. اعتبار و روایی این مقیاس از طریق اجرا بر روی ۶۰۸ آزمودنی و کسب ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۳ به دست آمد. در این مقیاس سعی شده به رعایت اوقات نماز، حضور قلب در نماز، لذت بردن از نماز، آرامش‌بخشی نماز، توجه به قدرت خداوند و مؤلفه‌های دیگر توجه شود.

۲. «مقیاس نگرش و التزام عملی به نماز» که انیسی، نویدی و حسینی نژاد (۱۳۸۹) در ۵۰ سؤال تهیه کرده‌اند. این مقیاس به ۴ زیرمقیاس اثربخشی نماز در زندگی، توجه و عمل به مستحبات، التزام و اهتمام به انجام نماز و مراقبت و حضور قلب در نماز پرداخته است. توجه به زیرمقیاس حضور قلب در این آزمون به‌طور کلی صورت گرفته و اشاره‌ای به نشانه‌های حضور قلب در نماز نشده است.

۳. «پرسش‌نامه ادراک خدا»<sup>۱</sup> که لاورنس<sup>۲</sup> (۱۹۹۷) در ۷۲ سؤال ساخته است. در این به ۶ زیرمقیاس حضور، چالش، پذیرش، خیرخواهی، تأثیر و مشیت به حضور خدا، پذیرش خدا و کمک خواهی از خداوند اشاره شده است. زیرمقیاس حضور خدا منحصر در عبادات نیست، بلکه به حضور خدا در همه حالات اشاره دارد.

1. the God image inventory

2. Lawrence, R. T.

۴. «مقیاس تجارب معنوی روزانه»<sup>۱</sup> (DSES) که اندروود و ترسی<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) به نقل از تقوی و امیری، (۱۳۸۹) در ۱۶ سؤال آماده کرده‌اند، دارای ۳ زیرمقیاس احساس خداوند، ارتباط با خداوند و احساس مسؤولیت در قبال دیگران است. ۵. «تست ۱۳ سؤالی حضور در لحظه»<sup>۳</sup> که براون<sup>۴</sup> و رایان<sup>۵</sup> (۲۰۰۳) در ضمن مقاله‌ای با عنوان «فواید زندگی در لحظه، حضور و نقش آن در سلامت روانی»<sup>۶</sup> اشاره کرده‌اند. این تست به سنجش هوشیاری یا حضور خودآگاه در زمان حال در همه افعال عبادی و غیرعبادی توجه دارد.

۶. «پرسش‌نامه ۵ عاملی ذهن آگاهی» (FFMQ)<sup>۷</sup> که بائر<sup>۸</sup> و اسمیت<sup>۹</sup> (۲۰۰۶) به نقل از احمدوند، حیدری‌نسب و شعیری، (۱۳۹۲) در ۱۱۲ گویه ساخته‌اند و دارای ۵ زیرمقیاس مشاهده، عمل توأم با هوشیاری، غیرقضاوتی بودن به تجربه درونی، توصیف و غیرواکنشی بودن است. عامل مشاهده به توجه داشتن به محرک‌های بیرونی و درونی اشاره دارد. عامل عمل توأم با هوشیاری به عمل کردن با حضور ذهن کامل در هر لحظه اشاره می‌کند. عامل غیرقضاوتی بودن به تجربه درون شامل حالت غیرقضاوتی داشتن درباره افکار و احساسات است و عامل غیرواکنشی بودن به تجربه درونی، نشان می‌دهد که افکار و احساسات درونی، بی‌آنکه فرد در آن‌ها گیر کند، اجازه آمودرفت دارند.

بازبینی پژوهش‌های انجام‌شده در این موضوع نشان می‌دهد که این منابع با نگاه روان‌شناختی تبیین نشده‌اند و تاکنون مقیاسی از منظر اسلام برای سنجش این سازه طراحی نشده است. از این‌رو، تلاش برای ساختن ابزاری بومی و مناسب برای سنجش حضور قلب در نماز بر اساس منابع اسلامی، ضروری به نظر می‌رسد. این پژوهش با ارائه یک مقیاس اسلامی می‌تواند تا حدودی خلأ موجود در این زمینه را تا حدودی برطرف کند و زمینه‌ساز پژوهش‌های بعدی باشد. بنابراین این تحقیق در ابتدا درصدد کشف و استخراج مؤلفه‌ها، زیرمؤلفه‌ها و نشانه‌های سازه حضور قلب از منابع اسلامی است و بعد بررسی اعتبار و روایی آزمون اولیه طراحی شده را پی می‌گیرد.

1. daily spiritual experience scale  
2. Underwood, L. and Teresi, J.  
3. mindful attention awareness scale  
4. Brown. K.W.  
5. Ryan, RM.

6. the benefits of being present:  
mindfulness and its role in  
psychological wellbeing  
7. Five Factor Mindfulness  
Questionnaire

8. Bauer, R. A.  
9. Smith, G. T.

## روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی و تحلیلی است. به منظور جمع‌آوری آموزه‌های دین درباره حضور قلب، با استفاده از روش توصیفی و با رجوع به منابع مدون اسلامی داده‌های مورد نیاز استخراج، سپس دسته‌بندی و بررسی شدند و برای ارزیابی روایی ساختاری و روایی محتوایی از روش تحلیلی استفاده شد.

جامعه آماری این پژوهش عبارت‌اند از دانش‌پژوهان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) و مؤسسه عالی اخلاق و تربیت و طلاب پایه‌های ۷ تا ۱۰ (سطح دو) حوزه علمیه قم در سال تحصیلی ۱۳۹۳ - ۱۳۹۴. ۵۰ درصد آزمودنی‌ها از حوزه علمیه قم، ۵۷/۲۸ درصد از مؤسسه آموزشی امام خمینی و ۲۱/۴۳ درصد از مؤسسه عالی اخلاق و تربیت با میانگین سنی ۳۲/۶۳ بودند. ۸۵/۷ درصد از شرکت‌کنندگان متأهل و ۱۴/۳ درصد مجرد بودند و ۳۵/۷ درصد آنان فقط تحصیلات حوزوی و ۶۴/۳ درصد تحصیلاتی حوزوی دانشگاهی داشتند. ۲/۹ درصد سطح یک حوزه، ۵۵/۷ درصد سطح دو، ۳۰ درصد سطح سه و ۱۱/۴ درصد سطح چهار را دارا بودند.

با توجه به اینکه بیشتر این پژوهش به صورت کیفی (از منابع اسلامی) است و فقط جهت اجرای آزمایشی پرسش‌نامه اولیه، نیازمند تعداد محدودی از نمونه جامعه هستیم - در آثار مربوط به مباحث روان‌سنجی، تعداد نمونه ۳۰ تا ۵۰ نفر را جهت اجرای آزمایشی پرسش‌نامه کافی می‌دانند (ثرن‌دایک، ۱۳۷۵، ص ۷۵) - سعی شد اجرای آزمایشی پرسش‌نامه بر روی ۷۰ نفر از افراد در دسترس جامعه آماری صورت گیرد.

برای انجام این پژوهش، از آزمون حضور قلب در نماز استفاده شد. این آزمون را نخستین بار محقق برای بررسی میزان حضور قلب در نماز بر اساس منابع اسلامی و در چند مرحله ساخته است:

مرحله اول، مفهوم‌شناسی سازه حضور قلب در نماز در روان‌شناسی و منابع اسلامی: در این مرحله مفاهیم موجود در منابع اسلامی به دو دسته‌ی مفاهیم مشابه و مفاهیم مغایر دسته‌بندی گردید. سعی شد مفاهیم مشابه اقبال قلب، فراغت قلب، خشوع، تأنی، تفکر، تفقه، تعقل و تعلم و مفاهیم مغایر غفلت، سهو، ایهام، اشتغال قلب، التفات، استخفاف، تهاون، سکران و کسالت با تمام مشتقات آن‌ها در قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام بررسی شود. همچنین مفاهیمی چون تمرکز حواس، حواس‌پرتی، هشیاری و آگاهی، تمرکز معنوی،



- تجربه اوج و مراقبه در روان‌شناسی معاصر مورد مطالعه قرار گرفت.
- مرحله دوم: استخراج مؤلفه‌ها و نشانه‌های نظری حضور قلب در نماز و دسته‌بندی آن‌ها: محقق در این مرحله توانست با کنار هم گذاشتن مؤلفه‌ها و نشانه‌های ذکر شده در منابع اسلامی، مؤلفه‌های حضور قلب را به دو قسمت سلبی و ایجابی و هرکدام از آن‌ها را به سه زیرمؤلفه شناختی، رفتاری و عاطفی طبقه‌بندی کند که عبارت‌اند از:
- الف) مؤلفه سلبی رفتاری شامل ۲۸ نشانه است: ۱. خمیازه کشیدن؛ ۲. خواب‌آلودگی؛ ۳. کشیدن بدن؛ ۴. کارهای خلاف ادب؛ ۵. لبخند زدن؛ ۶. خاراندن بدن؛ ۷. بی‌قراری در هنگام نشستن؛ ۸. سرگرم شدن با اعضا و جوارح؛ ۹. شکم‌پری و گرسنگی؛ ۱۰. چرخش سر و چشم؛ ۱۱. ناموزون ایستادن؛ ۱۲. بی‌قراری در هنگام ایستادن؛ ۱۳. حبس بول؛ ۱۴. نگاه به آسمان؛ ۱۵. با شتاب نماز خواندن؛ ۱۶. پوشیدن لباس تنگ؛ ۱۷. نگاه به اطراف؛ ۱۸. گوش دادن به صداهای اطراف؛ ۱۹. وسواس در تلفظ حروف؛ ۲۰. خواندن نوشته‌ها؛ ۲۱. توجه به لباس منقوش؛ ۲۲. توجه به عکس؛ ۲۳. نماز خواندن در مکان شلوغ؛ ۲۴. مقابل دیگران نماز خواندن؛ ۲۵. از روی عادت نماز خواندن؛ ۲۶. تأخیر در خواندن نماز؛ ۲۷. توجه به دمای محیط و ۲۸. توجه به بوی محیط.
- ب) مؤلفه سلبی شناختی شامل ۴ نشانه است: ۱. فکر امور گمشده‌ها؛ ۲. خودگویی؛ ۳. مشغولیت فکر به امور دنیایی و پلید و ۴. فراموشی رکعات نماز.
- ج) مؤلفه سلبی عاطفی شامل ۲ نشانه است: ۱. کسالت و بی‌میلی و ۲. حسادت.
- د) مؤلفه ایجابی رفتاری شامل ۹ نشانه است: ۱. آرامش بدنی؛ ۲. سجده با آرامش؛ ۳. کنترل چشم؛ ۴. نماز در مکان خلوت و مخصوص؛ ۵. نماز اول وقت؛ ۶. آمادگی قبل از نماز؛ ۷. با توجه وضو گرفتن؛ ۸. با توجه اذان و اقامه گفتن و ۹. با ترتیل خواندن.
- ه) مؤلفه ایجابی شناختی شامل ۸ نشانه است: ۱. توجه به معنای نماز؛ ۲. توجه به رحمت خداوند؛ ۳. توجه به عظمت الهی؛ ۴. کوچک شمردن غیر خداوند؛ ۵. یاد کردن روز قیامت؛ ۶. یاد کردن بهشت و جهنم و جایگاه فرشتگان و انبیاء؛ ۷. تجلی کردن خداوند در نماز و ۸. احساس حضور خداوند.
- و) مؤلفه ایجابی عاطفی شامل ۵ نشانه است: ۱. نماز وداع‌گونه؛ ۲. اشتیاق به نماز؛ ۳. داشتن خوف و رجا؛ ۴. تواضع و خشوع و ۵. احساس نیاز.
- مرحله سوم، بررسی میزان موافقت مؤلفه‌ها و نشانه‌های نظری با آموزه‌های اسلام: قبل

از اقدام به طراحی پرسش‌ها و بررسی روایی محتوایی آزمون، مؤلفه‌ها و نشانه‌های حضور قلب در نماز برای ارزیابی ارتباط یا عدم ارتباط آن‌ها با مفهوم حضور قلب به ۸ کارشناس دین ارائه شد تا در قالب گزینه بلی - خیر مطابقت یا عدم مطابقت ۵۶ نشانه به دست آمده را با آموزه‌های اسلام بیان کنند.

مرحله چهارم، طراحی گویه‌ها بر اساس مفاهیم، مستندات و ارائه آن‌ها به کارشناسان برای سنجش روایی محتوا: برای نشانه‌های حضور قلب در نماز ۱۷۶ گویه طراحی شد. بدین ترتیب، اغلب مفاهیم دارای حداقل ۳ گویه و برخی دارای ۴ گویه بودند. سپس برای ارزیابی روایی وابسته به محتوا، از دیدگاه ۱۰ تن از کارشناسان علوم اسلامی و روان‌شناسی خواسته شد تا نظر خود را در زمینه میزان مطابقت هر یک از گویه‌ها با مستندات دینی در مقیاس لیکرت چهاردرجه‌ای (خیلی زیاد ۷۶ تا ۱۰۰ درصد، زیاد ۵۱ تا ۷۵ درصد، کم ۲۶ تا ۵۰ درصد و بسیار کم ۱ تا ۲۵ درصد) اعلام نمایند.

مرحله پنجم، انتخاب گویه‌های مناسب برای اجرای آزمایشی: از میان ۱۷۶ گویه، ۵۷ سؤال که به اتفاق آرای کارشناسان، نمرات ۳ و ۴ (گزینه‌های خیلی زیاد و زیاد) را به خود اختصاص دادند و معرف مناسبی برای نشانه مورد نظر بودند، انتخاب و به‌طور منظم در پرسش‌نامه پیچیده شدند.

مرحله ششم، اجرای آزمایشی پرسش‌نامه: محقق با اجرای فرم اولیه پرسش‌نامه ۵۷ سؤالی بر روی ۷۰ نفر از دانش‌پژوهان و طلاب شهر قم، به بررسی آزمایشی آزمون پرداخت و بعد از تحلیل و بررسی آماری، ۶ سؤال را به دلیل عدم همبستگی با سؤالات دیگر، اصلاح کرد؛ در نتیجه فرم جدید و نهایی تدوین شد.

مرحله هفتم، بررسی روایی سازه: برای بررسی روایی سازه روش‌های متعددی وجود دارد. محقق از روش «همسانی درونی»<sup>۱</sup> برای این کار استفاده کرده است. در بررسی همسانی درونی، همبستگی بین خرده‌آزمون‌ها با نمره کل محاسبه می‌شود. هرچه خرده‌آزمون‌ها با نمره کل همبستگی بیشتری داشته باشند، روایی سازه بیشتر است (خدایاری فرد و پرنده، ۱۳۸۸، ص ۴۱). در این روش به جای خرده‌آزمون‌ها، از ماده‌ها یا سؤالات آزمون نیز می‌توان استفاده کرد که در این صورت همبستگی میان سؤالات آزمون با کل آزمون و با یکدیگر محاسبه می‌شود (بیابان‌گرد، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۴۳). در این پژوهش همسانی درونی در سه

1. internal consistency

مرحله صورت گرفت و نتایج هر سه مرحله حاکی از روایی بالا در آزمون بود. این سه مرحله عبارت‌اند از:

(الف) همبستگی بین گویه‌ها و نمره کل؛

(ب) همبستگی بین مؤلفه‌ها و نمره کل؛

(ج) همبستگی مؤلفه‌ها با یکدیگر.

مرحله هشتم، بررسی اعتبار آزمون: برای برآورد اعتبار آزمون حضور قلب در نماز از طریق دونیمه‌سازی (گاتمن)<sup>۱</sup>، ضریب اسپیرمن براون<sup>۲</sup> و ثبات درونی (آلفای کرونباخ)<sup>۳</sup> استفاده شده است.

مرحله نهم، شیوه نمره‌گذاری: آزمون حضور قلب در نماز بر اساس منابع اسلامی به صورت لیکرت چهاردرجه‌ای، با گزینه‌های همیشه = ۴، اغلب = ۳، تا حدودی = ۲، اصلاً = ۱، طراحی شده است. در جدول زیر شیوه نمره‌گذاری و نحوه تقسیم و چینش سؤالات مربوط به مؤلفه‌های حضور قلب در نماز بیان شده است.

#### جدول ۱: شیوه نمره‌گذاری و چینش سؤالات آزمون حضور قلب در نماز

شماره سؤالات	
سؤالات معکوس	۴، ۵، ۶، ۸، ۱۱، ۱۳، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۷، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۴، ۵۶، ۵۷
سؤالات مؤلفه رفتاری	۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۴۰، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۴، ۵۶، ۵۷
سؤالات مؤلفه شناختی	۲، ۷، ۱۰، ۱۲، ۱۶، ۲۱، ۲۳، ۲۷، ۳۰، ۳۸، ۴۱، ۴۲، ۴۴، ۴۸، ۵۳، ۵۵
سؤالات مؤلفه عاطفی	۳، ۱۵، ۲۴، ۲۹، ۳۶، ۳۹، ۴۷

روش گردآوری اطلاعات: با استفاده از داده‌ها و مبانی مربوط به حضور قلب، بر اساس آیات و روایات و با مطالعه کتاب‌ها و پژوهش‌های روان‌شناسی در این موضوع، به‌ویژه در زمینه آزمون‌سازی، ساخت آزمون حضور قلب در نماز بر اساس اسلامی در دستور کار قرار گرفت. در این بخش، به‌منظور سنجش و اندازه‌گیری حضور قلب با توجه به مؤلفه‌ها و نشانه‌های

1. Gutman split half coefficient

2. Spearman-Brown

3. cronbach,s alpha

به دست آمده، آزمونی طراحی و ساخته شد که در طرح تحقیق به فرایند آن اشاره شد. به منظور گردآوری اطلاعات، محقق با مراجعه به طلاب و دانشجویان در دسترس و با ارائه توضیحات لازم درباره اهداف پژوهش و نحوه پاسخ‌دهی به پرسش‌های آزمون، پرسش‌نامه حضور قلب در نماز را به آزمودنی‌ها ارائه کرد و از آنان خواست پس از خواندن شیوه‌نامه کتبی آن، با دقت به گزاره‌ها پاسخ دهند و مشخصات جمعیت‌شناختی، همچون سن، جنس، مقطع، رشته تحصیلی و وضعیت تأهل، خود را درج کنند. ۷۵ پرسش‌نامه توزیع شد و با توجه به برگشتن و ناقص بودن بعضی، تعداد ۷۰ پرسش‌نامه، به کمک برنامه SPSS نمره‌گذاری و تجزیه و تحلیل شد.

**روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها:** در این پژوهش، داده‌ها با استفاده از چند شاخص آماری تجزیه و تحلیل شد. در بخش توصیفی از جداول و نمودارهای فراوانی و شاخص‌های مرکزی استفاده شد. در بخش استنباطی، علاوه بر شاخص‌های مرکزی، برای بررسی رابطه بین متغیرها، شاخص همبستگی مورد استفاده قرار گرفت.

برای بررسی میزان توافق کارشناسان درباره روایی محتوایی از شاخص آماری «ضریب تطابقی کندال»<sup>۱</sup>، «آزمون خیدو»<sup>۲</sup> و «ضریب همبستگی اسپیرمن» استفاده شد. همچنین برای بررسی روایی سازه از «ضریب همبستگی اسپیرمن» و برای بررسی اعتبار آزمون روش «آلفای کرونباخ»، «دو نیمه‌سازی گاتمن» و «ضریب اسپیرمن براون» انتخاب شد.

### یافته‌های پژوهش

برای دستیابی به میزان روایی و اعتبار آزمون، نتایج زیر ارائه می‌شود:  
الف) تحلیل داده‌های مربوط به روایی محتوایی آزمون حضور قلب در نماز: سنجش روایی محتوا در دو حیطه ساختار و محتوای آزمون حضور قلب صورت گرفت که نتایج آن در ادامه می‌آید.

۱. تحلیل داده‌های مربوط به روایی محتوایی ساختار آزمون حضور قلب در نماز: ۵۶ نشان‌های که از منابع اسلامی استخراج شد، در اختیار ۸ کارشناس قرار گرفت. نشانه‌هایی که مورد تأیید نصف به علاوه یک نفر از کارشناسان قرار گرفتند، در پرسش‌نامه آزمون لحاظ شدند و نشانه‌هایی که تأیید نشدند، از پرسش‌نامه آزمون حذف شدند. از مجموع

۵۶ نشانه ۷ نشانه مورد تأیید کارشناسان قرار نگرفتند و میانگین کمتر از ۰/۵ به دست آوردند که عبارت‌اند از: ۱. توجه به بوی محیط؛ ۲. توجه به دمای محیط؛ ۳. با ترتیل نماز خواندن؛ ۴. تأخیر در نماز خواندن؛ ۵. حسادت؛ ۶. توجه به عکس و ۷. نماز خواندن در مکان شلوغ. ۴۹ نشانه نیز با میانگین ۰/۷۵ به بالا مورد تأیید بیشتر کارشناسان قرار گرفتند.

۲. تحلیل داده‌های مربوط به روایی محتوایی آزمون حضور قلب در نماز:

در این مرحله برای ۴۹ نشانه، ۱۷۶ گویه طراحی شد، به طوری که اغلب مفاهیم دارای حداقل ۳ گویه و برخی دارای ۴ گویه بودند. این گویه‌ها برای کسب امتیاز در معرض نظر ۱۰ تن از کارشناسان گذاشته شدند. حاصل این مرحله، انتخاب ۵۷ گویه دارای امتیاز مساوی یا بالاتر از ۳ (۷۵٪) بود.

برای بررسی میزان توافق نظرات کارشناسان درباره روایی محتوا، از شاخص آماري ضریب تطابق کندال و آزمون معناداری خی‌دو استفاده شده است. ضریب تطابق کندال ۰/۳۶۹ و مقدار خی‌دو ۲۰۹/۸۸۱ برای ۹ درجه آزادی در سطح کمتر از ۰/۰۱، نشان‌دهنده توافق مناسب و معنادار کارشناسان در مورد تطابق ۵۷ گویه با مستندات اسلامی است.

ب) تحلیل داده‌های مربوط به روایی سازه آزمون حضور قلب در نماز: محقق برای تعیین روایی سازه از روش همسانی درونی بهره گرفت. در این روش، ساخت درونی آزمون بررسی می‌شود. ملاک بررسی همسانی درونی نمره کل آزمون است. روش معمول برای این کار این است که همبستگی بین نمرات هر سؤال آزمون با نمره کل آزمون محاسبه می‌شود و همبستگی مؤلفه‌های نظری آزمون با نمره کل آزمون و در آخر همبستگی بین مؤلفه‌ها با یکدیگر مورد سنجش قرار می‌گیرد.

۵۱ سؤال از مجموع ۵۷ سؤال پرسش‌نامه آزمون حضور قلب، دارای همبستگی معنادار با نمره کل آزمون، در دامنه‌ی  $r=0/201$  تا  $r=0/742$  هستند. بنابراین اکثر سؤالات از قدرت تشخیص برای اندازه‌گیری حضور قلب برخوردارند؛ اما از بین ۶ سؤال باقی‌مانده، سؤال ۶، ۸، ۲۰، ۳۳ و ۴۹ همبستگی مثبت بسیار کمی با نمره کل دارند و فقط سؤال ۴ همبستگی منفی معنادار با نمره کل دارد. بر این اساس، ۶ سؤال بیان‌شده، مورد اصلاح قرار گرفتند.

## جدول ۲: همبستگی میان مؤلفه‌های حضور قلب و همبستگی هر کدام با کل آزمون

۳	۲	۱	
		۱	۱. مؤلفه رفتاری
	۱	**۰/۸۶۵	۲. مؤلفه شناختی
۱	**۰/۴۳۸	**۰/۳۸۷	۳. مؤلفه عاطفی
**۰/۷۸۹	**۰/۸۶۹	**۰/۸۲۲	کل مقیاس

\*\*P &lt; ۰/۰۱

همان گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، پرسش‌نامه آزمون حضور قلب از لحاظ همبستگی بین مؤلفه‌های نظری حضور قلب با نمره کل و با یکدیگر، دارای همسانی درونی قابل قبولی است.

ج) تحلیل داده‌های مربوط به بررسی اعتبار آزمون: جهت بررسی اعتبار پرسش‌نامه آزمون از روش محاسبه آلفای کرونباخ و دونیمه‌سازی گاتمن و اسپیرمن براون استفاده شد. نتایج به دست آمده از ۷۰ آزمودنی که به همه گویه‌ها پاسخ دادند، نشان می‌دهد که پرسش‌نامه آزمون با آلفای کرونباخ ۰/۹۰۹ دارای اعتبار نسبتاً بالایی است. همچنین نتایج دونیمه‌سازی گاتمن ۰/۸۶۷ و دونیمه‌سازی اسپیرمن براون ۰/۸۳۳ از اعتبار بالای آزمون حکایت می‌کند. نتایج به طور کامل در جدول ۳ بیان شده است.

## جدول ۳: نتایج آلفای کرونباخ و دونیمه‌سازی

آلفای کرونباخ کل آزمون		۰/۹۰۹
نیمه اول	مقدار	۰/۷۶۰
(۱ تا ۳۹)	تعداد گویه‌ها	۳۹
نیمه دوم	مقدار	۰/۸۹۱
(۳۰ تا ۵۷)	تعداد گویه‌ها	۲۸
مجموع تعداد گویه‌ها		۵۷
همبستگی بین دو فرم		۰/۷۹۰
تساوی تعداد گویه‌ها		۰/۸۸۳
عدم تساوی تعداد گویه‌ها		۰/۸۸۳
ضریب اسپیرمن - براون		۰/۸۶۷
ضریب دونیمه‌سازی گاتمن		۰/۸۶۷

در مرحله بعد برای هر کدام از مؤلفه‌های حضور قلب در نماز، میزان آلفای کرونباخ محاسبه شد و نتایج، اعتبار بالا در هر کدام از مؤلفه‌ها نشان می‌دهد. طبق نتایج جدول ۴، آلفای کرونباخ در مؤلفه‌ها از این قرار است.

جدول ۴: آلفای کرونباخ در خرده‌مقیاس

مؤلفه‌ها	آلفای کرونباخ	تعداد گویه‌ها
مؤلفه رفتاری	۰/۷۷۴	۳۲
مؤلفه شناختی	۰/۸۹۴	۱۶
مؤلفه عاطفی	۰/۸۲۲	۷

### بحث و نتیجه‌گیری

پاسخ به دو پرسش اصلی پژوهش حاضر، نتیجه نهایی‌ای است که محقق توانست پس از پژوهش به دست آورد. سؤال اول پژوهش حاضر به دنبال استخراج مؤلفه‌ها و نشانه‌های حضور قلب در نماز بر اساس منابع اسلامی بود که در ضمن جست‌وجوی گسترده در منابع دینی، طبقه‌بندی یافته‌ها و ارزیابی ۸ کارشناس دینی و روان‌شناسی محقق شد. در آخر از بین ۵۶ نشانه استخراج شده، ۴۹ نشانه حضور قلب مورد تأیید قرار گرفت.

پرسش دیگر پژوهش به دنبال بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آزمون حضور قلب در نماز بر اساس منابع اسلامی بود که در ضمن بررسی میزان روایی و اعتبار آزمون به دست آمد.

۱. تفسیر نتایج مربوط به روایی محتوایی آزمون: برای بررسی روایی محتوا از ارزیابی ۱۰ کارشناس استفاده شد و برای تبیین کمی نتیجه به دو شیوه عمل شد که عبارت‌اند از: الف) تأیید اکثر کارشناسان در هر گویه: کارشناسان در این مرحله به تک‌تک گویه‌ها نمره‌ای بین ۱ تا ۴ دادند. محقق بعد از محاسبه میانگین و درصد میانگین نمرات، از بین ۱۷۶ گویه ارائه‌شده، گویه‌هایی که میانگین ۳ و درصد ۷۵ به بالا را کسب کرده بودند، را در پرسش‌نامه اولیه استفاده کرد.

ب) ضریب تطابقی کندال: برای کسب میزان هماهنگی کارشناسان ضریب کندال (W) ۳۶۹/۰ محاسبه شد و برای تشخیص معنادار بودن آن از آزمون خی دو استفاده شد. مقدار آزمون خی دو ۲۰۹/۸۸۱ برای ۹ درجه آزادی در سطح کمتر از ۰/۰۱ معنادار است؛ پس

فرض عدم هماهنگی رد می‌شود. طبق این نتیجه می‌توان گفت بین مجموعه رتبه‌های هر داور هماهنگی نسبی وجود دارد. بنابراین آزمون حضور قلب در نماز دارای روایی محتوای قابل قبولی است.

۲. تفسیر نتایج مربوط به روایی سازه آزمون: بررسی روایی سازه آزمون و همسانی درونی، با سه شیوه انجام گرفت.

الف) محاسبه ضریب همبستگی تک‌تک سؤالات با نمره کل: همان‌گونه که در جدول ۲ بیان شده محقق ابتدا جمع تمام نمرات را به دست آورد و سپس ضریب همبستگی هر سؤال را با نمره کل محاسبه کرد. از بین ۵۷ سؤال، ۵۱ سؤال دارای همبستگی مثبت معنادار، ۵ سؤال دارای همبستگی مثبت پایین و فقط یک سؤال دارای همبستگی منفی معنادار بود؛ بنابراین آزمون از این حیث دارای روایی سازه مورد قبولی است.

ب) محاسبه ضریب همبستگی تک‌تک مؤلفه‌ها با نمره کل: با توجه به جدول ۳، هر سه مؤلفه حضور قلب همبستگی مثبت معناداری با نمره کل به دست آوردند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که آزمون در این بُعد هم از روایی سازه مطلوبی برخوردار است.

ج) محاسبه ضریب همبستگی مؤلفه‌ها با یکدیگر: با توجه به جدول ۳، همبستگی مثبت معنادار بین مؤلفه‌ها با یکدیگر وجود دارد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که آزمون در این بُعد هم از روایی سازه مطلوبی برخوردار است.

۳. تفسیر نتایج مربوط به اعتبار آزمون: با توجه به جدول ۴، در این پژوهش برای بررسی اعتبار از روش آلفای کرونباخ و دونیمه‌سازی استفاده شد که آزمون با کسب آلفای کرونباخ به مقدار  $0/909$ ، ضریب دونیمه‌سازی اسپیرمن برون به مقدار  $0/883$  و ضریب دونیمه‌سازی گاتمن به مقدار  $0/867$  توانست اعتبار بالایی را کسب کند.

**محدودیت:** این آزمون اولیه بود و لازم است برای بررسی عمیق‌تر ویژگی‌های روان‌سنجی آن، از جمله تحلیل عوامل مؤلفه‌های حضور قلب، در تعداد نمونه‌های بزرگ‌تر به اجرا درآید. **پیشنهاد:** اجرای آزمون بر روی حجم بزرگ‌تری از آزمودنی‌ها، به‌گونه‌ای که تحلیل عاملی این سازه بر مبنای روش‌های آماری امکان‌پذیر باشد.



## منابع

- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷)، *النهاية في غريب الحديث واللائر*، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸)، *لسان العرب*، بیروت: دار الفکر.
- احمدوند، زهرا، حیدری نسب، لیلا و شعیری، محمدرضا (۱۳۹۴)، «واریسی اعتبار و روایی پرسش نامه پنج وجهی ذهن آگاهی در نمونه غیربالیینی ایران»، *علوم رفتاری*، سال هفتم، شماره ۳، ۱۱-۱۲.
- امامپور، ویدا (۱۳۸۵)، «تجزیه و تحلیلی بر روش‌های تقویت تمرکز حواس و یادگیری بهتر»، *رشد معلم*، شماره ۲۰۰، ۱۹-۱۸.
- انوری، حسن (۱۳۸۷)، *فرهنگ سخن*، تهران: انتشارات سخن.
- انیسی، جعفر، نویدی، احد و حسینی‌نژاد نصرآباد، اعظم (۱۳۸۹)، «ساخت و اعتباریابی مقیاس نگرش و التزام عملی به نماز»، *علوم رفتاری*، سال چهارم، شماره ۱۴، ۳۱۸-۳۱۳.
- باقری، خسرو (۱۳۹۰)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران: انتشارات مدرسه.
- بیابان‌گرد، حسین (۱۳۸۶)، *روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، جلد ۱، تهران: نشر دوران.
- پناهی، علی‌احمد (۱۳۸۲)، *بررسی رابطه میزان تقید به نماز و سطح اضطراب دانش‌آموزان سال دوم دبیرستان شهرستان قم مقطع سنی ۱۶ در سال ۱۳۸۱-۱۳۸۲*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ثرندایک، آر. ال، *روان‌سنجی کاربردی*، ترجمه حیدر علی هومن (۱۳۷۵)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- الجوهری النیشابوری، ابونصر اسماعیل بن حماد (۱۴۲۹)، *الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیة*، بیروت: دار العلم للملایین.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴)، *وسایل الشیعه*، قم: انتشارات آل‌البتیة لإحياء التراث.
- خدایاری فرد، محمد و پرند، اکرم (۱۳۸۸)، *ارزیابی و آزمون‌نگری روان‌شناختی*، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۵)، *سر الصلاة*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۶)، *چهل حدیث*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹)، *آداب نماز*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- دستغیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸)، *گناهان کبیره*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- راشدی، حسن (۱۳۸۷)، *نمازشناسی*، جلد ۱، تهران: انتشارات ستاد اقامه نماز.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴)، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: دار القلم.
- زمانی‌نژاد، علی‌اکبر، «اسرار الصلاة شهید ثانی رحمه‌الله، همراه با کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی اسرار

الصلاه‌ها»، مجله مکتب اسلام، سال ششم، شماره ۹، ص ۷.

سیاح، احمد (۱۳۷۸)، فرهنگ بزرگ جامع نوین، تهران: انتشارات اسلام.

عاملی، محمد (شیخ بهایی)، *مفتاح الفلاح*، ترجمه علی بن طیفور بسطامی (۱۳۶۶)، تهران: انتشارات حکمت.

فیض کاشانی، ملا محسن (۱۳۴۲)، *موجه البیضاء فی تهذیب الاحیاء*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، *بحار الانوار*، جلد ۸۵، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

تقوی، محمدرضا و امیری، حمید (۱۳۸۹)، «بررسی خصوصیات راون‌سنجی مقیاس تجارب معنوی

روزانه DSES»، *علوم تربیتی تربیت اسلامی*، سال پنجم، شماره ۱۰، ۱۴۹-۱۶۵.

محمدی، محسن (۱۳۸۳)، *از نمازگزار تا انس با نماز*، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.

مرتضوی‌زاده، سید حشمت‌الله (۱۳۹۰)، *روان‌شناسی تمرکز*، تهران: انتشارات عابد.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰)، *اخلاق در قرآن*، جلد ۱، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی

امام خمینی (ره).

مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

معین، محمد (۱۳۸۹)، *فرهنگ فارسی معین*، تهران: انتشارات امیرکبیر.

ملکی تبریزی، میرزا جواد آقا (۱۳۸۸)، *اسرار الصلوه*، مشهد: انتشارات استوار.

مهدی‌زاده، حسین (۱۳۸۳)، «درآمدی بر معناشناسی عقل در تعبیر دین»، معرفت، شماره ۷۴، ۳۸-۲۸.

نراقی، ملا احمد (۱۳۷۶)، *معراج السعاده*، قم: هجرت.

نراقی، ملامحمد مهدی، *جامع السعادات*، ج ۳، ترجمه کریم فیضی (۱۳۸۸)، قم: انتشارات قائم آل محمد

عجل الله تعالی فرجه الشریف.

نوری طبرسی، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت: مؤسسه

آل‌البيت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.

الهندی البرهان فوری، علی‌المتقی بن حسام‌الدین (۱۴۰۹)، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*،

بیروت: دار الفکر.

Lawrence, R. T., (1997), "Measuring the Image of God: the God Image Inventory and the God Image Scales", *Journal of Psychology and Theology*, 25, 214-226.

Brown, K.W., Ryan, R.M., (2003), "The Xenefits of Being Present: Mindfulness and its Role in Psychological Well-Being", *Journal of Personality and Social Psychology*, 84, 822-48.

## بازشناسی عوامل لذت‌بری سعادت‌نگر؛ بررسی مجدد ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه

### Recognizing the Factors of Eudemonic Savoring, Re- Investigating the Psychometric Features of the Questionnaire

کمهدهی عباسی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی و پژوهشگر گروه روان‌شناسی اسلامی پژوهشگاه قرآن و حدیث؛  
محمود اصفهانیان / دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی گرایش مثبت‌گرا، دانشگاه قرآن و حدیث قم؛

**Mahdi Abbasi** / PhD Student of General Psychology in Imam Khomeini Educational and Research Institute; Researcher in Department of Islamic Psychology in Research Center of Quran and Hadith. ym.abbasi@gmail.com

**Mahmud Isfahaniyan** / MA Student of Positive Islamic Psychology, University of Quran and Hadith, Qom.

#### Abstract

The present study aims at recognizing the factors of eudemonic savoring and investigating the psychometric features of its short-form questionnaire based on Islamic sources. To do the study, 344 seminary and university students were selected through cluster random sampling and answered the short-form questionnaires of eudemonic savoring and psychological well-being. The results show that the internal harmony of the short-form questionnaire was 0.89 with five factors, and it has an acceptable construct validity. However, its construct validity is higher than the construct validity of the initial form.

#### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بازشناسی عوامل لذت‌بری سعادت‌نگر و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه پرسش‌نامه آن، بر اساس منابع اسلامی تدوین و انجام شده است. برای این پژوهش، با روش نمونه‌برداری تصادفی خوشه‌ای، ۳۴۴ نفر از طلاب و دانشجویان انتخاب شدند و به فرم کوتاه پرسش‌نامه لذت‌بری سعادت‌نگر و پرسش‌نامه بهزیستی روان‌شناختی پاسخ دادند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که هماهنگی درونی فرم کوتاه پرسش‌نامه برابر با ۰/۸۹ و دارای ۵ عامل است و پرسش‌نامه از روایی سازه قابل قبولی برخوردار است؛ با این تفاوت که روایی سازه آن بالاتر از روایی سازه فرم اولیه است. مجموع عوامل استخراج‌شده، واریانس بیشتری را تبیین می‌کنند و عوامل از نظر مفهومی با مؤلفه‌های

The total extracted factors explain more variance, and the factors are in a higher harmony with the components of the theoretical model. There is a meaningful correlation between the scores of eudemonic savoring and the scale of psychological well-being, which shows its convergent validity.

**Keywords:** eudemonic savoring, eudemonism, savoring, internal harmony, factor analysis.

مدل نظری هماهنگی بیشتری دارند. بین نمرات لذت‌بری سعادت‌نگر با مقیاس بهزیستی روان‌شناختی همبستگی معنادار مشاهده شد که نشان از روایی همگرایی آن دارد.

**کلیدواژه‌ها:** لذت‌بری سعادت‌نگر، سعادت‌نگری، لذت‌نگری، هماهنگی درونی، تحلیل عاملی.

## مقدمه

درباره آنچه منشأ شادکامی است و زندگی خوب را فراهم می‌کند نظرات مختلفی وجود دارد. در این باره دو مدل عمده خود را می‌نمایانند: شادکامی لذت‌نگر<sup>۱</sup> و بهباشی سعادت‌نگر<sup>۲</sup> (هفرون<sup>۳</sup> و بوینول<sup>۴</sup>، ۲۰۱۱). شادکامی لذت‌نگر، که بهباشی لذت‌نگر<sup>۵</sup> نیز نامیده می‌شود، شامل سطوح بالای عواطف مثبت،<sup>۶</sup> سطوح پایین عواطف منفی<sup>۷</sup> و بالا بودن احساس رضایت شخصی از زندگی است (داینر<sup>۸</sup>، شو<sup>۹</sup>، لوکاس<sup>۱۰</sup> و اسمیت<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۹)، در حالی که بهباشی سعادت‌نگر شادکامی و «زندگی خوب»<sup>۱۲</sup> را فقط در داشتن احساس خوب (بودن عواطف مثبت، نبودن عواطف منفی و احساس رضایت از زندگی) صورت‌بندی نمی‌کند. بهباشی سعادت‌نگر بر جریان زندگی در یک روش عمیق و آکنده از رضایت متمرکز است (دسی<sup>۱۳</sup> و رایان<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۸) و شادکامی حقیقی را محصول ابراز فضیلت، انجام آنچه شایسته انجام است، ایجاد معنا و زندگی هدفمند می‌داند (کاشدان<sup>۱۵</sup>، بیسواس - داینر<sup>۱۶</sup> و کینگ<sup>۱۷</sup>،

- |                          |                    |                       |
|--------------------------|--------------------|-----------------------|
| 1. hedonic happiness     | 7. negative affect | 13. Deci, E.L         |
| 2. eudaimonic well-being | 8. Diener, E.      | 14. Ryan, R.M.        |
| 3. Hefferon, K.          | 9. Suh, E.M.       | 15. Kashdan, T.B.     |
| 4. Boniwell, I.          | 10. lucas, R.E.    | 16. Biswas-Diener, R. |
| 5. hedonic well-being    | 11. Smith, H.L.    | 17. King, L.A.        |
| 6. positive affect       | 12. good life      |                       |

۲۰۰۸؛ کیز<sup>۱</sup> و آناس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹ و تیبیریوس<sup>۳</sup> و می‌سن<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹ به نقل از هفرون و بونیول، (۲۰۱۱).

برای سنجش هر یک از بهباشی لذت‌نگر و سعادت‌نگر ابزارهایی ساخته شده است. از جمله ابزارهای روان‌سنجی در این قلمرو، ابزاری است که مؤلفه‌های بهباشی درونی<sup>۵</sup> را می‌سنجد. بهباشی درونی عبارت است از اینکه مردم زندگی خود را در چارچوب تبیین‌های عاطفی و شناختی چگونه ارزیابی می‌کنند (داینر، ۲۰۰۰). از آنجا که شاخص برای این ارزیابی، سطوح بالای عاطفه مثبت و سطوح پایین عاطفه منفی و بالا بودن احساس شخصی رضایت از زندگی است (داینر و دیگران، ۱۹۹۹)، دو مقیاس برای سنجش بهباشی درونی به کار می‌رود: ۱. مقیاس رضایت از زندگی و ۲. فهرست عاطفه مثبت و منفی. رضایت از زندگی دربرگیرنده مؤلفه شناختی شادکامی است و به درجه‌بندی افراد از دستاورد زندگی‌شان مربوط است. عاطفه مثبت و منفی نیز نمایانگر جنبه هیجانی بهباشی است، که شامل خلق‌ها و هیجان‌های همایند با تجربه رخدادها می‌گردد (هفرون و بونیول، ۲۰۱۱).

مقیاس رضایت از زندگی (SWLS) داینر و همکاران (۱۹۸۵) برای درک سطح کلی رضایت فرد از زندگی به عنوان واکنش شناختی افراد به تجاربشان استفاده می‌شود. این مقیاس دارای ۵ گویه است و ویژگی‌های روان‌سنجی آن در پژوهش‌های متعدد بررسی شده است (مگیار - موئه<sup>۶</sup>، ۱۳۹۳). در پژوهشی که شیخی، هومن، احدی و سپاه منصور (۱۳۸۹) انجام دادند، مقیاس رضایت از زندگی در بین دانشجویان ایرانی از هماهنگی درونی (۰/۸۵)، پایایی بازآزمایی (۰/۷۷) و روایی همگرا و واگرای قابل قبول (همبستگی ۰/۷۳ با فهرست شادکامی آکسفورد<sup>۷</sup> (OHI) و همبستگی ۰/۶۳- با پرسش‌نامه افسردگی بک<sup>۸</sup> (BDI)) برخوردار بوده است. فهرست عاطفه مثبت و منفی<sup>۹</sup> (PANAS) واتسون<sup>۱۰</sup>، کلارک<sup>۱۱</sup> و تلجن<sup>۱۲</sup> (۱۹۸۸) برای سنجش سطوح بالای عاطفه مثبت و سطوح پایین عاطفه منفی در بهباشی درونی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مقیاس شامل ۲۰ گویه است (۱۰ گویه این مقیاس عاطفه مثبت و ۱۰ گویه دیگر عاطفه منفی را می‌سنجد) (مگیار - موئه، ۱۳۹۳).

- |                 |                               |                                       |
|-----------------|-------------------------------|---------------------------------------|
| 1. Keyes, C.    | 5. subjective well-being      | 9. positive and negative affect scale |
| 2. Annas, J.    | 6. Magyar-Moe, J.L.           | 10. Watson, D.                        |
| 3. Tiberius, V. | 7. oxford happiness inventory | 11. Clark, L.A.                       |
| 4. Mason, M.    | 8. Beck depression inventory  | 12. Tellegen, A.                      |

در قلمرو بهباشی سعادت‌نگر، ریف<sup>۱</sup> (۱۹۸۹) از جمله روان‌شناسان مثبت‌نگری است که بهباشی را از نظر مفهومی بر حسب حالت بهباشی روان‌شناختی تعریف می‌کند؛ یعنی بودن در حالت کامل کارکردی و برآمدن در رویارویی با چالش‌های وجودی زندگی (ریف و سینگر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸). ریف طبق برآوردی گسترده از نظریه‌های روان‌شناسی، شش خصیصه را برای بهباشی روان‌شناختی مشخص کرد: ۱. پذیرش خود<sup>۳</sup>؛ ۲. ارتباط مثبت با دیگران<sup>۴</sup>؛ ۳. رشد شخصی<sup>۵</sup>؛ ۴. هدفمندی در زندگی<sup>۶</sup>؛ ۵. کنترل بر محیط<sup>۷</sup> و ۶. خودمختاری<sup>۸</sup>. وی برای بهباشی روان‌شناختی مقیاس‌هایی را برای سنجش این شش خصیصه ارائه کرده است (هوتا<sup>۹</sup> و واترمن<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۳). امروزه مدل ریف از مهم‌ترین مدل‌های حوزه بهباشی روان‌شناختی<sup>۱۱</sup> به شمار می‌رود و پرسش‌نامه‌های که برای سنجش مدل خودساخته است، از مهم‌ترین پرسش‌نامه‌های بهباشی روان‌شناختی به شمار می‌رود (مرادی و طاهری، ۱۳۹۱).

مدل‌های دیگری نیز در این باره وجود دارند که هر یک کم و بیش ابزارهایی را برای سنجش بهباشی و شادکامی ارائه کرده‌اند. مدل واترمن (۱۹۹۳) بر فعالیت‌هایی در زندگی تأکید دارد که بیشترین هم‌خوانی را با ارزش‌های درونی فرد داشته باشد. رایان، هوتا و دسی (۲۰۰۸) مدلی را از بهباشی سعادت‌نگر ارائه کرده‌اند که مبتنی بر این منش‌ها است: اشتیاق برای اهداف و ارزش‌های درونی<sup>۱۲</sup> - شامل رشد شخصی<sup>۱۳</sup>، مشارکت اجتماعی<sup>۱۴</sup>، ارتباطات<sup>۱۵</sup> و سلامت فیزیکی<sup>۱۶</sup>؛ - داشتن انگیزه‌های خودگردان، خودآگاهانه رفتار کردن و نیازهای رضایت‌بخش برای شایستگی<sup>۱۷</sup>، خودگردانی<sup>۱۸</sup> و ارتباط<sup>۱۹</sup>. ویترسو<sup>۲۰</sup> (۲۰۰۴) و دیگر روان‌شناسان مثبت‌گرایی که بر بهباشی سعادت‌نگر تأکید دارند، جهت‌گیری به سمت رشد شخصی را مورد تأکید قرار داده است (هوتا و واترمن، ۲۰۱۳). بالاخره، رابطه میان بهباشی درونی، که از نگاه برخی لذت‌نگر نامیده می‌شود، با بهباشی سعادت‌نگر در مفهومی محقق می‌شود که روان‌شناس مثبت‌گرایی مانند سلیگمن<sup>۲۱</sup> (۲۰۰۰) مطرح می‌کند؛ این مفهوم

- |                                   |   |                      |
|-----------------------------------|---|----------------------|
| 1. Ryff, C.D.                     | 9. Huta, V.   | 16. physical health  |
| 2. Singer, B.H.                   | 10. Waterman, A.S.  | 17. competence       |
| 3. self-acceptance                | 11. psychological well-being                                  | 18. autonomy         |
| 4. positive relations with others | 12. pursuing intrinsic goals and values as ends in themselves | 19. relatedness      |
| 5. personal growth                |   | 20. Vitterso, J.     |
| 6. purpose in life                | 13. personal growth   | 21. Seligman, M.E.P. |
| 7. environmental mastery          | 14. relationships   |                      |
| 8. autonomy                       | 15. community contribution                                    |                      |

«شادکامی اصیل»<sup>۱</sup> است. وی شادکامی اصیل را آمیزه‌ای از بهباشی لذت‌نگر و سعادت‌نگر صورت‌بندی می‌کند (هوتا و واترمن، ۲۰۱۳). برخی از پژوهش‌ها نیز این نگاه را تأیید می‌کنند که هر کدام از بهباشی لذت‌نگر و سعادت‌نگر به روش‌های مختلفی در سلامت تأثیر دارند (از جمله هوتا و رایان، ۲۰۱۰)؛ بنابراین می‌توان بهباشی سعادت‌نگر را شامل انگیزه لذت‌جویی نیز دانست.

از دیدگاه منابع اسلامی، فضیلت و لذت در چارچوب سعادت‌نگر معنا پیدا می‌کند. در لذت‌بری سعادت‌نگر در حقیقت، دو رویکرد فضیلت‌جویی و لذت‌جویی جدای از یکدیگر نیستند (عباسی، ۱۳۹۱)، بلکه فضیلت و لذت، هر دو در مدل لذت‌بری سعادت‌نگر اسلامی وجود دارد. مدل مفهومی لذت‌بری سعادت‌نگر بر اساس منابع اسلامی، سبکی از لذت‌بری را معرفی می‌کند که شامل ۹ ویژگی است: ۱. امکان لذت بردن از فضیلت‌ها و ترجیح آن‌ها بر ارضای مطلق امیال؛ ۲. مهارگری در ارضای امیال؛ ۳. عاقبت‌اندیشی در انتخاب لذت‌ها؛ ۴. شرع‌مداری؛ ۵. در نظر گرفتن اهداف صحیح در انتخاب لذت؛ ۶. آخرت‌نگری؛ ۷. میانه‌روی در ارضای امیال؛ ۸/۹. جهت‌گیری به سوی انتخاب لذت‌های عالی و پایدار (عباسی، ۱۳۹۰). این مدل با استخراج ویژگی‌های سبک لذت‌بری سعادت‌نگر در منابع اسلامی (قرآن کریم و کتب حدیثی معتبر) با روش توصیفی - تحلیلی به دست آمده است. بر این اساس، مقیاس سبک لذت‌جویی<sup>۲</sup> (PPSS) برای سنجش سبک لذت‌بری سعادت‌نگر طراحی و ساخته شده است. این مقیاس ۶۶ گویه دارد که ویژگی‌های روان‌سنجی آن بررسی شده است. روایی محتوای<sup>۳</sup> این مقیاس از وجود توافق بالا میان نظرات بیشتر کارشناسان (۸۳/۳۳ درصد) درباره محتوای پرسش‌ها استنباط شده و هماهنگی درونی آن ۰/۹۲ است. روایی سازه این مقیاس با روش تحلیل عاملی بررسی شد که در نتیجه پنج عامل به دست آمد (عباسی، ۱۳۹۰). در مدل اسلامی لذت‌بری سعادت‌نگر به هر میزان سبک لذت‌بری در این پنج ویژگی یا عامل نمره بالاتر داشته باشد، کارآمدتر است و احتمالاً در سلامت روانی مؤثرتر خواهد بود: تعالی‌جویی (انتخاب لذت‌های عالی و پایدار)، مهارگری (توانمندی تأخیر ارضا برای رسیدن به لذت عالی و پایدار)، عاقبت‌اندیشی (سنجش پیامد لذت‌ها)، هدفمندی (لذت‌جویی با محور توحیدی) و میانه‌روی (سبک میانه‌رو در لذت‌جویی) (عباسی، ۱۳۹۰ و عباسی و بهرامی احسان، ۱۳۹۴).

چند موضوع ضرورت بازننگری در گویه‌های پرسش‌نامه، اجرای مکرر و تکرار بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آن را ایجاب می‌کند: ۱. تکرار پژوهش در جامعه و نمونه آماری متفاوت، بر ارتقای سطح کیفی و کمی مقیاس‌ها می‌افزاید؛ ۲. امروزه تمایل عمومی بر این است که برای سنجش این سازه‌های روان‌شناختی از پرسش‌نامه‌های کوتاه و مختصر استفاده شود و ۳. مجموع عوامل استخراج‌شده واریانس پایینی را از سازه تبیین می‌کردند. از این رو، پرسش پژوهش حاضر این است که آیا حذف برخی گویه‌های مقیاس لذت‌بری سعادت‌نگر، که با بقیه گویه‌ها همبستگی پایین‌تری داشته‌اند یا در مرحله سنجش روایی محتوا از نمره پایین‌تری برخوردار بوده‌اند یا هم‌سویی معنایی کم‌تری با مدل مفهومی لذت‌جویی سعادت‌نگر داشته‌اند، می‌تواند مقیاسی را به دست دهد که در تحلیل عاملی اکتشافی، همان عوامل به‌دست‌آمده در پژوهش قبل را منعکس کند؟ آیا مجموع عوامل استخراج‌شده در این پژوهش نسبت به پژوهش پیشین، واریانس بالاتری از کل مقیاس را تبیین می‌کند؟ به این منظور، فرم کوتاه پرسش‌نامه، با حفظ شرایطی که در بخش روش اشاره خواهد شد، تهیه و برای بررسی مجدد در یک نمونه آماری متفاوت اجرا شد.

### روش پژوهش

روش این پژوهش در مرحله اول از نوع «تحقیق و توسعه» است. تحقیق و توسعه فرایندی است که به منظور تدوین و تشخیص مناسب بودن یک فرآورده علمی انجام می‌شود (سرمد و دیگران، ۱۳۸۰). روش تحلیل محتوا<sup>۱</sup>، روش دیگری بوده است که برای بررسی محتوای آشکار پیام‌های موجود در متون دینی به کار رفته است. با این روش ویژگی‌های موجود در متون منابع اسلامی سبک لذت‌جویی استخراج شده است.

جامعه آماری این تحقیق تمام دانشجویان دانشگاه دولتی شهر قم و جامعه الزهراء علیها السلام بود که در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ در این دانشگاه‌ها مشغول به تحصیل بودند. ۳۴۴ نفر از بین این دانشجویان با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای<sup>۲</sup> انتخاب شدند. بر اساس نظرات موجود، این حجم بیش از حجم حداقلی (۲۰۰ نفر) است. گذشته از این، تعداد آیتم‌های مقیاس در مرحله روایی‌سنجی، ۴۰ سؤال است نسبت نسبت انتخاب‌شده (تعداد نمونه به تعداد گویه‌ها) بیش از حداقل لازم (یعنی نسبت ۲ به ۱) است (صدرالسادات، ۱۳۸۰).



دانشجویان پسر انتخاب‌شده از دانشگاه قم ۱۱۴ نفر و دختران انتخاب‌شده از جامعه الزهرا ۲۲۴ بودند و جنسیت ۶ نفر نیز نامعلوم بود. دامنه سنی مشارکت‌کنندگان بین ۱۸ تا ۴۴ سال با میانگین ۲۸/۲۵ و انحراف استاندارد ۲۸/۵ بود.

ابزارهای اندازه‌گیری پژوهش عبارت بودند از:

۱. **مقیاس لذت‌بری سعادت‌نگر بر اساس منابع اسلامی<sup>۱</sup> (USS) (۱۳۹۴):** فرم اولیه این مقیاس را عباسی (۱۳۹۰) برای سنجش سبک کلی لذت‌جویی بر روی یک پیوستار لذت‌نگری تا سعادت‌نگری طراحی کرده است. این مقیاس شامل ۶۶ گویه است که پنج عامل سبک لذت‌جویی (تعالی‌جویی، مهارگری، عاقبت‌اندیشی، هدفمندی و میانه‌روی) را می‌سنجد. روایی محتوایی<sup>۲</sup> فرم بلند این مقیاس از وجود توافق بالا میان نظر بیشتر کارشناسان (۸۳/۳۳ درصد) درباره محتوای پرسش‌ها استنباط شد. آلفای کرونباخ در این مقیاس برابر با ۰/۹۲ بود. نتیجه بررسی روایی سازه به شیوه تحلیل عاملی<sup>۳</sup>، با ارزش ویژه بیشتر از ۱، استخراج ۵ عامل با بار عاملی بالاتر از ۰/۳ بوده که در مجموع ۵۲۴/۳۰ درصد واریانس کل مقیاس را برآورد می‌کند. در فرم کوتاه، مورد استفاده شده در این پژوهش، با در نظر گرفتن شرایطی ۲۸ گویه از ۶۶ گویه حذف شد. این شرایط عبارت بودند از: ۱. داشتن همبستگی پایین‌تر با بقیه گویه‌ها؛ ۲. داشتن نمره پایین‌تر در مرحله سنجش روایی محتوا در نظر کارشناسان؛ ۳. داشتن هم‌سویی معنایی کمتر با مدل مفهومی لذت‌جویی سعادت‌نگر در منابع اسلامی و ۴. گویه‌ها به‌طور متناسب از هر پنج عامل انتخاب و حذف شدند تا با وجود کم‌شدن تعداد گویه‌ها، سوالات باقی‌مانده کل محتوای سازه را به صورت کامل پوشش بدهند. در نهایت، این پرسش‌نامه با ۳۸ گویه در نمونه آماری متفاوت اجرا شد.

۲. **فرم کوتاه پرسش‌نامه به‌باشی روان‌شناختی ریف (RSPWB) (۱۹۸۰):** فرم اصلی این ابزار ۱۲۰ سؤال دارد که در بررسی‌های بعدی فرم‌های کوتاه‌تر، از جمله ۱۸ سؤالی، نیز پیشنهاد شد. همبستگی فرم کوتاه پرسش‌نامه (۱۸ سؤالی) با مقیاس اصلی از ۰/۷ تا ۰/۸۹ در نوسان بوده است. در پژوهش سفیدی و فرزاد (۱۳۹۱) برای محاسبه هماهنگی درونی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب آلفا برای کل مقیاس برابر با ۰/۷۳ به دست آمد (مرادی و طاهری، ۱۳۹۱). در پژوهش حاضر، از این ابزار با هدف سنجش روایی همگرایی پرسش‌نامه سبک لذت‌جویی استفاده شده است.

1. eudaimonic savoring scale (USS)

2. content

3. factor analysis

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در این تحقیق با استفاده از نرم افزار SPSS از روش‌های آماری همبستگی و تحلیل عاملی استفاده شده است.

### یافته‌های پژوهش

روایی محتوای مقیاس لذت‌بری سعادت‌نگر در بررسی عباسی (۱۳۹۰) به دست آمده است که به دلیل عدم تغییر در شکل صوری گویه‌ها، نتایج آن قابل سرایت به فرم کوتاه مقیاس است. این ویژگی از وجود توافق بالا میان نظر بیشتر کارشناسان (۸۳/۳۳ درصد) درباره محتوای پرسش‌ها استنباط شد (عباسی، ۱۳۹۰). به منظور بررسی هماهنگی درونی گویه‌های مقیاس، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. هماهنگی درونی مقیاس و عوامل آن بر اساس مقدار آلفا در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس سبک لذت‌جویی و عوامل آن

مقیاس	آلفای کرونباخ
کل مقیاس	۰/۸۹
عامل اول	۰/۸۵
عامل دوم	۰/۸۲
عامل سوم	۰/۷۹
عامل چهارم	۰/۶۳
عامل پنجم	۰/۶۱

چنان‌که در جدول مشاهده می‌شود ضریب آلفای کرونباخ مقیاس در نمونه پژوهش ۰/۸۹ است. این ضریب برای عامل اول ۰/۸۵، برای عامل دوم ۰/۸۲، برای عامل سوم ۰/۷۹، برای عامل چهارم ۰/۶۳ و برای عامل پنجم ۰/۶۱ است.

همچنین جهت بررسی روایی سازه مقیاس، همبستگی هر یک از گویه‌ها با کل پرسش‌نامه محاسبه شد. نتایج نشان داد که همه گویه‌ها با نمره کل مقیاس همبستگی معنادار دارند. دامنه این همبستگی از ۰/۲۹ تا ۰/۶۴ و میانگین این همبستگی ۰/۴۶۸ است. به منظور بررسی ساختار عاملی USS از تحلیل عاملی اکتشافی به روش مؤلفه‌های

اصلی<sup>۱</sup> و چرخش واریماکس<sup>۲</sup> استفاده شد. شاخص کفایت نمونه‌برداری<sup>۳</sup> نشان داد که ۳۸ گویه مقیاس در نمونه پژوهش برای تحلیل عاملی مناسب است ( $KMO=0/۸۲$ ). نتایج آزمون کرویت بارتلت<sup>۴</sup> نیز بیانگر همبستگی معنادار کافی بین سؤالات پرسش‌نامه است. در حقیقت معنا دار بودن آزمون کرویت بارتلت کم‌ترین شرط لازم برای انجام دادن تحلیل عاملی است. همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، نتایج این آزمون با درجه آزادی ۷۰۳ و مجذور خی دو  $۵۴۶۹/۷۵۷$  در سطح  $P < 0/۰۰۰۱$  معنادار است.

جدول ۲: آزمون بارتلت و کفایت نمونه‌برداری

نتایج	آماره‌ها
۰/۸۲۸	KMO کفایت نمونه‌برداری به روش
۵۴۶۹/۷۵۷	خی دو
۷۰۳	درجه آزادی
۰/۰۰۰۱	سطح معناداری

به منظور تعیین تعداد عامل‌ها ابتدا از ملاک ارزش‌های ویژه بزرگ‌تر از ۱ استفاده شد. برای اجتناب از دقت پایین در نتایج خروجی و نیز با توجه به نمودار اسکری که ارزش ویژه در بخش نزولی با شیب تند و قبل از تبدیل شدن به سطح افقی را کمی بالاتر از عدد ۱ نشان می‌دهد، ارزش ویژه در مرحله دوم نیز بزرگ‌تر از ۱ انتخاب شد. جدول ۳ ماتریس عوامل را پس از چرخش به همراه بار عاملی هر یک از گویه‌ها نشان می‌دهد.

جدول ۳: ماتریس عوامل پس از چرخش متقارب به شیوه واریماکس به همراه بار عاملی هر یک از گویه‌ها

شماره گویه	گویه	عوامل				
		۱	۲	۳	۴	۵
۱۰	دینداری مرا در کنترل امیال کمک می‌کند.	۰/۶۹۴				
۱۱	از تفریحاتی که هدف دارند، بیشتر لذت می‌برم.	۰/۶۹۰				
۷	مناجات در نیمه شب را دوست می‌دارم.	۰/۶۴۶				
۲	از بودن در مجالس دینی و معنوی لذت می‌برم.	۰/۶۴۱	۰/۳۵۳			
۱	میل دارم با دوستانی معاشرت کنم که مرا به سعادت نزدیک می‌کنند.	۰/۶۰۹				

1. principle component
2. varimax

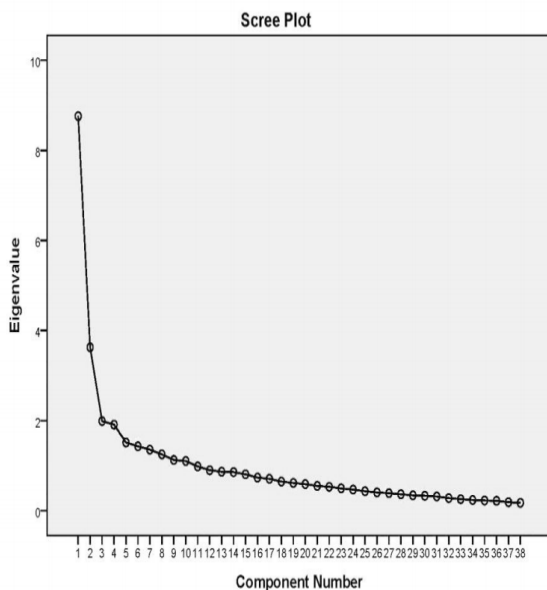
3. sampling Adequacy
4. Bartlett's test of sphericity

- ۱۲ اطاعت از دستورات خداوند احساس خوشایندی را برایم ایجاد می کند. ۰/۶۰۶
- ۳۶ مناجات با خدا برایم دلپذیر و لذت بخش است. ۰/۶۰۲
- ۳ لذت های پایدار را می پذیرم، هر چند در آینده دور اتفاق بیفتند. ۰/۵۷۱
- ۹ لذت رفتن به بهشت می تواند مرگ را برایم شیرین سازد. ۰/۵۲۴
- ۲۶ ترک گناه احساس خوبی به من می دهد. ۰/۵۱۲
- ۵ برای چشیدن شیرینی عبادت هوای نفسم را کنترل می کنم. ۰/۴۶۴ ۰/۳۹۰
- ۴ برای من چشم پوشی از نگاه حرام سخت است. \* ۰/۴۰۸ ۰/۳۹۲ ۰/۳۰۰
- ۴۰ از مطالعه و کسب علم لذت می برم. ۰/۳۵۴ ۰/۳۰۶
- ۲۴ سعی می کنم همیشه جدیدترین مد لباس را بپوشم. \* ۰/۷۴۷
- ۱۴ به شرکت در مجالس پر زرق و برق علاقه دارم. \* ۰/۷۱۲ ۰/۳۱۵
- ۲۲ باید هر چه می توانم در زندگی لذت ببرم. \* ۰/۶۵۰
- ۸ از اینکه سفره غذایی رنگین باشد، لذت می برم. \* ۰/۶۰۶
- ۶ دوست دارم وسایل زندگی ام گران تر از دیگران باشد. \* ۰/۵۷۹
- ۲۹ پوشیدن لباس شیک و زیبا برایم خیلی خوشایند است. \* ۰/۵۴۰ ۰/۳۶۷ -
- ۲۸ گاهی از چیزهای ممنوع بیشتر از مجاز آن لذت می برم. \* ۰/۵۲۹ ۰/۴۳۲
- ۳۲ فکر کردن به آرزوهای دنیایی، تنها دلخوشی من است. \* ۰/۴۹۹ ۰/۳۸۲
- ۲۰ بخشی از شبانه روز را به بهره مندی از لذات معنوی اختصاص می دهم. ۰/۷۰۲
- ۱۹ برای رسیدن به لذت های عبادی و معنوی حاضرم هر سختی را تحمل کنم. ۰/۶۹۵
- ۳۳ فکر رسیدن به لذت های بهشتی مرا در کنترل شهوات کمک می کند. ۰/۶۱۷
- ۱۷ سعی می کنم از امکاناتم طوری بهره ببرم که برای آخرت هم توش های داشته باشم. ۰/۳۹۲ ۰/۵۸۳
- ۲۱ فکر کردن به مرگ مرا از هوس رانی دور می کند. ۰/۳۱۰ ۰/۳۵۷ ۰/۴۹۲
- ۳۰ فکر می کنم بیش از اینکه پیرو خواسته هایم باشم، پیرو عقلم هستم. ۰/۴۶۲
- ۳۸ در تأمین نیازهایم، میانه روی را در نظر می گیرم. ۰/۴۴۸ ۰/۳۹۷
- ۱۳ معتقدم راحتی بیش از حد مرا از زندگی سعادت مندانه دور می کند. ۰/۳۵۰
- ۱۸ نمی توانم ارضای نیازهایم را به تأخیر بیندازم، حتی اگر از خدا دور شوم. \* ۰/۶۸۲
- ۳۴ هوس هایم مرا از درجات عالی انسانی دور کرده اند. \* ۰/۵۸۱
- ۱۶ پرخوری غذای خوشمزه را دوست دارم، با اینکه می دانم خدا از شکم سیر بیزار است. \* ۰/۵۲۸

۰/۵۲۴	۳۷	زمانی که هوسی مرا بگیرد، نمی‌توانم از چنگ آن فرار کنم. *
۰/۶۵۲	۲۵	از لذت‌های نامناسب اجتناب می‌کنم؛ چون از رسوایی می‌ترسم.
۰/۶۳۵	۳۵	از لذت نامشروع می‌گذرم، چون دچار عذاب وجدان می‌شوم.
۰/۴۵۵	۳۱	فکر کردن به جهنم بارها مرا از هوس‌رانی دور کرده است.
۰/۴۳۴	۲۷	توانستم با عبرت گرفتن از دیگران لذت‌های نامناسب را ترک کنم.
۰/۴۳۱	۲۳	کمک به دیگران را بر غذا خوردن ترجیح می‌دهم.

\* گویه‌های علامت‌دار به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند.

بر اساس جدول ۴، عامل اول ۱۳/۲۱۶ درصد، عامل دوم ۱۰/۴۰۳ درصد، عامل سوم ۹/۹۷۱، عامل چهارم ۶/۸۰۲ و عامل پنجم ۶/۴۵۷ درصد و مجموع پنج عامل ۴۶/۸۵۰ درصد واریانس کل مقیاس لذت‌بری سعادتنگر بر اساس منابع اسلامی را برآورد می‌کند.



نمودار ۱: نمودار اسکری برای تعیین عوامل

در مرحله دوم، برای استخراج عامل‌هایی که با معنا بودند، بر روی ۵ عامل، تحلیل عاملی با چرخش متقارب به شیوه واریماکس انجام شد. تمامی گویه‌های مقیاس در این مرحله، از بار عاملی بالاتر از  $0/3$  برخوردار بودند. دامنه بار عاملی گویه‌ها در عامل اول از  $0/31$  تا  $0/70$  و در عامل دوم از  $0/34$  تا  $0/77$ ، در عامل سوم از  $0/31$  تا  $0/60$  است. نتایج کار در این مرحله در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴: عوامل و توصیف واریانس کل

عوامل	ارزش‌های ویژه اولیه			مجموع ضرایب فاکتور چرخش داده نشده			مجموع ضرایب فاکتور چرخش داده شده		
	واریانس کل	درصد واریانس	درصد جمعی	واریانس کل	درصد واریانس	درصد جمعی	واریانس کل	درصد واریانس	درصد جمعی
۱	۸/۷۵۹	۲۳/۰۵۰	۲۳/۰۵۰	۸/۷۵۹	۲۳/۰۵۰	۲۳/۰۵۰	۵/۰۲۲	۱۳/۲۱۶	۱۳/۲۱۶
۲	۳/۶۲۷	۹/۵۴۴	۳۲/۵۹۳	۳/۶۲۷	۹/۵۴۴	۳۲/۵۹۳	۳/۹۵۳	۱۰/۴۰۳	۲۳/۶۱۹
۳	۱/۹۹۰	۵/۲۳۷	۳۷/۸۳۱	۱/۹۹۰	۵/۲۳۷	۳۷/۸۳۱	۳/۷۸۹	۹/۹۷۱	۳۳/۵۹۰
۴	۱/۹۱۲	۵/۰۳۲	۴۲/۸۶۳	۱/۹۱۲	۵/۰۳۲	۴۲/۸۶۳	۲/۵۸۵	۶/۸۰۲	۴۰/۳۹۲
۵	۱/۵۱۵	۳/۹۸۷	۴۶/۸۵۰	۱/۵۱۵	۳/۹۸۷	۴۶/۸۵۰	۲/۴۵۴	۶/۴۵۷	۴۶/۸۵۰
جمع کل	۴۶/۸۵۰		۴۶/۸۵۰	۴۶/۸۵۰		۴۶/۸۵۰		۴۶/۸۵۰	

در نهایت بر اساس تحلیل عاملی و مدل مفهومی نظری، گویه‌های مربوط به پنج عامل مشخص شد و بر اساس محتوای گویه‌ها، عوامل مقیاس لذت‌بری سعادت‌نگر بدین صورت نام‌گذاری شدند:

۱. تعالی‌جویی: گویه‌های ۱ و ۲ و ۳ و ۷ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۲۶ و ۳۶ و ۴۰؛
۲. مهار مادی‌گرایی: گویه‌های ۶ و ۸ و ۱۴ و ۲۲ و ۲۴ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۲؛
۳. هدفمندی: ۵ و ۱۳ و ۱۷ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۳۰ و ۳۳ و ۳۸؛
۴. توان تأخیر ارضاء: ۴ و ۱۶ و ۱۸ و ۳۴ و ۳۷؛
۵. عاقبت‌اندیشی: ۲۳ و ۲۵ و ۲۷ و ۳۱ و ۳۵؛

به منظور بررسی روایی همگرایی USS، همبستگی نمرات آن با نمرات پرسش‌نامه بهباشی روان‌شناختی ریف محاسبه شد. نمرات USS با نمرات بهباشی روان‌شناختی معنادار بود ( $r=0/44$ ،  $P<0/01$ ) که نشان‌دهنده روایی همگرایی مقیاس لذت‌بری سعادت‌نگر است.

## بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی مجدد ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس سبک لذت‌جویی بر اساس منابع اسلامی در بین دانشجویان انجام شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که USS در نمونه پژوهش از هماهنگی درونی خوبی (۰/۹۲) برخوردار است. این یافته پژوهش مطابق با یافته قبلی محقق در بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی فرم ۶۶ سؤالی همین مقیاس است. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان می‌دهد که ساختار عاملی USS در نمونه این پژوهش ۵ عاملی است؛ در پژوهش قبلی (عباسی، ۱۳۹۰) نیز ۵ عامل به دست آمد که از نظر محتوا میان عوامل دو مقیاس هماهنگی مفهومی و ساختاری وجود دارد. عامل انتخاب لذت‌های عالی و پایدار (تعالی‌جویی)، عامل توانمندی تأخیر ارضا برای رسیدن به لذت عالی و پایدار (مهارگری)، عامل سنجش پیامد لذت‌ها (عاقبت‌اندیشی)، عامل لذت‌جویی با محور توحیدی (هدفمندی) و عامل سبک میانه‌رو در لذت‌جویی (میانه‌روی) حاصل تحلیل عوامل در پژوهش پیشین است. این ویژگی‌ها به طور کلی، با محتوای عوامل استخراج‌شده در این پژوهش هماهنگی دارد. عوامل استخراج‌شده برای مقیاس لذت‌بری سعادت‌نگر در این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. عامل اول: «تعالی‌جویی در لذت» نشان‌دهنده گرایش و انگیزه برای بهره‌مندی از لذت‌های عالی و پایدار است؛
۲. عامل دوم: «بی‌رغبتی به لذت‌های مادی» نشان‌دهنده انگیزه و توانمندی فرد برای اجتناب از لذت‌های حسی و مادی است؛
۳. عامل سوم: «ارزیابی اهداف مثبت» سازه سنجش و ارزیابی در انتخاب لذت‌های عالی و پایدار و اجتناب از لذت‌های حسی و مادی است؛
۴. عامل چهارم: «توان تأخیر در لذت‌جویی» نشان‌دهنده توانمندی فرد در تأخیر انداختن لذت‌بری برای مصلحت‌های عالی و پایدار است؛
۵. عامل پنجم: «ارزیابی پیامد منفی» که سازه دوم سنجش و ارزیابی در فرایند انتخاب لذت‌ها و نشان‌دهنده گرایش فرد برای بررسی پیامدهای منفی لذت در فرایند انتخاب است. عامل اول (تعالی‌جویی در لذت) شامل ۱۱ ماده است. از این تعداد ۶ گویه همان موادی هستند که در فرم ۶۶ سؤالی در عامل تعالی‌جویی و ۵ ماده دیگر در عوامل هدفمندی قرار داشتند. بررسی مفهومی این ۵ ماده (مثل «میل دارم با دوستانی معاشرت کنم که مرا به سعادت

نزدیک می‌کنند» یا «لذت‌های پایدار را می‌پذیرم، هرچند در آینده دور اتفاق بیفتند» حاکی از این موضوع است که نشانگری برای عامل تعالی‌جویی در لذت هستند. عامل دوم (بی‌رغبتی به لذت‌های مادی) شامل ۸ ماده است که ۷ ماده مربوط به عامل میانه‌روی در فرم ۶۶ سؤالی هستند. می‌توان گفت تنها عنوان این عامل از «میانه‌روی» به «بی‌رغبتی به لذت‌های مادی» تغییر کرده است؛ چراکه محتوای این ماده حاکی از مفهوم «بی‌رغبتی به لذت‌های مادی» است. ماده‌های عامل چهارم (توان تأخیر در لذت‌جویی) به طور کامل با ماده‌های عامل مهارگری در فرم ۶۶ سؤالی هماهنگ است. ۴ ماده از ۵ ماده عامل پنجم (ارزیابی پیامد منفی) همان ماده‌های مربوط به عامل عاقبت‌اندیشی هستند و فقط نامشان تغییر کرده است. عامل سوم (ارزیابی اهداف مثبت) نیز، که شامل ۹ ماده است، فقط ۳ ماده از عامل هدفمندی را در فرم ۶۶ سؤالی دربردارد و محتوای گویه‌های دیگر به‌طور آشکاری از مفهوم «ارزیابی اهداف مثبت» در لذت‌بری حکایت می‌کنند؛ برای مثال این گویه که «فکر رسیدن به لذت‌های بهشتی مرا در کنترل شهوات کمک می‌کند» یا «برای رسیدن به لذت‌های عبادی و معنوی حاضرم هر سختی را تحمل کنم». بنابراین می‌توان گفت تمام عوامل استخراج‌شده از فرم ۳۸ سؤالی مقیاس سبک لذت‌بری توانسته‌اند همه عوامل فرم ۶۶ سؤالی را از نظر محتوایی پوشش دهند که نشان‌دهنده پایداری روایی صوری مقیاس خواهد بود.

در پژوهش حاضر همبستگی مثبت و معنادار نمرات USS با نمرات بهباشی روان‌شناختی و همبستگی منفی معنادار با نمرات افسردگی نشان‌دهنده روایی همگرا و واگرایی مقیاس است. انتظار می‌رفت که USS با بهباشی روان‌شناختی ریف همبستگی مثبت معنادار داشته باشد؛ چراکه طبق نظر ریف (۱۹۸۹)، مؤلفه‌های انگیزشی بهباشی روان‌شناختی بر سعادت‌نگری در برابر لذت‌نگری بنا شده است، یعنی بودن در حالت کامل کارکردی و برآمدن در رویارویی با چالش‌های وجودی زندگی (ریف و سینگر، ۲۰۰۸). علاوه بر این، نمرات بالا در USS نشان از کارآمدی سبک پی‌گیری لذت در افراد است، به گونه‌ای که ویژگی‌هایی از قبیل پی‌گیری لذت پایدار و عالی، ارزیابی و عاقبت‌اندیشی درباره لذت‌ها و توان تأخیر ارضا برای تجربه لذت‌های عالی و پایدار را دارد. این ویژگی‌ها مطابق با «بودن در حالت کامل کارکردی» و «برآمدن در رویارویی با چالش‌های وجودی زندگی» است؛ همچنین با مدل واترمن (۱۹۹۳)، رایان، هوتا و دسی (۲۰۰۸) و ویترسو (۲۰۰۴) همخوانی دارد. مدل واترمن بر فعالیت‌هایی در زندگی تأکید دارد که بیشترین همخوانی را با ارزش



های درونی فرد داشته باشد؛ مدل بهیاشی سعادت‌نگر رایان، هوتا و دسی بر اشتیاق برای اهداف و ارزش‌های درونی، داشتن انگیزه‌های خودگردان، خودآگاهانه رفتار کردن، نیازهای رضایت‌بخش برای شایستگی، خودگردانی و ارتباط مبتنی است. مدل ویترسو نیز مبتنی بر رشد شخصی، استقبال از چالش‌های زندگی، اشتیاق و علاقه بنا نهاده شده است.

## منابع

پسندیده، عباس (۱۳۸۶)، «درآمدی بر روش شناسی فهم معارف روان‌شناختی از احادیث»، *مجله علوم حدیث*، شماره سوم و چهارم، صص ۸۸-۱۱۰.

شیخی، منصوره و هومن، حیدرعلی و احدی، حسن و سپاه منصور، مژگان (۱۳۸۹)، «مشخصه‌های روان‌سنجی مقیاس رضایت از زندگی»، *فصل‌نامه تازه‌های روان‌شناسی صنعتی/سازمان*، شماره چهارم، ۱۷-۲۵.

عباسی، مهدی (۱۳۹۰)، *ساخت پرسش‌نامه سبک لذت‌جویی بر اساس منابع اسلامی و رابطه آن با سلامت عمومی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی (ره) قم.

عباسی، مهدی (۱۳۹۴)، *لذت و شادکامی از دیدگاه اسلام*، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.

عباسی، مهدی و بهرامی احسان، هادی (۱۳۹۴)، «سعادت‌نگری و لذت‌نگری بر روی پیوستار: کمی‌سازی سبک لذت‌بری سعادت‌نگر بر اساس یک مدل مفهومی در منابع اسلامی»، *مقاله پذیرفته‌شده در کنگره علوم انسانی اسلامی*.

فتحی آشتیانی، علی (۱۳۹۲)، *آزمون‌های روان‌شناختی: ارزش‌یابی شخصیت و سلامت روان*، تهران: مؤسسه انتشارات بعثت.

مرادی، اعظم و طاهری، صغری (۱۳۹۱)، *سنجش روان‌شناسی مثبت در دانشجویان (پرسش‌نامه‌ها)*، تهران: دانژه.

مگیار - موئه. جینا ال (۱۳۹۳)، *مدخلات روان‌شناسی مثبت‌نگر؛ راهنمای درمان‌گر*، ترجمه علی‌اکبر فروغی، دکتر جلیل اصلانی و سحر رفیعی، تهران: ارجمند.

Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2008), "Hedonia, Eudaimonia, and Well-being: An Introduction". *Journal of Happiness Studies*, 9:1-11.

Diener, E. (2000), Subjective well-being: "The science of happiness, and a proposal for a national index", *American Psychologist*, 55, 34-43.

Diener, E., Emmons, R. A., Larsen, R. J., & Griffin, S. (1985), « The Satisfaction with Life Scale», *Journal of Personality Assessment*, 49, 71-75.

Diener, E., Suh, E. M., Lucas, R. E. and Smith, H. L. (1999), “Subjective wellbeing: three decades of progress”, *Psychological Bulletin*, 125: 276–302.

Hefferon, K., & Boniwell, I. (2011), *Positive Psychology: Theory, Research and Applications*, London: Open University Press.

Huta, V. & Ryan, R. M. (2010), “Pursuing Pleasure or Virtue: The Differential and Overlapping Well-Being Benefits of Hedonic and Eudaimonic Motives”, *Journal of Happiness Studies*. 11, 735-762.

Huta, V. & Waterman, A. S. (2013), “Eudaimonia and Its Distinction from Hedonia: Developing a Classification and Terminology for Understanding Conceptual and Operational Definitions”, *Journal of Happiness Studies*, Accepted November 11 2013.

Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2001), “On happiness and human potentials: A review of research on hedonic and eudaimonic well-being”, *Annual Review of Psychology*, 52, 141-166

Ryan, R. M., Huta, V., & Deci, E. L. (2008), “Living well: A self-determination theory perspective on eudaimonia”, *Journal of Happiness Studies*, 9, 139-170.

Ryff, C.D., & Singer, B.H. (2008), “Know thyself and become what you are: A eudaimonic approach to psychological well-being”, *Journal of Happiness Studies*, 9, 13-39.

Vittersø, J. (2004), “Subjective well-being versus self-actualization: Using the flow-simplex to promote a conceptual, clarification of subjective quality of life”, *Social Indicators Research*, 65, 299-331.

Watson, D., Clark, L. A. and Tellegen, A. (1988), “Development and validation of brief measures of positive and negative affect: the PANAS scales”, *Journal of Personality and Social Psychology*, 54(6): 1063–70.

World Health Organization. (2001), *International Classification of Functioning Disability and Health, ICF*. Geneva: World Health Organization.

## ساخت آزمون پای بندی مردان به آموزه های اسلامی همسر داری

### Constructing the Test of Men's Commitment to Islamic Teachings on Conjugal Relations

حسین حیدری خورمیزی / کارشناس ارشد روان شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛  
رحیم نارویی نصرتی / استادیار گروه روان شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛  
ابوالفضل قدوسی / کارشناس ارشد روان شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛

Hussein Heydari Khurmizi / MA of Psychology, IKI. hheidari515@yahoo.com

Rahim Narouie Nusrati / Assistant Professor in Department of Psychology, IKI.

abul-Fazl Quddusi / MA of Psychology, IKI.

#### Abstract

This fundamental study aims at designing and constructing a test of men's commitment to Islamic teachings on conjugal relations and fidelity, which was conducted through descriptive-analytical survey. To do the present study, the teachings for interaction of men with their wives have been gathered in an argumentative way, and – after stages of construction and assessing the reliability – a questionnaire composed of 36 items was handed out among 383 male married teachers in Qom city, selected through cluster sampling. In investigating the validity of the scale, the agreement of 92% of experts showed the validity of the scale content. The factor analysis of findings showed that the test of men's commitment

#### چکیده

این پژوهش بنیادی با هدف طراحی و ساخت آزمون پای بندی مردان به آموزه های اسلامی همسر داری و با روش توصیفی - تحلیلی و پیمایشی انجام شده است. برای این پژوهش، با مراجعه به منابع اسلامی، آموزه های تعامل مردان با همسر به گونه استدلالی جمع آوری شد و پس از طی مراحل ساخت و اعتبارسنجی، پرسش نام های ۳۶ گویه ای بین ۳۸۳ نفر از معلمان مرد متأهل شهر قم که به صورت نمونه گیری خوشه ای انتخاب شده بودند، به اجرا درآمد. در بررسی روایی مقیاس، موافقت ۹۲ درصدی کارشناسان، گویای روایی محتوای مقیاس بود. تحلیل عاملی اکتشافی یافته ها نشانگر آن بود که آزمون پای بندی مردان به آموزه های اسلامی همسر داری دارای هشت عامل (۱. تعهد و مسولیت پذیری؛ ۲. ارتباطی؛ ۳.

to Islamic teachings on conjugal relations consists of eight factors as follows: fidelity and responsibility, relational, financial affairs, concentration/ emotional attention, active sympathy, giving gifts, optimism and forgiveness, religious growth. Cronbach's alpha (0.88) and split-half coefficient (0.751) show the internal reliability of the scale. Based on the findings of the study, we may say that the questionnaire has a desirable reliability and validity, and that it gives us coherent factors through which we may study men's commitment to Islamic teachings on conjugal relations, and they may be used both in research and treatment.

**Keywords:** men's commitment, Islamic teachings on conjugal relation and fidelity.

امور مالی؛ ۴. تمرکز/توجه هیجانی؛ ۵. همدلی فعال؛ ۶. هدیه دادن؛ ۷. خوش‌بینی و گذشت؛ ۸. رشد دینی) است. آلفای کرونباخ ۰/۸۸ و ضریب دونیمه‌سازی ۰/۷۵۱ نشانگر اعتبار درونی این مقیاس است. بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت این پرسش‌نامه اعتبار و روایی مطلوبی دارد و عوامل منسجمی از آن به دست می‌آید که می‌توان با کاربرد آن، پای‌بندی مردان به آموزه‌های اسلامی همسررداری را مطالعه و از آن در حیطه‌های تحقیق و درمان استفاده کرد.

**کلیدواژه‌ها:** پای‌بندی مردان، آموزه‌های اسلامی همسررداری.

## مقدمه

خانواده یکی از نظام‌های جوامع بشری است که با وجود تحولات اساسی، در اهداف و کارکردهای خود ثابت مانده و هنوز در همه جوامع، اهمیت اساسی دارد. خداوند به وجود آمدن انسان را بر زوجیت و خانواده استوار کرده است؛ خانواده یعنی زن و مردی که با پیمان ازدواج کنار هم آرامش می‌یابند و امانت‌داران الهی را تحویل جامعه می‌دهند. بنابراین هیچ نهادی به قدمت و قداست خانواده وجود ندارد و همه نهادها و سازمان‌های اجتماعی برای تحکیم بنا و تأمین نیازهای طبیعی خانواده تأسیس می‌شوند (افروز، ۱۳۸۹، ص ۷). تدبیر حکیمانه الهی در قالب کشش و تجاذب میان زن و مرد تجلی یافته و بشر را در طول تاریخ، در کانون گرم خانواده گرد هم آورده است؛ بدین سان نسل بشر به زندگی خود ادامه می‌دهد (صفورایی، ۱۳۸۸، ص ۸۶).

مهم‌ترین متون دینی ما، یعنی قرآن و سخنان پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام، سرشار از

آموزه‌های کارآمد و متناسب با عصر حاضر در باب اساسی‌ترین مسائل خانواده تا جزئی‌ترین موارد آن است که در تحکیم پایه‌های خانواده، رضامندی زناشویی و کارآمدی خانواده نقش اساسی دارد. چنان‌که حیدری (۱۳۹۳) و هراتیان (۱۳۹۳) گزارش داده‌اند، پژوهش‌های زیادی اثرات پای‌بندی به مذهب را در رضامندی زناشویی (مانند حیدری، ۱۳۸۵؛ نیکویی و سیف، ۱۳۸۴؛ مصلحی، ۱۳۹۲؛ نجفی، ۱۳۸۹؛ احمدی، ۱۳۸۶؛ روحانی و معنوی‌پور، ۱۳۸۷؛ خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۳۸۶؛ حاتمی و دیگران، ۱۳۸۸؛ منجزی و دیگران، ۱۳۹۱؛ بورچینال<sup>۱</sup>، ۱۹۵۷؛ هانت<sup>۲</sup> و کینگ<sup>۳</sup>، ۱۹۷۸؛ پولنر، ۱۹۸۹؛ الیسون<sup>۴</sup>، گای<sup>۵</sup> و گلس<sup>۶</sup>، ۱۹۸۹؛ دادلی<sup>۷</sup> و کونینسکی<sup>۸</sup>، ۱۹۹۰؛ آنتونی<sup>۹</sup>، ۱۹۹۳؛ اسنو<sup>۱۰</sup> و کاپتن<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۶؛ گیبلین<sup>۱۲</sup>، ۱۹۹۷؛ سالیوان، ۲۰۰۱؛ فیس<sup>۱۳</sup> و تامکو<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۱؛ مارش و دالاس، ۲۰۰۱؛ سالیوان، ۲۰۰۱؛ هانلر<sup>۱۵</sup> و گنچوز<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۵ و اورتیکنال<sup>۱۷</sup> و ونستیوگن<sup>۱۸</sup>، ۲۰۰۶)، سازگاری زناشویی (احمدی، فتحی‌آشتیانی و عرب‌نیا، ۱۳۸۵؛ فیلسینگر<sup>۱۹</sup> و ویلسون<sup>۲۰</sup>، ۱۹۸۴؛ گرانر<sup>۲۱</sup>، ۱۹۸۵؛ ویلسون و فیلسینگر، ۱۹۸۶ و روت<sup>۲۲</sup>، ۱۹۸۸) و کارآمدی خانواده (کولدول، ۱۹۹۵؛ عبدالله پور، ۱۳۸۸ و دهقان‌تنها، ۱۳۹۲) بررسی کرده‌اند و به نقش مثبت پای‌بندی به آموزه‌های دینی در رشد و تعالی خانواده اذعان دارند.

آموزه‌های اسلامی در زندگی زناشویی تمام دستوراتی است که در دین اسلام به هر یک از زوجین داده شده است، اعم از دستورات فقهی، اخلاقی و آداب دینی. در منابع اسلامی سه دسته آموزه مرتبط با زوجین مطرح است: آموزه‌های مشترک، آموزه‌های خاص زنان و آموزه‌های خاص مردان (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷، ص ۴۱۲).

آموزه‌های مشترک: محبت و مهربانی و عطفوت بین زوجین، داشتن خوی‌های والا و کردارهای نیکو، اهتمام به تربیت دینی، پاسداشت حقوق، تلاش برای تأمین نیازهای اقتصادی خانواده، پاسخ دادن به غرایز جنسی و دعا کردن (همان، ص ۱۹۱).

آموزه‌های خاص زنان: این آموزه‌ها در شش محور اساسی مورد توجه هستند: ۱. واکنش‌های هیجانی و عاطفی؛ ۲. رابطه جنسی؛ ۳. همکاری؛ ۴. رعایت مرزها؛ ۵. امور مالی

1. Burchinal, L.G.

2. Hunt, R.A.

3. King, M.B

4. Ellison, C.G.

5. Gay, D.A.

6. Glass, T.A.

7. Dudley, M.G.

8. Konsinski, J.F.A.

9. Anthony, M.J.

10. Snow, T.S.

11. Compton, W.C.

12. Giblin, P.R.

13. Fiese, B.H.

14. Tomcho, T.J.

15. Hunler, O.S.

16. Gencoz, T.I.

17. Orathinkal, J.

18. Vansteewegen, A.

19. Filsinger, E.E.

20. Wilson, M.R.

21. Gruner, L.

22. Roth, P.D.

و ۶. ارتباطات مؤثر (قدوسی، ۱۳۹۳، ص ۲۹).  
آموزه‌های خاص مردان: آموزه‌های اسلام به مردان متأهل در ارتباط و تعامل با همسر، بر مبنای آیات قرآنی و روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام مورد بررسی قرار گرفت و در هشت عامل کلی جای داده شد:

۱. تعهد و مسؤلیت‌پذیری: کتک نزدن (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۵۰، ح ۱۶۶۱۹)،<sup>۱</sup> پرهیز از تصرف بدون اجازه در اموال و اشیاء (همان، ص ۲۵۲، ح ۱۶۶۲۷)،<sup>۲</sup> ناراحت نکردن همسر (همان)،<sup>۳</sup> قذف نکردن (تهمت ناروا نزدن) (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۳، ص ۲۴۸، ح ۳۴)،<sup>۴</sup> رعایت حدود محبت (نهج البلاغه، حکمت ۳۵۲)،<sup>۵</sup> پرهیز از غیرت‌ورزی نابجا (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۲۶۷)،<sup>۶</sup> ملایمت و مدارا (همان، ج ۱۴، ص ۱۲۰، ح ۳) و تقسیم کارهای خانه (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۵، ص ۵۰۸).<sup>۷</sup>
۲. ارتباطی: خوش‌اخلاقی (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۲۲۲، ح ۱۸۷۱۷)،<sup>۸</sup> برخورد آرام و مهربانانه (همان، ج ۳، ص ۶، ح ۵۱۵۵)،<sup>۹</sup> نیکی کردن (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۹، ص ۴۰۸،

۱. رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: أَى رَجُلٍ لَطَمَ امْرَأَتَهُ لَطْمَةً، أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَالِكًا خَازِنَ التَّيْرَانِ فَيَلْطِمُهُ عَلَى حُرِّ وَجْهِهِ سَبْعِينَ لَطْمَةً فِي نَارِ جَهَنَّمَ. وَأَى رَجُلٍ مِنْكُمْ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى شَعْرِ امْرَأَةٍ مُسْلِمَةٍ، سَمَرَ كَفَّهُ بِمَسَامِيرٍ مِنْ نَارٍ.
۲. فی حدیث الخِوَلَاءِ -... قَالَتْ: فَمَا لِلنِّسَاءِ عَلَى الرِّجَالِ؟ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَخْبَرْتَنِي أَحَى جَبْرَيْلُ - وَلَمْ يَزَلْ يُؤَبِّنِي بِالنِّسَاءِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَلَّا يَجِلُّ لِرُؤُوسِهَا أَنْ يَقُولَ لَهَا: أَف - يَا مُحَمَّدُ، اتَّقُوا اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ فِي النِّسَاءِ، فَإِنَّهُنَّ عَوَانُ بَيْنِ أَيْدِيكُمْ، أَخَذْتُمُوهُنَّ عَلَى أَمَانَاتِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا اسْتَحَلَلْتُمْ مِنْ فُرُوجِهِنَّ بِكَلِمَةِ اللَّهِ وَكِتَابِهِ مِنْ فَرِيضَةٍ وَسُنَّةٍ وَشَرِيعَةٍ مُحَمَّدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَإِنَّ لَهُنَّ عَلَيْكُمْ حَقًّا وَاجِبًا لَمَّا اسْتَحَلَلْتُمْ مِنْ أَجْسَامِهِنَّ، وَبِمَا وَاضَلْتُمْ مِنْ أَيْدِيهِنَّ، وَيَحْمِلْنَ أَوْلَادَكُمْ فِي أَحْشَائِهِنَّ، حَتَّى أَخَذَهُنَّ الطَّالِقُ مِنْ ذَلِكَ، فَاشْفِقُوا عَلَيْهِنَّ، وَطَيَّبُوا قُلُوبِهِنَّ حَتَّى يَقِفَنَّ مَعَكُمْ، وَلَا تَكْرَهُوا النِّسَاءَ وَلَا تَسْخَطُوا بِهِنَّ، وَلَا تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا بِرِضَاهُنَّ وَادْنِهِنَّ.
۳. رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: مَنْ قَذَفَ امْرَأَتَهُ بِالزَّنَا، خَرَجَ مِنْ حَسَنَاتِهِ كَمَا تَخْرُجُ الْحَيَّةُ مِنْ جِلْدِهَا، وَكُتِبَ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ عَلَى بَدَنِهِ أَلْفُ حَطِيئَةٍ.
۴. الإمام علی علیه‌السلام - لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ -: لَا تَجْعَلَنَّ أَكْثَرَ شُغْلِكَ بِأَهْلِكَ وَوُلْدِكَ، فَإِنَّ يَكُنْ أَهْلُكَ وَوُلْدُكَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَوْلِيَاءَهُ، وَإِنْ يَكُونُوا أَعْدَاءَ اللَّهِ فَمَا هُمَّكَ وَشُغْلُكَ بِأَعْدَاءِ اللَّهِ؟!<sup>۱۰</sup>
۵. رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: مِنَ الْغَيْبَةِ مَا يُحِبُّ اللَّهُ وَمِنْهَا مَا يُبْغِضُ اللَّهُ، فَمَا التَّيُّ يُحِبُّهَا اللَّهُ فَالْغَيْبَةُ فِي الرِّبِّيَّةِ، وَأَمَّا الْغَيْبَةُ الَّتِي يُبْغِضُهَا اللَّهُ فَالْغَيْبَةُ فِي غَيْرِ رِبِّيَّةِ.
۶. الإمام علی علیه‌السلام: إِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَلَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ، فِدَارِهَا عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَأَحْسِنِ الصُّحْبَةَ لَهَا لِيَصْفُو عَيْشُكَ.
۷. الإمام الباقر علیه‌السلام: تَقَاضَى عَلِيُّ وَفَاطِمَةُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْخِدْمَةِ، فَقَضَى عَلِيُّ فَاطِمَةَ بِخِدْمَةِ مَا دُونَ الْبَابِ، وَقَضَى عَلِيُّ مَا خَلْفَهُ. فَقَالَتْ فَاطِمَةُ: فَلَا تَعْلَمُ مَا دَاخَلَنِي مِنَ السُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ يَأْكُفَّئِي رَسُولُ اللَّهِ تَحْمُلَ رِقَابِ الرِّجَالِ. وَعَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ صُمِّمَتْ لِتَلْقَى عَلَيْهِ السَّلَامَ عَمَلَ الْبَيْتِ وَالْعَجِينِ وَالْخَبْزِ وَقَمَّ الْبَيْتِ، وَصُمِّنَ لَهَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا كَانَ خَلْفَ الْبَابِ مِنْ نَقْلِ الْحَطَبِ وَأَنْ يَجِيءَ بِالطَّعَامِ.
۸. عن أبي عبد الله الجدلي: قُلْتُ لِعَائِشَةَ: كَيْفَ كَانَ خُلُقُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي أَلْفِهِ؟ قَالَتْ: كَانَ أَحْسَنَ النَّاسِ خُلُقًا، لَمْ يَكُنْ فَاخِشًا وَلَا مُتَّفَحِّشًا، وَلَا سَخَابًا بِالْأَسْوَاقِ، وَلَا يَجْزِي بِالنِّسَاءِ مِثْلَهَا، وَلَكِنْ يَغْفُو وَيَصْفَحُ.
۹. رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: إِنَّ مِنْ أَكْمَلِ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا، أَحْسَنَهُمْ خُلُقًا وَالطَّفَهُمْ بِأَهْلِهِ.

ح ۱۱۷)،<sup>۱</sup> معاشرت و برخورد نیکو (نساء، ۱۹<sup>۲</sup> و مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۸، ص ۲۳۶، ح ۶۳)،<sup>۲</sup> نگاه محبت‌آمیز (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۲۷۶، ح ۴۴۴۳۷)،<sup>۳</sup> سلام کردن (همان، ج ۱۵، ص ۹۰۹، ح ۴۳۵۷۱)،<sup>۴</sup> محبت کلامی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۶۹)،<sup>۵</sup> رعایت نظافت (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۹، ص ۳۰۷، ح ۲۳).<sup>۶</sup>

۳. امور مالی: تکیه گاه خوبی بودن (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۲، ص ۱۱۵، ح ۱۳)،<sup>۷</sup> خوراک (همان، ج ۷۶، ص ۳۴۹، ح ۱۳)،<sup>۸</sup> پوشاک (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۱۶، ح ۱۲۳۰۳)،<sup>۹</sup> سخاوت و گشاده‌دستی (همان، ج ۶، ص ۴۴۲، ح ۱۶۴۵۳)،<sup>۱۰</sup> پرهیز از بخل‌ورزی (همان).

۴. تمرکز/ توجه هیجانی: ملاعبه قبل از نزدیکی (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۳۵۲، ح ۱۴۴۸۸۶)،<sup>۱۱</sup> غذا خوردن با همدیگر (همان، ص ۱۰۷، ح ۴۴۰۷۷)،<sup>۱۲</sup> تعطیلات را با هم بودن (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۹۹)،<sup>۱۳</sup> و زینت (همان، ج ۶، ص ۴۸۰، ح ۱ و ج ۵، ص ۵۶۷، ح ۵۰).<sup>۱۴</sup> ۵. همدلی فعال: خدمت به همسر (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۴، ص ۱۳۲، ح ۱)،<sup>۱۵</sup> احترام کردن (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۴۱۲، ح ۱۰۲۳)،<sup>۱۶</sup> آب دادن به همسر (حر عاملی، ۱۴۰۹،

۱. الإمام الصادق علیه‌السلام: مَنْ حَسَنَ بِرِّهُ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ زَيْدٌ فِي رِزْقِهِ.

۲. «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ».

۳. الإمام الصادق علیه‌السلام: إِنَّ الْمَرْءَ يَجْتَاجُ فِي مَنْزِلِهِ وَعِيَالِهِ إِلَى ثَلَاثِ خِلَالٍ يَتَكَلَّفُهَا وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِي طَبَعِهِ ذَلِكَ: مُعَاشِرَةَ جَمِيلَةٍ، وَسَعَةَ بِنْتَدِيرٍ، وَغَيْرَةَ بِنْتَحُصْنٍ.

۴. عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا نَظَرَ الْعَبْدُ إِلَى وَجْهِ زَوْجِهِ وَنَظَرَتْ إِلَيْهِ، نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِمَا نَظَرَ رَحْمَةٍ، فَإِذَا أَخَذَ بِكَفِّهَا وَأَخَذَتْ بِكَفِّهِ، تَسَاقَطَتْ ذُنُوبُهُمَا مِنْ خِلَالِ أَصَابِعِهِمَا.

۵. رسول الله صلى الله عليه وآله: يَا أُنْسُ... إِذَا دَخَلْتَ بَيْتَكَ فَسَلِّمْ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ؛ يَكْثُرُ خَيْرُ بَيْتِكَ.

۶. رسول الله صلى الله عليه وآله: قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ: «إِنِّي أَحِبُّكَ» لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا.

۷. الإمام الكاظم عليه‌السلام: تَهَيِّئَةَ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ مِمَّا يَزِيدُ فِي عَفْتِهَا.

۸. عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشِرَارِ رِجَالِكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ: إِنَّ مِنْ شِرَارِ رِجَالِكُمُ الْبَهَاتُ الْجَرِيُّ، الْفَخَّاشُ، الْأَكَلُ وَحَدَّةٌ، وَالْمَانِعُ رَفْدَهُوَالضَّارِبُ عَبْدَهُ، وَالْمُلْجِيَّ عِيَالَهُ إِلَى غَيْرِهِ.

۹. عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ النِّسَاءَ عِنْدَكُمْ عَوَانٌ... فَإِذَا فَعَلَنْ ذَلِكَ فَلَهُنَّ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ، وَلَا تُضْرِبُوهُنَّ.

۱۰. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَلَا وَحَقُّهُنَّ عَلَيْكُمْ أَنْ تُحْسِنُوا إِلَيْهِنَّ فِي كِسْوَتِهِنَّ وَطَعَامِهِنَّ.

۱۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَمَلًا كَاتِحًا عَرِشُهُ، أَلْهَمَهُمْ أَنْ يُنَادُوا قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِ الشَّمْسِ فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ: أَلَا مَنْ وَسَّعَ عَلَى عِيَالِهِ وَجِيرَانِهِ وَسَّعَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا، أَلَا مَنْ ضَيَّقَ اللَّهُ عَلَيْهِ قَبْرَهُ.

۱۲. نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ الْمُوَاقَعَةِ قَبْلَ الْمُلَاعَعَةِ.

۱۳. عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا أُنَبِّئُكُمْ بِخَمْسٍ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَلَيْسَ بِمُتَّكِرٍ: عِتْقَالِ الشَّاةِ، وَلُبْسِ الصَّوْفِ، وَمُجَالَسَةِ الْفُقَرَاءِ، وَأَنْ يَرَكَبَ الْحِمَارَ، وَأَنْ يَأْكُلَ الرَّجُلُ مَعَ عِيَالِهِ.

۱۴. عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَطْرَفُوا أَهْلِيكُمْ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ بَشَىءٍ مِنَ الْفَاكِهَةِ أَوْ اللَّحْمِ حَتَّى يَفْرَحُوا بِالْجُمُعَةِ.

۱۵. الكافي عن الحسن بن جهم: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اخْتَضَبَ، فَقُلْتُ: جَمَلْتَ فِدَاكَ، اخْتَضَبْتَ؟ قَالَ: نَعَمْ، إِنَّ التَّهَيِّئَةَ مِمَّا يَزِيدُ فِي عَفَّةِ النِّسَاءِ، وَلَقَدْ تَرَكْتُ النِّسَاءَ الْعَفَّةَ يَتْرِكُ أَرْوَاجَهُنَّ التَّهَيِّئَةَ. ثُمَّ قَالَ: أُبَسِّرُكُمْ أَنْ تَرَاهَا عَلَى مَا تَرَكَ عَلَيْهَا إِذَا كُنْتَ عَلَى غَيْرِ تَهَيِّئَةٍ؟ قُلْتُ: لَا، قَالَ: فَهُوَ ذَاكَ. ثُمَّ قَالَ: مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ السَّنْطَفِ، وَالنَّطِيطِ، وَحَلْقِ الشَّعْرِ، وَكَثْرَةِ الطَّرِيقَةِ.

۱۶. عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلِيُّ، لَا يَخْدُمُ الْعِيَالُ إِلَّا صَدِيقٌ أَوْ شَهِيدٌ، أَوْ رَجُلٌ يُرِيدُ اللَّهُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

۱۷. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ اتَّخَذَ زَوْجَةً فَلْيَكْرِمْهَا.

ج ۲۱، ص (۴۵۱)،<sup>۱</sup> آزار نرساندن (همان، ج ۷، ص ۸۳)<sup>۲</sup> و همنشینی با خانواده (مشکینی، ۱۴۲۴، ص ۳۳).

۶. هدیه دادن: در بازگشت از سفر (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۷۰۸، ح ۱۷۵۰۸)<sup>۳</sup> و در مناسبت‌های مختلف (کاشف‌الغطاء، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۸، ح ۶۲۴)<sup>۴</sup>.

۷. خوش‌بینی و گذشت: گذشت از خطاها (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۴، ص ۵، ح ۱)<sup>۵</sup> و رعایت علاقه خانواده به غذا (همان، ج ۶۲، ص ۲۹۱)<sup>۶</sup>.

۸. رشد دینی: تعلیم نماز، روزه و زکات (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۴، ص ۵۱۸)<sup>۷</sup> و حفظ از آسیب‌های عقیدتی، اخلاقی و رفتاری (تحریم، ۶)<sup>۸</sup>.

آنچه درباره این آموزه‌ها قابل اندازه‌گیری است میزان پای‌بندی افراد به آن است. پای‌بندی یعنی رفتارهای متعادل و هماهنگ با اعتقادات (آهنکوب‌نژاد، ۱۳۸۸) یا به عبارتی، التزام عملی به آموزه‌های اسلام (پناهی، ۱۳۸۹) و تنظیم تمامی رفتارها بر اساس معیارهای مذهبی (جان‌بزرگی، ۱۳۸۸). بنابراین، منظور از پای‌بندی به آموزه‌های اسلامی همسرداری، التزام عملی و تنظیم تمام رفتارها بر اساس آموزه‌های اسلامی در موقعیت‌های تعاملی با همسر است.

در سال‌های اخیر آزمون‌هایی برای سنجش جنبه‌های گوناگون خانواده بر اساس مدل‌های متفاوت و از زاویه‌های گوناگون ساخته شده است. این پژوهش‌ها بیشتر به سنجش رضایت زناشویی یا رضامندی خانوادگی پرداخته‌اند و به جنبه‌های دینی خانواده کمتر توجه کرده‌اند.

۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا سَقَى امْرَأَتَهُ مِنَ الْمَاءِ أَجْرٌ.
۲. قال النبي صلى الله عليه وآله: مَنْ كَانَتْ لَهُ امْرَأَةٌ يُؤَدِّبُهَا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهَا وَ لَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا حَتَّى تُعِينَهُ وَ تُرْضِيَهُ وَ إِنَّ صَامَتِ الدَّهْرَ وَ قَامَتْ وَ اعْتَقَتِ الرِّقَابَ وَ أَنْفَقَتِ الْأَمْوَالَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ كَانَتْ أَوَّلَ مَنْ يَرِدُ النَّارَ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ عَلَى الرَّجُلِ مِثْلُ ذَلِكَ الْوِزْرَ وَ الْعَذَابَ إِذَا كَانَ لَهَا مُؤَدِّبًا ظَالِمًا.
۳. رسول الله صلى الله عليه وآله: جُلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ اعْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا.
۴. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا رَجَعَ أَحَدُكُمْ مِنْ سَفَرِهِ فَلْيَرْجِعْ إِلَى أَهْلِهِ بِهَدْيَةٍ، وَلَوْ لَمْ يَجِدْ إِلَّا أَنْ يَلْقَى فِي مَخْلَاتِهِ حَجْرًا أَوْ حُرْمَةً حَطَبٍ، فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يُعْجِبُهُمْ.
۵. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لِيُحِبُّ الرَّجُلَ مِنْ خَلْقِهِ إِذَا انْصَرَفَ مِنْ سَوْقِهِ، فَيَأْخُذُ شَيْئًا فِي كُمِهِ لِعِيَالِهِ فَيَفْرَحُوا بِهِ، فَيُبَاهِي اللَّهُ بِهِ الْمَلَائِكَةَ.
۶. الإمام زين العابدين عليه السلام - فِي رِسَالَتِهِ الْمَعْرُوفَةِ بِرِسَالَةِ الْحَقُوقِ -: ..... فَإِنَّ لَهَا عَلَيْكَ أَنْ تَرْحَمَهَا لِأَنَّهَا أَسِيرُكَ، وَ تُطْعَمُهَا وَ تَكْسُوهَا، وَإِذَا جَهِلْتَ عَفَوْتَ عَنْهَا.
۷. رسول الله صلى الله عليه وآله: الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ بِشَهْوَةِ أَهْلِهِ، وَ الْمُنَافِقُ يَأْكُلُ أَهْلَهُ بِشَهْوَتِهِ.
۸. یا حولاء، لِلْمَرْأَةِ عَلَى زَوْجِهَا أَنْ يُشْبِعَ بَطْنَهَا، وَيَكْسُوَ ظَهْرَهَا، وَيَعْلَمَهَا الصَّلَاةَ وَ الصَّوْمَ وَ الزَّكَاةَ إِنْ كَانَ فِي مَالِهَا حَقٌّ وَ لَا تَخَالَفُهُ فِي ذَلِكَ.
۹. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا وَ قُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ عَلَىٰهَا مَلْسِكَةٌ غَالِطٌ شِدَادٌ لَا يَصُورُونَ اللَّهُ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَغْفُلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ».



تنها چند آزمون متناسب با فرهنگ دین اسلام درباره خانواده وجود دارد که پرسش‌نامه رضامندی زناشویی بر اساس معیارهای دینی (جدیری، ۱۳۸۷)، شاخص‌های خانواده کارآمد از دیدگاه اسلام و ساخت پرسش‌نامه آن (صفورایی، ۱۳۸۸ب)، پرسش‌نامه پای‌بندی زنان به آموزه‌های همسرمداری اسلام (قدوسی، ۱۳۹۳) از آن جمله هستند. این پرسش‌نامه‌ها (به غیر از پرسش‌نامه پای‌بندی زنان، که خاص زنان است) به اصل تفاوت‌های زن و مرد توجه نداشته‌اند و بیشتر آموزه‌های مشترک را در نظر گرفته‌اند و آزمون‌هایی که به طور خاص و جزئی به پای‌بندی مردان به آموزه‌های اسلامی همسرمداری پرداخته باشد، یافت نشد. بنابراین، با توجه به فرهنگ دینی و اسلامی کشور ما، این پژوهش با هدف شناسایی آموزه‌های اسلامی ویژه مردان و ساخت آزمون پای‌بندی مردان به آموزه‌های اسلامی همسرمداری انجام شد و درصدد پاسخ‌گویی به این دو سؤال برآمد: «آزمون پای‌بندی مردان به آموزه‌های اسلامی همسرمداری از چه ویژگی‌های روان‌سنجی برخوردار است؟» و «مؤلفه‌های پای‌بندی مردان به آموزه‌های اسلامی همسرمداری از دیدگاه آیات و روایات چیست؟».

### روش پژوهش

این پژوهش از نوع بنیادی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی است. محقق با مراجعه به منابع اسلامی و با تحلیل متن و استنباط، آموزه‌های همسرمداری که برای تعامل با همسران به مردان داده شده را جمع‌آوری، دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل کرد. در روش توصیفی - تحلیلی محتوا، عناصر و مطالب مورد نظر گردآوری و طبقه‌بندی می‌شود و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد، در واقع قلمرو این نوع تحقیق را متن‌های مکتوب درباره موضوعی خاص تشکیل می‌دهد (شریعت‌مداری، ۱۳۸۸، ص ۷۷). از آنجا که هدف نهایی این پژوهش ساخت آزمون برای سنجش پای‌بندی مردان به آموزه‌های اسلامی همسرمداری است، ارزیابی روایی و اعتبار آن به صورت می‌دانی و به روش «زمینه‌یابی» «پیمایشی» است (دلاور، ۱۳۸۴، ص ۱۷۳-۱۷۵).

جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش را معلمان مرد متأهل شهر قم در سال ۱۳۹۲ تشکیل می‌دهند که بنابر آمار اداره کل آموزش و پرورش استان قم، در چهار ناحیه شهر قم ۶۴۲۱ نفر هستند. با توجه به استفاده از روش تحلیل عاملی نسبت ۱ به ۱۰ گویه‌ها و آزمودنی‌ها حجم نمونه ۴۰۰ آزمودنی در نظر گرفته شد که در نهایت ۳۸۳ نفر تحلیل شدند.

برای نمونه‌گیری از نمونه‌برداری تصادفی طبقه‌ای - خوشه‌ای استفاده شد. محقق ابتدا افراد جامعه مورد مطالعه را به چهار طبقه، یعنی چهار ناحیه، تقسیم کرد و بر اساس نسبت هر کدام، حجم نمونه را به‌دست آورد. پس از تعیین طبقات و حجم نمونه، از آنجا که دسترسی به تک‌تک افراد جامعه مورد تحقیق سخت و وقت‌گیر و انتخاب نمونه از اعضای جامعه مشکل و تقریباً غیرممکن بود، محقق با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای به سراغ طبقات رفت و پس از گرفتن لیست مدارس پسرانه نواحی چهارگانه قم، به تعیین واحد نمونه‌گیری (انتخاب مدارس در هر ناحیه) بر حسب تصادف پرداخت. پس از ارائه توضیحات به معلمان مدارس انتخاب‌شده، دفترچه پرسش‌نامه را به معلمان متأهل آن مدرسه داد و از آنان خواست تا با دقت لازم آن را تکمیل نمایند. در نهایت، پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها و حذف موارد ناقص، اطلاعات ۳۸۳ نفر را با نرم‌افزار آماری و تحلیلی SPSS مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد.

#### ابزار پژوهش

برای انجام این پژوهش از مقیاس پژوهشگرساخته پای‌بندی مردان به آموزه‌های اسلامی همسررداری استفاده شد. این مقیاس را نخستین بار پژوهشگر برای سنجش پای‌بندی مردان به آموزه‌های اسلامی همسررداری طراحی کرد و ساخت. فرایند ساخت این مقیاس چنین بوده است:

۱. به منظور گردآوری آموزه‌هایی که در منابع اسلامی به مردان متأهل برای تعامل با همسرشان داده شده به منابع اسلامی رجوع شد. از منبع تحکیم خانواده استفاده شد و علاوه بر این کتاب، از نرم‌افزارهای موجود، همچون گنجینه روایات و نرم افزار نورالانوار ۳/۵، نیز جهت جست‌وجوی کلیدواژه‌ها (مثل امراه، زوجه، عیال، اهل بیت، اهل منزل، معاش و بیت) و مدخل‌ها (مثل حکمة تأسیس الأسرة، موانع تأسیس الأسرة، تَعَاوُنُ الزَّوْجَيْنِ، الْمَوَدَّةُ الْمُتَبَادَلَةُ بَيْنَ الزَّوْجَيْنِ، مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ وَمَحَاسِنُ الْأَعْمَالِ بَيْنَ الزَّوْجَيْنِ، خِدْمَةُ الزَّوْجَةِ، التَّسْلِيمُ عَلَى الْأَهْلِ، إِدْخَالُ السُّرُورِ، الْإِهْدَاءُ عِنْدَ الرُّجُوعِ مِنَ السَّفَرِ، الْجُلُوسُ مَعَ الْأَسْرَةِ وَالْأَكْلُ مَعَهُمْ، الصَّبْرُ عَلَى سَوْءِ خُلُقِ الزَّوْجَةِ، التَّغَافُلُ، الْفَنَاعَةُ، الْغَيْرَةُ، وَقَايَةُ الْأَسْرَةِ مِنَ الْآفَاتِ الْعَقَائِدِيَّةِ وَالْأَخْلَاقِيَّةِ وَالْعَمَلِيَّةِ، الْحَثُّ عَلَى رِعَايَةِ حُقُوقِ الْأَسْرَةِ، التَّحْذِيرُ مِنْ تَضْيِيعِ حُقُوقِ الْأَسْرَةِ، الْحُقُوقُ الْمُتَبَادَلَةُ بَيْنَ الزَّوْجَيْنِ، حُقُوقُ الزَّوْجَةِ عَلَى الزَّوْجِ، السَّعْيُ لِمُضْمَانِ حَوَائِجِ الْأَسْرَةِ الْاِقْتِصَادِيَّةِ، التَّوَسُّعُ عَلَى الْعِيَالِ، تَلْبِيَةُ الْغَرَائِزِ الْجِنْسِيَّةِ، تَرْبِيَةُ الرَّجُلِ لِزَوْجَتِهِ، دَمُّ عَدَمِ تَلْبِيَةِ الزَّوْجِ حَاجَةَ زَوْجَتِهِ، مَا يَنْبَغِي رِعَايَتَهُ فِي الْمُبَاشَرَةِ، الدُّعَاءُ لِلْأَهْلِ، آفَاتِ الْأَسْرَةِ الْعَامَّةِ،

أَفَاتُ الْأُسْرَةِ مِنْ نَاحِيَةِ الزَّوْجِ) بهره برده شد.

ملاک گردآوری آموزه‌ها عبارت بود از: ۱. آموزه‌هایی که درصدد بیان یک وظیفه رفتاری (فقهی، اخلاقی و آداب دینی) و عملی هستند؛ ۲. آموزه‌هایی که به‌صراحت اوامر یا توصیه‌هایی را به مردان دارند (با ضمیر یا فعل‌های مذکر)؛ ۳. آموزه‌هایی که ائمه علیهم‌السلام فرموده‌اند من این‌گونه هستم شما نیز این‌طور باشید؛ ۴. با یک نگاه دقیق، آموزه‌هایی که به مردان برای تعامل با همسرشان داده شده است.

حدود ۳۰۰ روایت گردآوری شد و برخی از آن‌ها به دلیل شناختی بودن، تکراری بودن مفهوم، تعاملی نبودن، مربوط به قبل از ازدواج بودن و گویا و رسا نبودن منظور حذف شدند و تعداد ۱۹۰ آیه و روایت باقی ماند؛ در مورد برخی از آموزه‌ها چند روایت و در مورد برخی یک یا دو روایت وجود داشت. این آموزه‌ها دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل شدند.

۲. متناسب با تجزیه و تحلیل، ۷۸ گویه برای آموزه‌ها طراحی شد؛ اما پس از مشورت با کارشناسان و اِعمال نظر آنان، به دو دلیل حجم گویه‌ها به ۴۸ گویه کاهش یافت: الف) محقق برای هر دسته روایت دو یا سه گویه در نظر گرفته بود تا با مشورت بهترین را انتخاب کند و ب) کوتاهی پرسش‌نامه جزء مزایای آن محسوب می‌شود؛ البته کوتاهی که به مقصود و غرض آسیب نرساند. مستندات همراه با گویه‌ها در قالب دفترچه‌ای برای ارزیابی آماده شدند.

۳. گویه‌ها همراه با مستندات به ۳۰ کارشناس - که در هر دو حوزه علوم اسلامی و روان‌شناسی تخصص داشتند - ارائه شدند. کارشناسان نظر خود را در زمینه میزان مطابقت هر گویه با مستند ذکر شده در یک مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای (خیلی زیاد، زیاد، کم، خیلی کم) اعلام کردند. برای بررسی روایی پرسش‌نامه نیز از روش تطابق کندال استفاده شد.

۴. پس از اِعمال نظر کارشناسان و اصلاح و جایگزین کردن و جابه‌جایی جزئی در گویه‌ها، پرسش‌نامه‌های ۴۰ سؤالی برای اجرای مقدماتی آماده شد. اِعمال نظرات به گونه‌ای صورت گرفت که تأمین‌کننده نظر کارشناسان باشد؛ مثلاً برای رساتر شدن مفهوم گویه فعل‌هایی تغییر داده شد، یا برخی کلمات اضافی (مثل اکثر اوقات، گاهی، همیشه) حذف شد و در برخی موارد برای بهتر شدن مفهوم کلماتی اضافه شد.

۵. بعد از آماده شدن پرسش‌نامه ۴۰ گویه‌ای و گرفتن روایی محتوای آن، برای به دست آوردن اعتبار اولیه، پرسش‌نامه در جامعه ۵۱ نفری، که با جامعه نهایی (معلمان مرد متأهل شهر قم) متناسب بود، اجرا شد. نمره ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۹۹ و نمره ضریب

اسپیرمن - براون و ضریب دونیمه‌سازی گاتمن ۰/۵۶۸ نشان‌دهنده همبستگی پایین گویه‌ها در دونیمه‌سازی است. گویه‌های (۱۸، ۲۸، ۲۹ و ۳۱) به دلیل همبستگی پایین حذف شدند و گویه دیگری یافت نشد که با حذف آن بر اعتبار تست افزوده شود.

۶. در نهایت با ۳۶ گویه و با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵۰ و ضریب اسپیرمن - براون ۰/۷۵۱ و ضریب دونیمه‌سازی گاتمن ۰/۷۴۹، آزمون دارای اعتبار و آماده اجرای نهایی شد. روش گردآوری اطلاعات

پس از انتخاب نمونه پژوهش، آزمون پای‌بندی مردان به آموزه‌های همسرمداری اسلام در جامعه آماری مورد نظر مطابق با حجم نمونه به اجرا درآمد. با توجه به برنگشتن برخی از پرسش‌نامه‌ها و ناقص بودن تعدادی دیگر، ۳۸۳ پرسش‌نامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

### یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش نشان داد که آزمون پای‌بندی مردان به آموزه‌های همسرمداری اسلام از روایی و اعتبار لازم برخوردار است. برای به دست آوردن روایی محتوا از سه شیوه استفاده شد: شیوه اول: تأیید اکثر کارشناسان؛ یعنی برخورداری هر گویه از موافقت دست‌کم ۷ کارشناس. در این پژوهش ۴۰ گویه نمرات ۳ و ۴ (گزینه خیلی زیاد و زیاد) را به خود اختصاص دادند که نشان می‌دهد اکثر کارشناسان گویه‌ها را تأیید کرده‌اند.

شیوه دوم: میانگین نمرات کارشناسان؛ بعد از جمع‌آوری قضاوت داوران، از نظر ۱۱ کارشناس که کامل‌تر بود استفاده شد. نتایج نشان داد که میانگین کل نمرات ۳/۷۱ با انحراف استاندارد ۰/۱۶ است؛ بنابراین، این گویه‌ها از نظر کارشناسان در حد مطلوبی (۹۲ درصد) با مستندات تطبیق دارند.

شیوه سوم: ضریب تطابق کندال؛ ضریب تطابق کندال ۰/۱۶۷ و مقدار خی‌دو ۸۶/۱۰۹ در سطح معناداری ۰/۰۰۱، نشان‌دهنده توافق مناسب و معنادار کارشناسان در مورد تطابق گویه‌های نهایی با مستندات اسلامی است.

### بررسی اعتبار آزمون

برای به دست آوردن اعتبار اولیه، پرسش‌نامه در جامعه ۵۱ نفری، که با جامعه نهایی (معلمان مرد متأهل شهر قم) متناسب بود، اجرا شد و در نهایت با ۴۰ گویه و با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵۰، ضریب اسپیرمن - براون ۰/۷۵۱ و ضریب دونیمه‌سازی گاتمن ۰/۷۴۹ دارای اعتبار و آماده اجرای نهایی شد.

پس از اجرای نهایی آزمون در میان ۳۸۳ نفر از شرکت‌کنندگان، برای سنجش روایی سازه و شناسایی و تعیین عوامل تشکیل‌دهنده مقیاس، از روش تحلیل عاملی استفاده شد. پیش از اجرای تحلیل عوامل، برای اینکه معلوم شود حجم نمونه انتخاب شده متناسب روش تحلیل عاملی است، از آزمون کرویت بارتلت<sup>۱</sup> و کفایت نمونه‌برداری به روش  $KMO^2$  استفاده شد. شاخص کفایت نمونه‌برداری برابر با  $0/۸۴۹$  شد؛ یعنی حجم نمونه قابلیت تحلیل عوامل را دارند. همچنین نتایج آزمون کرویت بارتلت با درجه آزادی  $۶۳۰$  و مجذور خی دو  $۴۴۴۶/۹۸۱$  در سطح  $P < 0/۰۰۰۱$  معنادار است. بنابراین ماتریس همبستگی متغیرها، ماتریس واحدی نیست و می‌توان بر پایه این داده‌ها، به استخراج عامل‌ها اطمینان کرد.

جدول ۱: آزمون بارتلت و کفایت نمونه‌برداری

KMO آزمون کفایت نمونه‌برداری	
$0/۸۴۹$	
$۴۴۴۶,۹۸۱$	خی دو
$۶۳۰$	درجه آزادی
$0/۰۰۰۱$	سطح معناداری

نتایج تحلیل اعتبار جهت مشخص شدن گویه‌های مناسب برای ورود به تحلیل عاملی، نشان داد که با حذف ۴ گویه، اعتبار مقیاس (آلفای کرونباخ) به حداکثر خود خواهد رسید. بررسی میانگین و انحراف استاندارد ۳۶ گویه، همبستگی با نمره کل و تأثیر حذف هر یک از گویه‌ها در آلفای کرونباخ نشان داد که میان گویه‌ها با نمره کل مقیاس همبستگی‌های معناداری در سطح  $P < 0/۰۱$  در دامنه‌های از  $r=0/۱۸۹$  (گویه شماره ۳۵) تا  $r=0/۵۱۱$  (گویه شماره ۳۱) وجود دارد. بعد از حذف ۴ گویه، ضریب آلفای کرونباخ به بیشترین حد خود ( $0/۸۸۱$ ) رسید.

چنان‌که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، ضریب اسپیرمن - براون  $0/۷۵۱$  و ضریب دونیمه‌سازی گاتمن  $0/۷۵۱$  به دست آمده است؛ بنابراین آزمون اعتبار لازم جهت ورود به تحلیل عاملی را دارد.

1. Bartlett,s Test of Sphericity

2. Kaiser-Meyer-Olkin measure of sampling adequacy

## جدول ۲: نتایج مربوط به دونیمه‌سازی ۳۶ گویه جهت برآورد اعتبار در اجرای نهایی (n=۳۸۳)

مقدار		نیمه اول	الفای کرونباخ
۰/۸۲۶	تعداد گویه‌ها		
مقدار		نیمه دوم	
۰/۷۹۵	تعداد گویه‌ها		
مجموع تعداد گویه‌ها		۳۶	
همبستگی بین دو فرم			
تساوی تعداد گویه‌ها		۰/۷۵۱	ضریب اسپیرمن - براون
عدم تساوی تعداد گویه‌ها		۰/۷۵۱	
ضریب دونیمه‌سازی گاتمن			
		۰/۷۵۱	

جهت تعیین و تحلیل عوامل، از تحلیل عاملی اکتشافی به روش «مؤلفه‌های اصلی»، «چرخش واریماکس»<sup>۱</sup> به همراه «بهنجارسازی کایزر»<sup>۲</sup> استفاده شد. در مرحله اول تحلیل عاملی، به منظور تعیین تعداد عامل‌های اصلی، از ملاک ارزش‌های ویژه بزرگ‌تر از ۱ استفاده شد. بر این اساس، برای آزمون پای‌بندی مردان به آموزه‌های اسلامی همسررداری، تعداد ۸ عامل نمایان شد. جدول ۳ نمایانگر گویه‌های هر عامل و بار عاملی آن‌ها است.

## جدول ۳: عوامل ۸ گانه مقیاس پای‌بندی مردان به آموزه‌های اسلامی همسررداری و بار عاملی آنها

بار عاملی	عبارت/ عامل	گویه	ردیف
عامل اول: تعهد و مسؤولیت‌پذیری			
۰/۷۴۱	به خودم اجازه نمی‌دهم دست روی همسرم بلند کنم.	۲۵	۱
۰/۶۹۸	اگر چیزی به همسرم داده باشم بدون رضایتش در آن تصرف نمی‌کنم.	۳۲	۲
۰/۶۷۶	به همسرم نسبت ناروا (ارتباط با غیر خودم) نمی‌دهم.	۲۷	۳
۰/۶۴۹	دوست داشتن همسرم مرا از وظایف دینی باز نمی‌دارد.	۴	۴
۰/۶۳۷	به دلیل شک‌های بی‌جا همسرم را از فعالیت‌های عادی باز نمی‌دارم.	۲۸	۵
۰/۶۲۶	از همسرم مسؤولیتی بیش از توانش تقاضا نمی‌کنم.	۱۰	۶
۰/۵۸۴	کارهای بیرون را برعهده همسرم نمی‌گذارم.	۱۹	۷
۰/۵۸۱	همسرم را ناراحت نمی‌کنم و او را بر چیزی که دوست نمی‌دارد اجبار نمی‌نمایم.	۲۴	۸

**عامل دوم: ارتباطی**

۹	۶	با چهره شاد و گشاده با همسرم برخورد می‌کنم.	۰/۷۷۶
۱۰	۷	با همسرم با ملاحظت و مهربانی برخورد می‌کنم.	۰/۷۶۰
۱۱	۸	به‌ترین رفتارهایم را در برخورد با همسرم دارم.	۰/۶۸۱
۱۲	۵	همسرم مرا شوهر خوش‌برخوردی می‌داند.	۰/۶۷۵
۱۳	۲	با محبت و عشق به همسرم نگاه می‌کنم.	۰/۶۴۱
۱۴	۱	برای جلب محبت همسرم به او می‌گویم دوستت دارم.	۰/۵۸۷
۱۵	۱۱	هنگام ورود به خانه به همسرم سلام می‌کنم.	۰/۴۹۸
۱۶	۲۱	به خاطر همسرم نظافت شخصی خود (حمام کردن، اصلاح سر و صورت، مسواک زدن، اتو کردن لباس) را رعایت می‌کنم.	۰/۳۰۱

**عامل سوم: امور مالی**

۱۷	۳۳	غذا و سایر خوردنی‌ها را متناسب با شأن همسرم تهیه می‌کنم.	۰/۷۶۷
۱۸	۲۹	احتیاجات همسرم را به‌گونه‌ای برطرف می‌کنم که از دیگران بی‌نیاز باشد.	۰/۶۳۲
۱۹	۳۰	در اداره زندگی خانوادگی فرد دست و دلبازی هستم.	۰/۵۸۹
۲۰	۳۴	لباس‌های متناسبی را برای همسرم تهیه می‌کنم.	۰/۴۹۲
۲۱	۳۱	در امور مالی بر زن و فرزندانم سخت‌گیری نمی‌کنم.	۰/۳۴۸

**عامل چهارم: تمرکز / توجه هیجانی**

۲۲	۲۶	برای ایجاد آمادگی قبل از رابطه جنسی، از بوسه و مزاح کمک می‌گیرم.	۰/۶۳۹
۲۳	۱۶	روزهای تعطیل (جمعه‌ها) بیش از روزهای دیگر همسرم را خوشحال می‌کنم.	۰/۵۴۰
۲۴	۱۵	ترجیح می‌دهم غذا را در خانه با همسرم بخورم.	۰/۴۲۹
۲۵	۲۲	به خاطر همسرم از خوشبوکننده‌ها استفاده می‌کنم.	۰/۳۲۳

**عامل پنجم: همدلی فعال**

۲۶	۱۸	در کارهای خانه به همسرم کمک می‌کنم.	۰/۶۲۹
۲۷	۳	وقتی می‌خواهم آب بنوشم لیوان آبی را هم برای همسرم می‌آورم.	۰/۴۶۰
۲۸	۹	وقتی حرف می‌زند، به سخن او به خوبی گوش می‌دهم.	۰/۴۲۵
۲۹	۲۳	رفتارهایی که باعث رنجش و آزار همسرم می‌شود را انجام نمی‌دهم.	۰/۴۹۵
۳۰	۱۴	سعی می‌کنم با همسرم بنشینم و با او حرف بزنم.	۰/۳۸۱

**عامل ششم: هدیه‌دادن**

۳۱	۱۲	زمان برگشت از مسافرت، برای همسرم هدیه‌ای (هرچند ناچیز) می‌آورم.	۰/۶۴۸
----	----	---	-------

۰/۵۹۳	از هدیه دادن به همسر در مناسبت‌های مختلف (تولد، سالگرد ازدواج) دریغ نمی‌کنم.	۱۳	۳۲
<b>عامل هفتم: خوش‌بینی و گذشت</b>			
۰/۷۵۹	از خطاهای همسر به راحتی چشم‌پوشی می‌کنم.	۲۰	۳۳
۰/۶۸۲	هر غذایی را که همسر درست کند بدون اعتراض می‌خورم.	۱۷	۳۴
<b>عامل هشتم: رشد دینی</b>			
۰/۸۰۴	هرگاه برای نماز از خواب بلند شوم، همسر را نیز بیدار می‌کنم.	۳۵	۳۵
۰/۵۱۱	همسر را به انجام واجبات امر و از ارتکاب محرمات نهی می‌کنم.	۳۶	۳۶

همان‌گونه که در جدول ۳ مشخص است، بار عاملی گویه‌ها در طیفی بین ۰/۸۰۴ تا ۰/۳۰۱ قرار دارد و نمایانگر ۸ عامل است. عامل اول تعهد و مسؤلیت‌پذیری است که ۸ گویه را به خود اختصاص داده و بار عاملی آن‌ها در دامنه ۰/۷۴۱ تا ۰/۵۸۱ قرار دارد. عامل دوم ارتباطی است که ۸ گویه را به خود اختصاص داده و بار عاملی‌ای بین ۰/۷۷۶ تا ۰/۳۰۱ دارد. عامل سوم امور مالی است که ۵ گویه دارد و دامنه بار عاملی گویه‌های آن از ۰/۷۶۷ تا ۰/۳۴۸ است. عامل چهارم تمرکز/ توجه هیجانی است که ۴ گویه را به خود اختصاص داده و دامنه بار عاملی گویه‌های آن از ۰/۶۳۹ تا ۰/۳۲۳ است. عامل پنجم همدلی فعال است با ۵ گویه و دامنه بار عاملی گویه‌های آن از ۰/۶۲۹ تا ۰/۳۸۱ است. عامل ششم هدیه دادن است که ۲ گویه دارد و بار عاملی گویه‌های آن ۰/۶۴۸ و ۰/۵۹۳ است. عامل هفتم خوش‌بینی و گذشت است که ۲ گویه دارد. بار عاملی گویه‌های این عامل ۰/۷۵۹ و ۰/۶۸۲ است. عامل هشتم رشد دینی با ۲ گویه است. بار عاملی گویه‌های این عامل ۰/۸۰۴ و ۰/۵۱۱ است.

همچنین رابطه بین عوامل با یکدیگر و با کل مقیاس مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول زیر گزارش شده است.



جدول ۴: همبستگی بین عوامل مقیاس و کل مقیاس

عوامل	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱. تعهد و مسؤولیت پذیری	۱							
۲. ارتباطی	۰.۱۹۰**	۱						
۳. امور مالی	۰.۳۶۰**	۰.۳۹۶**	۱					
۴. تمرکز/توجه هیجانی	۰.۱۷۸**	۰.۵۵۹**	۰.۴۵۰**	۱				
۵. همدلی فعال	۰.۳۰۷**	۰.۵۳۷**	۰.۴۰۴**	۰.۴۹۴**	۱			
۶. هدیه دادن	۰.۲۵۶**	۰.۴۲۶**	۰.۳۶۳**	۰.۳۵۰**	۰.۴۴۸**	۱		
۷. خوش بینی و گذشت	۰.۰۹۵	۰.۲۶۹**	۰.۲۱۷**	۰.۲۷۵**	۰.۲۴۷**	۰.۱۴۸**	۱	
۸. رشد دینی	۰.۱۷۷**	۰.۲۳۴**	۰.۲۶۴**	۰.۲۵۲**	۰.۲۱۱**	۰.۱۲۰**	۰.۱۴۷**	۱
کل مقیاس	۰.۷۱۶**	۰.۷۱۰**	۰.۶۷۴**	۰.۶۴۱**	۰.۷۰۸**	۰.۵۷۲**	۰.۳۴۶**	۰.۳۸۵**

\*\* P &lt; ۰/۰۱؛ \* P &lt; ۰/۰۵

نتایج جدول ۴ نشان دهنده رابطه نسبتاً قوی نمرات عامل ها با کل مقیاس است. همبستگی عامل ها با یکدیگر کم تر از همبستگی عامل ها با کل مقیاس است، که نشان دهنده استقلال عامل ها از یکدیگر و پایایی پرسش نامه است.

### بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر، ساخت اعتباریابی و روایی سنجی پرسش نامه پای بندی مردان به آموزه های اسلامی همسررداری بود. گویه های این پرسش نامه بر اساس آموزه های اسلامی طراحی شد که با مواد مقیاس رضایتمندی زناشویی اسلامی (جدیری و جان بزرگی، ۱۳۸۸) و مقیاس کارآمدی خانواده (صفورایی، ۱۳۸۸) در برخی مؤلفه ها همسو است، با این تفاوت که پرسش نامه حاضر به اصل تفاوت های زن و مرد توجه داشته و آموزه های مشترک را در نظر نگرفته است، بلکه موضوع آن به طور خاص و جزئی، پای بندی مردان به آموزه های اسلامی همسررداری است. نتایج روایی محتوایی که کارشناسان اسلامی و روان شناسی اعلام کردند نشان داد که گویه ها از نظر کارشناسان در حد مطلوبی با مستندات تطبیق دارند. همچنین ضریب تطابق کندال و مقدار خی دو نشان دهنده توافق مناسب و معنادار کارشناسان در مورد تطابق گویه های نهایی با مستندات اسلامی است.

در روایی سازه به روش تحلیل عاملی، شاخص کفایت نمونه برداری نشان داد که حجم

نمونه برای تحلیل عاملی مناسب است. همچنین معنادار بودن آزمون کرویت بارلت حاکی از این است که ماتریس همبستگی داده‌ها برای تحلیل عاملی اطلاعات معناداری دارد. در روایی سازه به روش همسانی درونی، همبستگی هر کدام از سؤالات پرسش‌نامه با نمره کل پرسش‌نامه معنادار است و همچنین بین هر کدام از عامل‌ها و کل پرسش‌نامه همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. به منظور تعیین تعداد عامل‌ها چرخش متعامد به شیوه واریماکس و تحلیل عاملی اکتشافی بر روی آن‌ها اجرا شد. به منظور تعیین تعداد عامل‌های اصلی نیز از ملاک ارزش‌های ویژه بزرگ‌تر از ۱ استفاده شد. بر این اساس، برای آزمون پای‌بندی مردان به آموزه‌های اسلامی همسرداری، تعداد ۸ عامل نمایان شد که عبارت‌اند از: ۱. تعهد و مسؤولیت‌پذیری؛ ۲. ارتباطی؛ ۳. امور مالی؛ ۴. تمرکز/توجه هیجانی؛ ۵. همدلی فعال؛ ۶. هدیه دادن؛ ۷. خوش‌بینی و گذشت و ۸. رشد دینی.

در اعتبار پرسش‌نامه ضریب آلفای کرونباخ در مرحله آزمایشی و نهایی به ترتیب ۰/۸۵۰ و ۰/۸۸۱ است. ضریب اسپیرمن - براون در مرحله آزمایشی ۰/۷۵۱ و در مرحله نهایی ۰/۷۵۱ و میزان همسانی درونی بر اساس ضریب دونیمه‌سازی گاتمن در مرحله آزمایشی ۰/۷۴۹ و در مرحله نهایی ۰/۷۵۱ است. بنابراین، پرسش‌نامه پای‌بندی مردان به آموزه‌های اسلامی همسرداری از روایی و اعتبار لازم برخوردار است.

**محدودیت‌ها و پیشنهادات:** محدود بودن جامعه آماری به مردان معلم متأهل شهر قم، همکاری پایین مردان (به‌ویژه معلمان) در تکمیل پرسش‌نامه و نبود ابزاری دیگر در این قلمرو و به تبع انجام نشدن روایی ملاکی از محدودیت‌های این پژوهش به حساب می‌آید. پیشنهاد می‌شود، به منظور تبیین دقیق‌تر، نمونه‌گیری در سطحی وسیع‌تر (استان‌های دیگر، مشاغل و گروه‌های مختلف شغلی و در سطوح مختلف تحصیلی) به اجرا درآید. بسته‌ای جامع از آموزه‌های اسلامی همسرداری به مردان تهیه شود و نتایج آن به صورت طرح‌های آزمایشی و مداخله‌ای مورد بررسی قرار گیرد و با متغیرهای مختلف سنجیده شود.

## منابع

- افروز، غلامعلی (۱۳۸۹)، *میانی روان‌شناختی تحکیم خانواده در غربت*، تهران: دانشگاه تهران.
- آرزو، سراج‌الدین علی‌خان (۱۴۰۱ق)، *تنبیه الغافلین*، لاهور: دانشگاه پنجاب.
- آهنکوبنژاد، محمدرضا (۱۳۸۸)، «مطالعه میزان پای‌بندی دینی جوانان شهر اهواز»، *پژوهش جوانان فرهنگ و جامعه*، شماره ۳، ۱-۲۴.

- بروجردی، آقا حسین (۱۳۸۶)، جامع *أحدیث الشیعة*، تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۶)، *روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، تهران: دوران.
- پناهی، علی احمد (۱۳۸۹)، «نقش التزام به آموزه‌های دینی در تربیت و استحکام خانواده»، *معرفت/اخلاقی*، سال اول، شماره ۲، ۷۷-۹۶.
- جدیری، جعفر (۱۳۸۷)، *بررسی رابطه رضامندی زناشویی بر اساس معیارهای دینی با ثبات هیجانی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) قم.
- حر عاملی (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعة*، ۲۹ جلد، قم: مؤسسه آل‌البتیة.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق)، *هدایة الامة الی احکام الائمة*، مشهد: مجمع‌البحوث الاسلامیه.
- حسن زاده، رمضان (۱۳۸۲)، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران: ساوالان.
- حیدری، سیدحسین (۱۳۹۳)، *رابطه پای‌بندی مردان به آموزه‌های همسرداری اسلام با رضامندی زناشویی و کارآمدی خانواده*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) قم.
- دلاور، علی (۱۳۸۴)، *احتمالات و آمار کاربردی در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، تهران: رشد.
- دلاور، علی (۱۳۸۷)، *روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، تهران: ویرایش.
- دلاور، علی و زهراکار، کیانوش (۱۳۹۲)، *سنجش و اندازه‌گیری در روان‌شناسی*، مشاوره و علوم تربیتی، تهران: ارسباران.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۸۷)، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران: آگاه.
- قدوسی، سید ابوالفضل (۱۳۹۳)، *رابطه پای‌بندی زنان به آموزه‌های همسرداری اسلام با تعارضات زناشویی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- شریعتمداری، مهدی (۱۳۸۸)، *تحقیق و پژوهش در علوم رفتاری*، تهران: کوهسار.
- صفوراویی پاریزی، محمدمهدی (۱۳۸۸)، *شاخص‌های خانواده کارآمد از دیدگاه اسلام و ساخت پرسش‌نامه آن*، رساله دکتری، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) قم.
- کاشف‌الغطا، محمدرحیم (بی‌تا)، *الفردوس الاعلی*، نجف.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، *اصول الکافی*، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- متقی‌الهندی، علاء‌الدین (۱۴۰۹ق)، *کنز العمال*، بیروت: انتشارات مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۷)، *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث*، قم: مشعر.
- نوری، حسین (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل*، قم: انتشارات مؤسسه آل‌البتیة.

هراتیان، عباس‌علی (۱۳۹۳)، *رابطه روان‌بنده‌های ناسازگار اولیه و باورهای غیرمنطقی با تعارض زناشویی*، با توجه به پای‌بندی مذهبی زوجین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) قم.

Anthony, M.J. (1993), "The Relationship between Marital Satisfaction and Religious Maturity", *Religious Education Journal*, 88 (1), 97-108.

Burchinal, L.G. (1957), "Marital Satisfaction and Religious Behavior", *American Sociological Review*, 22, 306-310.

Dudley, M.G. and Kosinski, F.A., Jr. (1990), "Religiosity and Marital Satisfaction: A Research Note", *Review of Religious Research*, 32, 78-86.

Ellison, C.G., Gay, D.A., and Glass, T.A. (1989), "Does Religious Commitment Contribute to Individual Life Satisfaction?", *Journal of Social Forces*, 68, 100-123.

Fiese, B.H., and Tomcho, T.J. (2001), "Finding Meaning in Religious Practices: The Relation between Religious Holiday Rituals and Marital Satisfaction", *Journal of Family Psychology*, 15 (4), 597-609.

Filsinger, E.E. and Wilson, M.R. (1984), "Religiosity, Socioeconomic Rewards, and Family Development: Predictors of Marital Adjustment", *Journal of Marriage and the Family*, 46, 663-670

Giblin, P.R. (1997), "Marital Spirituality: A Quantitative Study", *Journal of Religion and Health*, 36, 321-332.

Gruner, L. (1985), "The Correlation of Private, Religious Devotional Practices and Marital Adjustment", *Journal of Comparative Family Studies*, 16, 47-59.

Hunt, R.A. and King, M.B. (1978), "Religiosity and Marriage", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 17, 399-406.

Marsh, R., and Dallos, R. (2001), "Roman Catholic Couples: Wrath and Religion", *Journal of Family Process*, 40 (3), 343-60.

Pollner, M. (1989), "Divine relations, Social Relations, and Well-being", *Journal of Health and Social Behavior*, 30, 92-104.

Roth, P.D. (1988), "Spiritual Well-being and Marital Adjustment", *Journal of Psychology and Theology*, 16, 153-158.

Snow, T.S. and Compton, W.C. (1996), "Marital Satisfaction and Communication in Fundamentalist Protestant Marriages", *Journal of Psychology Reports*, 78, 979-985.

## نقش واسطه‌ای هدف در زندگی در رابطه جهت‌گیری دینی با شادی و رضایت از زندگی

### The Intermediary Role of Purpose in Life in Relationship between Religious Orientation and Satisfaction in Life

✍ ناصر آقابابائی / دکترای روان‌شناسی عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی

Naser Aqa Babaie / PhD of General Psychology, ATU. naseragha@gmail.com

#### Abstract

The present study aims at investigating the intermediary role of purpose in life in relationship between religious orientation and subjective well-being. 399 university students answered the questionnaires on the scale of subjective well-being, scale of life satisfaction, revised scale of religious orientation, and modified test on purpose in life. The study is of correlation type and makes use of methods such as correlation coefficient, regression, and Sobel test to analyze the findings. The findings show that the relationship of religious standards with happiness and life satisfaction are positive and meaningful. These relations are stronger with life satisfaction and purpose in life. The relationship between purpose in life and religious variables and subjective well-being is positive, and the intermediary role of purpose in life in relationship

#### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای هدف در زندگی در رابطه جهت‌گیری دینی با بهزیستی فاعلی انجام شد. ۳۹۹ دانشجوی به‌مقیاس شادی فاعلی، مقیاس رضایت از زندگی، مقیاس تجدید نظر شده جهت‌گیری دینی و آزمون اصلاح شده هدف در زندگی پاسخ دادند. این پژوهش از نوع همبستگی است و از روش‌هایی چون ضریب همبستگی، رگرسیون و آزمون سوبل برای تحلیل یافته‌ها استفاده شد. یافته‌ها نشان داد روابط شاخص‌های دینداری با شادی و رضایت از زندگی مثبت و معنادار بود. این روابط در مورد رضایت از زندگی و هدف در زندگی نیرومندتر بود. رابطه هدف در زندگی با متغیرهای دینی و بهزیستی فاعلی مثبت بود و نقش واسطه‌ای هدف در زندگی در رابطه با جهت‌گیری دینی با شاخص‌های بهزیستی تأیید شد. پژوهش حاضر به شناخت رابطه دینداری با بهزیستی و سلامت روانی کمک می‌کند و

between religious orientation and well-being standards is verified. The present study helps identify the relationship between piety and psychological well-being and health. It also introduces some mechanisms for future studies.

**Keywords:** religion, religious orientation, subjective well-being, purpose in life.

راهکارهایی برای پژوهش‌های آینده در اختیار می‌گذارد.

**کلیدواژه‌ها:** دین، جهت‌گیری دینی، بهزیستی فاعلی، هدف در زندگی.

## مقدمه

یکی از مهم‌ترین عناصر زندگی مردم در همه فرهنگ‌ها بهزیستی فاعلی<sup>۱</sup> است؛ از همین رو دانشمندان می‌کوشند عامل‌های پرورش آن را بیابند. بهزیستی فاعلی به ارزیابی عاطفی و شناختی افراد از خود و زندگی‌شان اشاره می‌کند و شامل تجربه کردن هیجان‌های دلپذیر، رضایت زندگی بالا و سطح پایین خلق منفی است (دینر<sup>۲</sup>، امونز<sup>۳</sup>، لارسن<sup>۴</sup> و گرین<sup>۵</sup>، ۱۹۸۵). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افراد دارای سطوح بالای بهزیستی در ابعاد مختلف زندگی موفق‌ترند (لیوبومرسکی<sup>۶</sup>، کینگ<sup>۷</sup> و دینر، ۲۰۰۵). بنابراین برای یک جامعه پویا و خواهان پیشرفت، پرداختن به موضوع بهزیستی و مطالعه همبسته‌ها و پیشایندهای آن مسأله‌ای حیاتی است.

دین از آغاز پیدایش علم روان‌شناسی با آن قرین بوده است. این تاریخچه با مناقشه‌ای درباره نقش دین در بهزیستی فرد و جامعه همراه است. محور نزاع یادشده، که تا امروز ادامه دارد، این مسأله است: آیا دین در سلامت روان‌شناختی سهیم است یا مانع آن می‌شود؟ فارغ از تنازعات نظری، پژوهش‌ها رابطه بهزیستی را با گستره وسیعی از متغیرهای دینی، همچون جهت‌گیری دینی (سلسمن<sup>۸</sup>، براون<sup>۹</sup>، برچینگ<sup>۱۰</sup> و کارلسن<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۵)، نگرش به

1. subjective well-being  
2. Diener, E.  
3. Emmons, R.A.  
4. Larsen, R.J.

5. Griffin, S.  
6. Lyubomirsky, S.  
7. King, L.  
8. Salsman, J.M.

9. Brown, T.L.  
10. Brechting, E.H.  
11. Carlson, C.R.

دین (فرانسیس<sup>۱</sup>، زیبرتس<sup>۲</sup> و لويس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳)، حضور در تشریفات و مراسم دینی (فريس<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲)، فعالیت‌های دینی (قمری، ۱۳۸۹)، مقابله مذهبی (لويس، مالتبی<sup>۵</sup> و دی<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵)، باور دینی (دزوتر<sup>۷</sup>، سوننز<sup>۸</sup> و هاتسبات<sup>۹</sup>، ۲۰۰۶) تعهد دینی (هیكس<sup>۱۰</sup> و کینگ<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۸)، علاقه به دین (آقابابای<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۴)، دعا (پولوما<sup>۱۳</sup> و پندلتون<sup>۱۴</sup>، ۱۹۸۹)، مناسک حج (احمدی و هراتیان، ۱۳۹۱)، قدردانی از خدا (رزماریان<sup>۱۵</sup>، پیروتینسکی<sup>۱۶</sup>، کوهن<sup>۱۷</sup>، گالر<sup>۱۸</sup> و کرومری<sup>۱۹</sup>، ۲۰۱۱)، اهمیت خدا در زندگی (اسنوپ<sup>۲۰</sup>، ۲۰۰۸)، تجربه دینی (هیلز<sup>۲۱</sup> و آرگایل<sup>۲۲</sup>، ۱۹۹۸) و تردید دینی (گوتیر<sup>۲۳</sup>، کریستوفر<sup>۲۴</sup>، والتر<sup>۲۵</sup>، موراد<sup>۲۶</sup> و مارک<sup>۲۷</sup>، ۲۰۰۶) بررسی کرده‌اند. بیشتر پژوهش‌ها رابطه دینداری با رضایت از زندگی، شادی و حرمت خود را مثبت گزارش کرده‌اند؛ گرچه برخی از پژوهش‌ها رابطه معناداری نیافتند (مانند اسنوپ، ۲۰۰۸؛ فرانسیس، الکن<sup>۲۸</sup> و رایبیز<sup>۲۹</sup>، ۲۰۱۲؛ لويس، ۲۰۰۲؛ لويس، مالتبی و برکینشا<sup>۳۰</sup>، ۲۰۰۰ و هولدر<sup>۳۱</sup>، کولمن<sup>۳۲</sup> و والیس<sup>۳۳</sup>، ۲۰۱۰) یا حتی رابطه منفی میان دینداری و بهزیستی به دست آورده‌اند (مانند براون<sup>۳۴</sup> و تیرنی<sup>۳۵</sup>، ۲۰۰۹؛ سیلیک<sup>۳۶</sup> و کتکارت<sup>۳۷</sup>، ۲۰۱۴ و هیلز و آرگایل، ۱۹۹۸). این نتایج ناپایدار تابعی از شیوه عملیاتی کردن دینداری و سلامت روانی است (دزوتر و دیگران، ۲۰۰۶ و سلسمن و دیگران، ۲۰۰۵).

گفته شده است که جهت‌گیری دینی (در مقایسه با اشتغال دینی) نقش مهم‌تری در سلامت و بهزیستی دارد. جهت‌گیری‌های دینی، در مقایسه با جنبه‌های نسبتاً سطحی اشتغال دینی، نشان‌دهنده ویژگی‌های ریشه‌داری هستند که از عامل‌های بافتاری کمتر اثر می‌پذیرند و شاخص بهتری برای کارکرد عمومی فرد هستند (دزوتر و دیگران، ۲۰۰۶). جهت‌گیری دینی پایدارترین مفهوم دینی در روان‌شناسی دین است (کراوس<sup>۳۸</sup> و هود<sup>۳۹</sup>، ۲۰۱۳). آلپورت دو نوع دینداری را معرفی کرد: درونی<sup>۴۰</sup> و بیرونی<sup>۴۱</sup>، فردی که دین را هدف و مؤلفه اصلی هویت خود می‌بیند دارای جهت‌گیری درونی است و فردی که دین

- |                  |                     |                       |                   |
|------------------|---------------------|-----------------------|-------------------|
| 1. Francis, L.J. | 12. Aghababaei, N.  | 23. Gauthier, K.J.    | 34. Brown, P.H.   |
| 2. Ziebertz, H.  | 13. Poloma, M.M.    | 24. Christopher, A.N. | 35. Tierney, B.   |
| 3. Lewis, C.A.   | 14. Pendleton, B.F. | 25. Walter, M.I.      | 36. Sillick, W.J. |
| 4. Ferriss, A.L. | 15. Rosmarin, D.H.  | 26. Mourad, R.        | 37. Cathcart, S.  |
| 5. Maltby, J.    | 16. Pirutinsky, S.  | 27. Marek, P.         | 38. Krauss, S.W.  |
| 6. Day, L.       | 17. Cohen, A.B.     | 28. Elken, A.         | 39. Hood, R.W.Jr. |
| 7. Dezutter, J.  | 18. Galler, Y.      | 29. Robbins, M.       | 40. intrinsic     |
| 8. Soenens, B.   | 19. Krumrei, E.J.   | 30. Burkinshaw, S.    | 41. extrinsic     |
| 9. Hutsebaut, D. | 20. Snoep, L.       | 31. Holder, M.D.      |                   |
| 10. Hicks, J.A.  | 21. Hills, P.       | 32. Coleman, B.       |                   |
| 11. King, L.A.   | 22. Argyle, M.      | 33. Wallace, J.M.     |                   |

را وسیله‌ای برای دستیابی به هدف‌های دیگر می‌بیند، جهت‌گیری برونی دارد (آپورت<sup>۱</sup> و راس<sup>۲</sup>، ۱۹۶۷). طبق الگوی آپورت، بعد درونی باید بهتر پیش‌بینی بکند که افراد طبق باورها و ارزش‌های دینی‌شان عمل خواهند کرد یا نه. آپورت دینداری درونی را سالم‌تر از دینداری برونی قلمداد می‌کرد.

بیشتر پژوهش‌ها از گزارش رابطه دینداری با بهزیستی و سلامت روانی فراتر نرفته‌اند و از توضیح چگونگی تأثیر دین در بهزیستی و سلامت روانی وامانده‌اند. واری متغیرهایی که بتوانند در این باره نقش میانجی یا واسطه داشته باشند گامی رو به جلو در تدوین الگویی برای اثربخشی دین در سلامت روانی و بهزیستی است. به نظر می‌رسد معنا یا هدف در زندگی<sup>۳</sup> مهم‌ترین سازه‌ای است که می‌تواند میانجی رابطه دین با بهزیستی در نظر گرفته شود. از یک سو گفته شده است که یکی از ارمان‌های دین برای مردم هدف در زندگی است (فرانسیس، جول<sup>۴</sup> و رایینز، ۲۰۱۰) و از سوی دیگر، هدف در زندگی رابطه نیرومندی با بهزیستی فاعلی دارد (فرانسیس و دیگران، ۲۰۱۰). فرانکل<sup>۵</sup> (۱۹۵۸) به نقل از کرومبا<sup>۶</sup> و ماهولیک<sup>۷</sup> (۱۹۶۴) می‌گوید: «بنیان انگیزش انسان عبارت است از خواستن معنا<sup>۸</sup>. هنگامی که معنا یافت نشود، فرد دچار سرخوردگی هستی‌شناختی می‌شود. این حالت به نوبه خود، بسته به وجود دیگر عوامل پویا، ممکن است به آسیب‌شناسی بینجامد یا نینجامد». به گفته فیلسوف<sup>۹</sup> هستی‌گرا، تیلیش<sup>۹</sup> (۱۹۵۲) به نقل از فرانسیس و دیگران، (۲۰۱۰)، «هدف در زندگی بخش مهمی از جوهره دین است».

بیشتر کارهای اولیه رابطه این معنا یا هدف در زندگی را با آسیب‌شناسی روانی بررسی کرده‌اند (مانند کرومبا و ماهولیک، ۱۹۶۴)؛ اما پژوهش‌های اخیر بر رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا متمرکز شده‌اند تا همبسته‌های مثبت آن را شناسایی کنند. این پژوهش‌ها نشان داده‌اند که هدف در زندگی رابطه‌ای نیرومند با عاطفه مثبت و رضایت از زندگی دارد (آردلت<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۳؛ استگر<sup>۱۱</sup>، فریزر<sup>۱۲</sup>، اویشی<sup>۱۳</sup> و کالر<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۶؛ برد<sup>۱۵</sup>، هاگمان<sup>۱۶</sup> و بل‌ایل<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۷ و شولنبرگ<sup>۱۸</sup>، اشنتز<sup>۱۹</sup> و بوخنان<sup>۲۰</sup>، ۲۰۱۱). سیلیک و کتکارت (۲۰۱۴) نقش واسطه‌ای هدف در زندگی را

1. Allport, G.W.

2. Ross, M.

3. meaning or purpose in life

4. Jewell, A.

5. Frankl, V.

6. Crumbaugh, J.

7. Maholick, L.

8. will to meaning

9. Tillich, P.

10. Ardel, M.

11. Steger, M.F.

12. Frazier, P.

13. Oishi, S.

14. Kaler, M.

15. Byrd, K.R.

16. Hageman, A.

17. Belle Isle, D.

18. Schulenberg, S.E.

19. Schnetzer, L.W.

20. Buchanan, E.M.



در رابطه جهت‌گیری دینی با شادی آزمودند و این رابطه را تأیید کردند؛ اما بر خلاف انتظار، دینداری درونی از طریق هدف در زندگی، نمره پایین در شادی را پیش‌بینی کرد، در حالی که دینداری برونی نمره بالا در شادی را پیش‌بینی نمود. محدودیت پژوهش آنان، استفاده از پرسش‌نامه شادی آکسفورد<sup>۱</sup> در گروهی از دانشجویان استرالیا بود. به گفته کشدان<sup>۲</sup> (۲۰۰۴)، پرسش‌نامه یادشده مقیاسی نامعتبر برای سنجش شادی یا بهزیستی فاعلی است. آقابابایی و بلچنیو<sup>۳</sup> (۲۰۱۴) با استفاده از مقیاس‌های معتبر بهزیستی فاعلی (مقیاس رضایت از زندگی<sup>۴</sup> و مقیاس شادی فاعلی<sup>۵</sup>) در میان جمعی از دانشجویان کاتولیک لهستانی، نشان دادند که دینداری درونی از طریق هدف در زندگی به خوبی می‌تواند نمره‌های بالا در شادی و رضایت از زندگی را پیش‌بینی کند. کشدان و نزلک<sup>۶</sup> (۲۰۱۲) نیز نقش واسطه‌ای هدف در زندگی را در رابطه معنویت با حرمت خود و عاطفه مثبت تأیید کردند.

هدف پژوهش حاضر نیز بررسی تعمیم‌پذیری این یافته‌ها در جامعه مسلمان ایران است. با توجه به پیشینه و ادبیات پژوهشی که مرور شد، این پژوهش فرض می‌گیرد که دینداری، از طریق هدف در زندگی، شاخص‌های بهزیستی فاعلی را در میان آزمودنی‌های مسلمان ایرانی نیز پیش‌بینی می‌کند.

## روش پژوهش

این پژوهش به روش همبستگی است و برای تحلیل داده‌ها از نسخه شانزدهم نرم افزار «اس پی اس اس»<sup>۷</sup> و شاخص‌ها و روش‌های آماری، همچون ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون و آزمون سوبل، استفاده شد.

جامعه پژوهش شامل دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه پیام نور بود. نمونه پژوهش مشتمل بر ۳۹۹ دانشجو، ۲۵۸ زن و ۱۴۱ مرد، بود که به صورت در دسترس گزینش شدند. با توجه به تعداد متغیرهای پژوهش، حجم نمونه بسنده است. میانگین سنی نمونه برابر با ۲۲/۵۶ سال با انحراف استاندارد ۵/۱۸ و دامنه ۱۸ تا ۵۵ سال بود. ۸۰/۲ درصد از شرکت‌کنندگان مجرد و همه آنان مسلمان بودند. آزمودنی‌ها در محیط کلاس درس، به صورت گروهی به پرسش‌نامه‌های پژوهش پاسخ دادند.

1. Oxford Happiness Questionnaire  
2. Kashdan, T.B.  
3. Błachnio, A.  
4. satisfaction with life scale

5. subjective happiness scale  
6. Nezlek, J.B.  
7. sciences statistical package for the social (SPSS)

## ابزارهای پژوهش

۱. **مقیاس شادی فاعلی:** لیوبومرسکی و لپر<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) این مقیاس ۴ گویه‌ای را برای اندازه‌گیری شادی ساخته‌اند. دو گویه نخست آن از پاسخ‌دهنده می‌خواهد که شادی خود را ابتدا به صورت مستقل و بعد در مقایسه با همگنان خود درجه‌بندی کند. گویه‌های سه و چهار به ترتیب افراد شاد و غمگین را توصیف می‌کنند و از پاسخ‌دهنده می‌پرسند که این اوصاف چه اندازه درباره او درست هستند. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس از ۰/۷۹ تا ۰/۹۴ گزارش شده است (لیوبومرسکی و لپر، ۱۹۹۹ و هولدر و دیگران، ۲۰۱۰). ضریب آلفای کرونباخ نسخه فارسی مقیاس برابر با ۰/۷۶ و همبستگی آن با مقیاس رضایت از زندگی از ۰/۴۳ تا ۰/۴۹ گزارش شده است (آقابابایی، فراهانی، رحیمی‌نژاد و فاضلی مهرآبادی، ۱۳۸۸). شرکت‌کنندگان به یک مقیاس هفت درجه‌ای لیکرت پاسخ دادند.

۲. **مقیاس رضایت از زندگی:** این مقیاس که دارای ۵ گویه و تک عاملی است، برای سنجش بُعد شناختی بهزیستی فاعلی ساخته شده و از پرکاربردترین ابزارها در زمینه رضایت از زندگی است. پایایی بازآزمایی این مقیاس با فاصله دو ماه برابر با ۰/۸۲ و پایایی درونی آن با روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۷ به دست آمده است (دینر و دیگران، ۱۹۸۵). بیانی، کوچکی و گودرزی (۱۳۸۶) اعتبار این مقیاس را با روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۳ و با روش بازآزمایی برابر با ۰/۶۹ گزارش کرده‌اند. به گفته کشدان (۲۰۰۴) برای سنجش بهزیستی فاعلی، آزمون‌هایی چون مقیاس شادی فاعلی و مقیاس رضایت از زندگی، از مناسب‌ترین مقیاس‌ها هستند؛ چراکه کوتاه، مبتنی بر نظریه و فارغ از فشار زمانی‌اند و ویژگی‌های روان‌سنجی خوبی دارند. شرکت‌کنندگان به یک مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت پاسخ دادند.

۳. **مقیاس تجدید نظر شده جهت‌گیری دینی:** گورساج<sup>۲</sup> و مک‌فرسون<sup>۳</sup> (۱۹۸۹) این پرسش‌نامه ۱۴ گویه‌ای را برای سنجش انواع جهت‌گیری دینی ساخته‌اند. این مقیاس که برگرفته از مقیاس آلپورت و راس (۱۹۶۷) است، دینداری را در چارچوب جهت‌گیری دینی درونی، برونی فردی<sup>۵</sup> و برونی اجتماعی<sup>۶</sup> می‌سنجد. پایایی این پرسش‌نامه مناسب و قابل مقایسه با مقیاس اصلی است. این پرسش‌نامه، قابلیت کاربرد در افراد با سطوح مختلف تحصیلی را دارد. پایایی درونی خرده‌مقیاس‌های آن با روش آلفای کرونباخ در ایالات متحده

1. Lepper, H.S.

2. religious orientation scale-revised

3. Gorsuch, R.L.

4. McPherson, S.E.

5. extrinsic-personal

6. extrinsic-social

از ۰/۵۹ تا ۰/۸۴ و در ایران از ۰/۶۵ تا ۰/۷۴ به دست آمد (قربانی<sup>۱</sup>، واتسن<sup>۲</sup>، قراملکی<sup>۳</sup>، موریس<sup>۴</sup> و هود، ۲۰۰۲). شرکت‌کنندگان به یک مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت پاسخ دادند.

۴. **آزمون هدف در زندگی**:<sup>۵</sup> این مقیاس ۲۰ گویه‌ای را کرومبا و ماهولیک (۱۹۶۴) برای سنجش معنا و هدف زندگی ویکتور فرانکل و با تکیه بر ادبیات هستی‌گرایی، به‌ویژه معنادرمانی، ساخته‌اند (کرومبا و ماهولیک، ۱۹۶۴)؛ این آزمون پرکاربردترین مقیاس هدف در زندگی است (استگر و همکاران، ۲۰۰۶). کرومبا و ماهولیک (۱۹۶۴) پایایی این مقیاس را با روش دونیم‌سازی برابر با ۰/۸۱ گزارش کردند و همبستگی آن با پرسش‌نامه فرانکل<sup>۶</sup> را برابر با ۰/۶۸ به دست آوردند. همچنین استگر و همکاران (۲۰۰۶)، برد و همکاران (۲۰۰۷)، دزوتر و همکاران (۲۰۰۶) و هیکس و همکاران (۲۰۰۸) پایایی درونی این مقیاس را با روش آلفای کرونباخ به ترتیب برابر با ۰/۸۸، ۰/۸۷، ۰/۹۴ و ۰/۹۰ گزارش کردند. استگر و همکارانش (۲۰۰۶) نیز پایایی بازآزمایی آن را برابر با ۰/۸۶ به دست آوردند. آلفای کرونباخ نسخه فارسی مقیاس هم برابر با ۰/۹۲ به دست آمده است (چراغی، عریضی و فراهانی، ۱۳۸۷). در پژوهش حاضر از نسخه اصلاح‌شده هارلو، نیوکامب و بتنلر (۱۹۸۷) استفاده شد. شرکت‌کنندگان به یک مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت پاسخ دادند.

### یافته‌های پژوهش

همبستگی‌های متقابل متغیرهای پژوهش و ضرایب آلفای کرونباخ مقیاس‌های به کار رفته در پژوهش در جدول شماره ۱ به تصویر کشیده شده‌اند. همه پرسش‌نامه‌ها سطح قابل قبولی از پایایی درونی را نشان دادند. دینداری با هدف در زندگی و شاخص‌های بهزیستی فاعلی، به‌ویژه رضایت از زندگی، روابط مثبت ضعیف تا متوسط داشت. رابطه هدف در زندگی نیز با شاخص‌های بهزیستی مثبت و نیرومند بود.

1. Ghorbani, N.

3. Ghramaleki, A.F.

5. purpose in life test

2. Watson, P.J.

4. Morris, R.J.

6. The Frankl Questionnaire

جدول ۱: همبستگی متغیرهای پژوهش

الفای کرونباخ	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. شادی	۰/۷۸					
۲. رضایت از زندگی	۰/۸۱	۰/۴۸**				
۳. هدف در زندگی	۰/۸۵	۰/۵۳**	۰/۶۰**			
۴. دینداری درونی	۰/۷۶	۰/۰۷	۰/۲۲**	۰/۲۷**		
۵. دینداری برونی فردی	۰/۸۱	۰/۱۰*	۰/۳۳**	۰/۳۱**	۰/۵۹**	
۶. دینداری برونی اجتماعی	۰/۷۹	۰/۱۱*	۰/۲۳**	۰/۱۵**	۰/۴۱**	۰/۳۵**

\* $p < 0.05$ ; \*\* $p < 0.01$ 

به منظور بررسی توان پیش‌بینی‌کنندگی بهزیستی فاعلی از راه جهت‌گیری دینی و هدف در زندگی، سه رگرسیون چند متغیری اجرا شد. خلاصه نتایج این رگرسیون‌ها در جدول شماره ۲ آمده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود با ورود هدف در زندگی به معادلات رگرسیون، تغییراتی در روابط جهت‌گیری‌های دینی با شاخص‌های سه‌گانه بهزیستی فاعلی ایجاد شد، به‌گونه‌ای که دیگر بیشتر روابط معنادار نبودند؛ هرچند برخی از روابط معنادار ماندند.

جدول ۲: ضرایب رگرسیون پیش‌بینی بهزیستی فاعلی از راه جهت‌گیری دینی و هدف در زندگی

متغیر ملاک			شادی			رضایت از زندگی		
متغیرهای پیش‌بین	$\beta$	B	SE	$\beta$	B	SE	$\beta$	B
دینداری درونی	-۰/۰۸	-۰/۱۴	۰/۰۹	-۰/۰۹	-۰/۱۰	۰/۰۵		
دینداری برونی فردی	-۰/۰۹	-۰/۱۱	۰/۰۶	۰/۱۷**	۰/۱۴	۰/۰۴		
دینداری برونی اجتماعی	۰/۰۴	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۱۳**	۰/۱۱	۰/۰۳		
هدف در زندگی	۰/۵۸**	۱/۲۰	۰/۰۹	۰/۵۳**	۰/۷۷	۰/۰۵		
$R^2$			۰/۳۰**				۰/۴۰**	

\* $p < 0.05$ ; \*\* $p < 0.01$

برای بررسی نقش واسطه‌ای هدف در زندگی در رابطه جهت‌گیری دینی با شاخص‌های بهزیستی فاعلی روش ضرایب حاصل ضرب<sup>۱</sup> به کار رفت؛ این روش با نام آزمون سوبل<sup>۲</sup> شناخته شده‌تر است. شایان ذکر است که این آزمون، مشروط به معناداری مسیرهای ارتباط‌دهنده متغیر پیش‌بین به متغیر واسطه‌ای یا متغیر واسطه‌ای به متغیر ملاک نیست (هیز،<sup>۳</sup> ۲۰۰۹). نتایج آزمون سوبل در جدول شماره ۳ آمده است. این نتایج نقش هدف در زندگی در روابط میان جهت‌گیری دینی و شاخص‌های بهزیستی فاعلی را تأیید کرد: هدف در زندگی، میانجی رابطه هر سه نوع جهت‌گیری دینی با هر دو بعد بهزیستی فاعلی شد. نتایج رگرسیون‌ها نیز گویای سهم عمده هدف در زندگی در رابطه دینداری با بهزیستی فاعلی بود.

جدول ۳: مقادیر Z سوبل برای معناداری کاهش ضرایب بتای مسیر

«جهت‌گیری دینی ← هدف در زندگی ← بهزیستی فاعلی»

رضایت از زندگی		شادی		متغیر ملاک
P	سوبل Z	P	سوبل Z	متغیر پیش‌بین
۰/۰۱	۵/۳۱	۰/۰۱	۵/۲۱	دینداری درونی
۰/۰۱	۵/۹۷	۰/۰۱	۵/۸۹	دینداری برونی فردی
۰/۰۱	۲/۹۷	۰/۰۱	۲/۹۵	دینداری برونی اجتماعی

## بحث و نتیجه‌گیری

بررسی آثار دینداری در سطح فردی و اجتماعی یکی از موضوع‌های مهم روان‌شناسی دین است و پژوهش‌های بسیاری درباره هر کدام از این آثار در دست است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که رابطه دینداری با هدف در زندگی مثبت است. تحلیل محتوایی دین به باورها، آموزه‌ها و تشریفات رهنمون می‌شود که آشکارا به پرسش‌هایی بنیادین درباره معنا و هدف زندگی می‌پردازند. تحلیل کارکردی دین نیز فرایند معناسازی را بخش مهمی از علت وجودی دین و نظام‌های دینی معرفی می‌کند. از این رو، زمینه کاملاً روشنی برای رابطه مثبت میان دینداری و هدف در زندگی وجود دارد (فرانسیس و دیگران، ۲۰۱۰).

روابط مثبت دینداری با شادی و رضایت از زندگی از دیگر یافته‌های این پژوهش بود. رابطه دینداری با رضایت از زندگی نیرومندتر از رابطه آن با شادی بود. رضایت از زندگی

1. product of coefficients

2. Sobel test

3. Hayes, A.F.

مؤلفه شناختی بهزیستی فاعلی است و شادی مؤلفه هیجانی آن؛ پس نقش دین در جنبه شناختی بهزیستی بیش از نقش آن در جنبه هیجانی بهزیستی است. دو بُعد عاطفی و شناختی بهزیستی فاعلی گاه دارای همبسته‌ها و پیش‌بین‌های متفاوتی هستند. ممکن است نتوان یافته‌های پژوهش درباره یکی از این دو بُعد را به دیگری تعمیم داد، مثلاً شیماک<sup>۱</sup>، شوپ<sup>۲</sup> و واگنر<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) در آلمان نشان دادند که روان‌رنجورخویی پیش‌بین نیرومندتری برای بُعد عاطفی بهزیستی فاعلی بود تا برای بُعد شناختی آن. بی‌کاری و تفاوت‌های منطق‌های بین شرق و غرب آلمان پیش‌بین‌های نیرومندتری برای بُعد شناختی بودند تا برای بعد عاطفی.

در اینجا آنچه مهم است تبیین رابطه دین با بهزیستی فاعلی است. چه عاملی موجب می‌شود دینداری به رضایت بیشتر از زندگی بینجامد؟ پژوهش حاضر با هدف شناخت بیشتر رابطه دینداری با بهزیستی فاعلی، به بررسی نقش واسطه‌ای هدف در زندگی در رابطه یادشده پرداخت. یافته‌ها فرضیه پژوهش را تأیید کرده‌اند. دینداری از طریق هدف در زندگی نمرات بالاتر در شاخص‌های بهزیستی فاعلی را پیش‌بینی می‌کند.

مطالعه کارکرد معنابخشی دین در زندگی فردی و اثرات اجتماعی آن از موضوع‌های مهم در حوزه دین است. به گفته برخی از جامعه‌شناسان، اهمیت معنا در زندگی از آنجا ناشی می‌شود که با ورود به دنیای مدرن، نظام‌های ارزشی سنتی با چالش روبه‌رو شدند و سیال بودن دنیای مدرن، کثرت معناها و روایت‌های متعدد از آن انسان‌ها را دچار سرگشتگی و اضطراب کرد. دین نیروی توجیه شوربختی و خوشبختی انسان را دارد که بیشتر از راه قرار دادن تجربه‌های انسان در چارچوبی منظم و تفسیرپذیر ساختن آن‌ها نقش و کارکرد خود را ایفا و همانند سپهری معنابخش عمل می‌کند (سراجزاده و رحیمی، ۱۳۹۲). مقاله حاضر، مانند پیشینه پژوهشی خود، فرض گرفت که این دین و دینداری است که (از طریق فراهم آوردن معنا و هدف برای زندگی) موجب بهزیستی می‌شود؛ به عبارت دیگر، علیت دین برای بهزیستی در نظر گرفته شد. یک احتمال جایگزین این است که شادی و بهزیستی موجب گرایش به دین شوند و احتمال سوم این است که خود دین موجب بهزیستی نمی‌شود، بلکه متغیرهای وابسته و مرتبط به آن، مانند حمایت اجتماعی و سبک زندگی سالم، بهزیستی را به همراه دارند. پژوهش طولی امکان پرداختن به چنین پرسش‌هایی را میسر می‌سازد. در پژوهش طولی می‌توان مشاهده کرد که آیا در گذر زمان، دین و ایمان بر بهزیستی مقدم‌اند

یا بالعکس (میلر - پرین<sup>۱</sup> و کرومی مانچوسو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵). پرداختن به احتمال‌های یادشده در دایره اهداف و در امکان پژوهش حاضر نبود و پژوهش‌های آینده می‌توانند این احتمالات را در نظر داشته باشند.

با ورود هدف به زندگی در معادله رگرسیون برای پیش‌بینی بهزیستی فاعلی، قدرت پیش‌بینی‌کنندگی دینداری از بین نرفت که نشان می‌دهد نقش واسطه‌ای هدف در زندگی به صورت کامل نیست. به عبارت دیگر، هدف در زندگی فقط تبیین‌کننده بخشی از رابطه دین با بهزیستی فاعلی است. از این رو متغیرهای دیگری هم می‌توانند در کنار هدف در زندگی نقش واسطه‌ای داشته باشند. از متغیرهایی که می‌توانند در رابطه دینداری با پیامدهای مثبت آن نقش داشته باشند می‌توان این موارد را برشمرد: حمایت اجتماعی، خوش‌بینی (سلسمن و دیگران، ۲۰۰۵)، امیدواری (وانک<sup>۳</sup> و مارسینکفسکی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴) شفقت (استفن<sup>۵</sup> و مسترز<sup>۶</sup>، ۲۰۰۵)، اضطراب مرگ (کوهن، پیرس جونیر<sup>۷</sup>، چمبرز<sup>۸</sup>، مید<sup>۹</sup>، گورون<sup>۱۰</sup> و کوئینگ<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۵) و گذشت (توسینت<sup>۱۲</sup>، مارشال<sup>۱۳</sup> و ویلیامز<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۲). هیل<sup>۱۵</sup> و پارگمنت<sup>۱۶</sup> (۲۰۰۳) نیز، با توجه به موفقیت محدود تلاش‌های صورت گرفته برای اثبات متغیرهای واسطه‌ای تأثیر دینداری بر سلامت روانی و بهزیستی، این احتمال را برجسته ساختند که دین به‌طور مستقیم بر سلامت اثر دارد.

نوشتار پیش رو از روان‌شناسی مثبت‌گرا برای مطالعه دین استفاده کرد. روان‌شناسی مثبت‌گرا در مورد چالش‌هایی که روان‌شناسی دین با آن مواجه می‌شود، حرف زیادی برای گفتن دارد. تأکید روان‌شناسی مثبت‌گرا بر معنا و هدف زندگی، به علاوه تمرکز بر مفاهیم کلیدی، که بسیاری‌شان خاستگاه دینی دارند و در رفتارهای دینی مشاهده می‌شوند، می‌تواند نقش پلی طبیعی را برای درک بیشتر نقش دین و معنویت در کارکردها و تعامل‌های انسان ایفا کند (میلر - پرین و کرومی مانچوسو، ۲۰۱۵). برحسب همین رویکرد، این پژوهش به بررسی کارکرد دین در زندگی شخصی افراد پرداخت و نشان داد که نقش هدف در زندگی در رابطه دین با بهزیستی قابل‌تعمیم به جامعه مسلمان ایران است. به هر رو استفاده از نمونه دانشجویی و ابزارهای گزارش شخصی موجب محدودیت تعمیم نتایج پژوهش

1. Miller-Perrin, C.

2. Krumrei Mancuso, E.

3. Wnuk, M.

4. Marcinkowski, J.T.

5. Steffen, P.R.

6. Masters, K.S.

7. Pierce Jr., J.D.

8. Chambers, J.

9. Meade, R.

10. Gorvine, B.J.

11. Koenig, H.G.

12. Toussaint, L.L.

13. Marschall, J.C.

14. Williams, D.R.

15. Hill, P.C.

16. Pargament, K.I.

می‌شود. شایسته است پژوهش‌های آینده، با مطالعه دیگر گروه‌های جامعه و با استفاده از روش‌هایی چون گزارش دیگران و ثبت خاطرات روزانه، به بررسی نقش واسطه‌ای سایر متغیرها بپردازند.

## منابع

- آقابابایی، ناصر، فراهانی، حجت‌الله، رحیمی‌نژاد، عباس و فاضلی مهرآبادی، علیرضا. (۱۳۸۸)، «معنویت و احساس شخصی روان‌درستی در دانشجویان و طلاب»، *مجله علوم روان‌شناختی*، ۳۱، ۳۶۰-۳۷۲.
- احمدی، محمدرضا و هراتیان، عباس‌علی (۱۳۹۱)، «اثربخشی مناسک عمره مفرده بر شادکامی و سلامت روانی»، *روان‌شناسی و دین*، ۱۹، ۴۱-۶۲.
- بیانی، علی‌اصغر، کوچکی، عاشورمحمد و گودرزی، حسنیه (۱۳۸۶)، «اعتبار و روایی مقیاس رضایت از زندگی»، *روان‌شناسان ایرانی*، ۳(۱۱)، ۲۵۹-۲۶۵.
- سراجزاده، سید حسین و رحیمی، فرشته، (۱۳۹۲)، «رابطه دینداری با معناداری زندگی در یک جمعیت دانشجویی»، *راهبرد فرهنگ*، ۲۴، ۷-۳۰.
- قمری، محمد، (۱۳۹۰)، «رابطه دینداری و حمایت اجتماعی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی منطقه دو»، *روان‌شناسی و دین*، ۱۳، ۸۹-۱۰۴.

Aghababaei, N. (2014), "God, the good life, and HEXACO: The relations among religion, subjective well-being and personality", *Mental Health, Religion & Culture*, 17(3), 284-290.

Aghababaei, N., & Błachnio, A. (2014), "Purpose in life mediates the relationship between religiosity and happiness: Evidence from Poland", *Mental Health, Religion & Culture*, 17(8), 827-831.

Allport, G. W., & Ross, M. (1967), "Personal religious orientation and prejudice", *Journal of Personality and Social Psychology*, 5(4), 432-443.

Ardelt, M. (2003), "Effects of religion and purpose in life on elders' subjective well-being and attitudes toward death", *Journal of Religious Gerontology*, 14(4), 55-77.

Brown, P. H., & Tierney, B. (2009), "Religion and subjective well-being among the elderly in China", *The Journal of Socio-Economics*, 38, 310-319.

Byrd, K. R., Hageman, A., & Belle Isle, D. (2007), "Intrinsic motivation and subjective well-being: The unique contribution of intrinsic religious motivation»" *The*



*International Journal for the Psychology of Religion*, 17(2), 141–156.

Cohen, A. B., Pierce Jr., J. D., Chambers, J., Meade, R., Gorvine, B. J., & Koenig, H. G. (2005), "Intrinsic and extrinsic religiosity, belief in the afterlife, death anxiety, and life satisfaction in young Catholics and Protestants", *Journal of Research in Personality*, 39, 307–324.

Crumbaugh, J., & Maholick, L. (1964), "An experimental study of existentialism: The psychometric approach to Frankl's concept of noogenic neurosis", *Journal of Clinical Psychology*, 20, 200–207.

Dezutter, J., Soenens, B., & Hutsebaut, D. (2006), "Religiosity and mental health: A further exploration of the relative importance of religious behaviors vs. religious attitudes", *Personality and Individual Differences*, 40, 807–818.

Diener, E., Emmons, R. A., Larsen, R. J., & Griffin, S. (1985), "The Satisfaction with Life Scale", *Journal of Personality Assessment*, 49(1), 71–75.

Ferriss, A. L. (2002), "Religion and the quality of life", *Journal of Happiness Studies*, 3, 199–215.

Francis, L. J., Elken, A., & Robbins, M. (2012), "The affective dimension of religion and personal happiness among students in Estonia", *Journal of Research on Christian Education*, 21(1), 84–90.

Francis, L. J., Jewell, A., & Robbins, M. (2010), "The relationship between religious orientation, personality, and purpose in life among an older Methodist sample", *Mental Health, Religion & Culture*, 13, 777–791.

Francis, L. J., Ziebertz, H., & Lewis, C. A. (2003), "The relationship between religion and happiness among German students", *Pastoral Psychology*, 51(4), 273–281.

Gauthier, K. J., Christopher, A. N., Walter, M. I., Mourad, R., & Marek, P. (2006), "Religiosity, religious doubt, and the need for cognition: Their interactive relationship with life satisfaction", *Journal of Happiness Studies*, 7, 139–154.

Ghorbani, N., Watson, P. J., Gharamaleki, A. F., Morris, R. J., & Hood, R. W. (2002), "Muslim-Christian Religious Orientation Scales: Distinctions, correlations, and cross-cultural analysis in Iran and the United States", *The International Journal for the Psychology of Religion*, 12(2), 69–91.

Gorsuch, R. L., & McPherson, S. E. (1989), "Intrinsic/extrinsic measurement:

I/E-revised and single-item scales”, *Journal for the Scientific Study of Religion*, 28(3), 348–354.

Hayes, A. F. (2009), “Beyond Baron and Kenny: Statistical mediation analysis in the new millennium”, *Communication Monographs*, 76(4), 408-420.

Hicks, J. A., & King, L. A. (2008), “Religious commitment and positive mood as information about meaning in life”, *Journal of Research in Personality*, 42, 43–57.

Hill, P. C. & Pargament, K. I. (2003), “Advances in the conceptualization and measurement of religion and spirituality: Implications for physical and mental health research”, *American Psychologist*, 58(1), 64-74.

Hills, P., & Argyle, M. (1998), “Musical and religious experiences and their relationship happiness”, *Personality and Individual Differences*, 25, 91-102.

Holder, M. D., Coleman, B., & Wallace, J. M. (2010), “Spirituality, religiousness, and happiness in children aged 8–12 years”, *Journal of Happiness Studies*, 11, 131-150.

Kashdan, T. B. (2004), “The assessment of subjective well-being (Issues raised by the Oxford Happiness Questionnaire)”, *Personality and Individual Differences*, 36, 1225-1232.

Kashdan, T. B., & Nezlek, J. B. (2012), “Whether, when, and how is spirituality related to well-being? Moving beyond single occasion questionnaires to understanding daily process”, *Personality and Social Psychology Bulletin*, 38(11), 1523-1535.

Krauss, S. W., & Hood, R. W. Jr. (2013), *New approach to religious orientation: The Commitment-Reflectivity Circumplex*, New York: Rodopi.

Lewis, C. A. (2002), “Church attendance and happiness among Northern Irish undergraduate students: No association”, *Pastoral Psychology*, 50(3), 191-195.

Lewis, C. A., Maltby, J., & Burkinshaw, S. (2000), “Religion and happiness: Still no association”, *Journal of Beliefs & Values*, 21(2), 233-236.

Lewis, C. A., Maltby, J., & Day, L. (2005), “Religious orientation, religious coping and happiness among UK adults”, *Personality and Individual Differences*, 38, 1193-1202.

Lyubomirsky, S., & Lepper, H. S. (1999), “A measure of subjective happiness: Preliminary reliability and construct validation”, *Social Indicators Research*, 46(2), 137-156.

Lyubomirsky, S., King, L., & Diener, E. (2005), "The benefits of frequent positive affect: Does happiness lead to success?", *Psychological Bulletin*, 131(6), 803-855.

Miller-Perrin, C., & Krumrei Mancuso, E. (2015), *Faith from a Positive Psychology Perspective*, New York: Springer.

Poloma, M. M., & Pendleton, B. F. (1989), "Exploring types of prayer and quality of life: A research note", *Review of Religious Research*, 31(1), 46-53.

Rosmarin, D. H., Pirutinsky, S., Cohen, A. B., Galler, Y., & Krumrei, E. J. (2011), "Grateful to God or just plain grateful? A comparison of religious and general gratitude", *The Journal of Positive Psychology*, 6, 389-396.

Salsman, J. M., Brown, T. L., Brechting, E. H., & Carlson, C. R. (2005), "The link between religion and spirituality and psychological adjustment: The mediating role of optimism and social support", *Personality and Social Psychology Bulletin*, 31(40), 522-535.

Schimmack, U., Schupp, J., & Wagner, G. G. (2008), "The influence of environment and personality on the affective and cognitive component of subjective well-being", *Social Indicators Research*, 89, 41-60.

Schulenberg, S. E., Schnetzer, L. W., Buchanan, E. M. (2011), "The Purpose in Life Test-Short Form: Development and psychometric support", *Journal of Happiness Studies*, 12, 861-876.

Sillick, W. J., & Cathcart, S. (2014), "The relationship between religious orientation and happiness: The mediating role of purpose in life", *Mental Health, Religion & Culture*, 17(5), 494-507.

Snoep, L. (2008), "Religiousness and happiness in three nations: A research note", *Journal of Happiness Studies*, 9, 207-211.

Steffen, P. R., & Masters, K. S. (2005), "Does compassion mediate the intrinsic religion-health relationship?", *Annals of Behavioral Medicine*, 30(3), 217-224.

Steger, M. F., Frazier, P., Oishi, S., & Kaler, M. (2006), "The Meaning in Life Questionnaire: Assessing the presence of and search for meaning in life", *Journal of Counseling Psychology*, 53(1), 80-93.

Toussaint, L. L., Marschall, J. C., & Williams, D. R. (2012), "Prospective associations between religiousness/spirituality and depression and mediating effects of forgiveness in a nationally representative sample of United States adults", *Depression*

Research and Treatment (vol. 2012), Hindawi Publishing Corporation.

Wnuk, M., & Marcinkowski, J. T. (2014), "Do existential variables mediate between religious-spiritual facets of functionality and psychological wellbeing", *Journal of Religion and Health*, 53(1), 56-67.

## رابطه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و دینداری در میان همسران متعارض و غیرمتعارض

### The Relationship between Primary Incompatible Schemas and Piety among Conflicting and Non-Conflicting Spouses

عباس‌علی هراتیان / دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛  
مسعود جان‌بزرگی / دانشیار گروه روان‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛  
مژگان آگاه‌هریس / استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور گرمسار؛

Abbas Ali Haratiyan / PhD Student of Psychology, RIHU. a.haratiyan@gmail.com

Masoud Janbozorgi / Associate Professor of Psychology, RIHU.

Mozghan Agah Haris / Assistant Professor of Psychology, PNUG.

#### Abstract

One of the common problems for families in today's world is spousal conflicts. The present study is a descriptive one conducted through correlation method to investigate the relationship between primary incompatible schemas and piety among conflicting and non-conflicting spouses. The statistical population of the study consisted of 782 married persons in Semnan Province, selected through multi-stage random sampling. The data were analyzed through methods of Person correlation and Fischer's Z-test. The results, while challenging the function of primary schemas incompatible with piety, verify the modifying role of the variable of spousal conflict. That is, the

#### چکیده

یکی از مشکلات شایع در دنیای امروز خانواده‌ها، تعارض‌های زناشویی است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی و با روش همبستگی است که به منظور بررسی رابطه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و دینداری در میان همسران متعارض و غیرمتعارض انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش را متاهلین فعلی استان سمنان تشکیل می‌دادند. از کل جامعه آماری، تعداد ۷۸۲ نفر با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شد. داده‌ها با استفاده از روش‌های همبستگی پیرسون و آزمون Z فیشر مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج، ضمن به چالش کشیدن کارکرد روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و دینداری، نقش تعدیل‌کنندگی متغیر تعارض زناشویی را مورد تأیید قرارداد. بدین معنا

relationship between piety and primary incompatible schemas is meaningfully stronger in non-conflicting spouses.

**Keywords:** primary incompatible schemas, religious commitment, piety, spousal conflict.

که رابطه دینداری و روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه در گروه همسران غیرمتعارض به میزان معناداری قوی‌تر است.

**کلیدواژه‌ها:** روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه، پای‌بندی مذهبی، دینداری، تعارض زناشویی.

### مقدمه

روان انسان جهت درک یکپارچه از تجربه‌های زندگی، نیاز ضروری به یک اصل سازمان‌بخش کلی دارد. این مسأله همان چیزی است که گاهی با عنوان نیاز به «هماهنگی شناختی»<sup>۱</sup> از آن یاد می‌شود؛ یعنی «حفظ دیدگاهی باثبات درباره خود، دیگران و محیط»، حتی اگر این دیدگاه نادرست یا تحریف شده باشد. در بافتار روان‌شناسی و روان‌درمانی، این اصل سازمان‌بخش را روان‌بنه<sup>۲</sup> می‌نامند (یانگ<sup>۳</sup>، گلووسکو<sup>۴</sup> و ویشار<sup>۵</sup>، ۱۹۹۹). در حوزه رشدشناختی، روان‌بنه را قالبی در نظر می‌گیرند که بر اساس واقعیت یا تجربه شکل می‌گیرد تا به افراد کمک کند تجربه‌های خود را تبیین کنند (همان). به باور یانگ (۱۹۹۰)، روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه<sup>۶</sup> الگوهای هیجانی و شناختی خودآسیب‌رسان و ساختارهای شناختی عمیقی، شامل باورهای درباره خود، دیگران و محیط، هستند که از ارضا نشدن نیازهای اولیه، به‌ویژه نیازهای هیجانی در دوره کودکی، سرچشمه می‌گیرند.

از نظر یانگ، گلووسکو و ویشار (۱۹۹۹)، روان‌بنه‌ها همیشه باعث ایجاد سوگیری در تفسیر انسان از وقایع می‌شوند و این سوگیری‌ها به صورت سوءتفاهم، نگرش‌های تحریف‌شده، فرض‌های نادرست و هدف‌ها و انتظارات غیرواقعی‌بینانه تجلی می‌یابند. خاصیت تکراری بودن آن‌ها سبب می‌شود فرد در برابر آن‌ها خیلی آگاهانه عمل نکند. خاصیت اولیه بودن نیز باعث می‌شود که آن‌ها خودتقویت‌گر باشند و این خودتقویت‌گری به آن‌ها قدرت و ثبات می‌دهد. با توجه به اینکه عنصر آگاهی در آن‌ها دخالت کمی دارد، در برابر تغییر مقاوم هستند (دائمی و جان‌بزرگی، ۱۳۹۰).

یکی از متغیرهایی که با باورهای هسته‌ای و روان‌بنه‌ها در تعامل است، دینداری است؛

1. cognitive consistency

2. schema

4. Young, J.E.

5. Klosko, J.

6. Weishoar, M.E.

7. early maladaptive schema

زیرا با همه اختلاف نظرهایی که در تعریف دین و دینداری وجود دارد، این نکته ثابت است که دینداری از باورهای هسته‌ای، ارزش‌ها و تجربه‌های انسانی حکایت دارند (ورهاگن<sup>۱</sup>، وان<sup>۲</sup>، لویزیبور<sup>۳</sup>، کاکس<sup>۴</sup> و ماسائی<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰). دینداری، همانند یک سازه چندبعدی، می‌تواند باورهای کلی و هسته‌ای را متأثر کند (پارک<sup>۶</sup>، ۲۰۱۲)، حتی می‌تواند به ایجاد باورهای هسته‌ای درباره رویدادهای زندگی بپردازد (دالمن<sup>۷</sup> و وندکریک<sup>۸</sup>، ۲۰۰۰). دین را می‌توان روان‌بنه کلی شناختی و راهنمای افراد در چگونگی درک جهان اطراف، واکنش‌ها و رفتارهای خود در زندگی روزمره تلقی کرد که اجازه می‌دهد افراد به تفسیر محرک‌های محیطی بپردازند، عناصر گم‌شده را بیابند و شکاف‌های شناختی و هیجانی را پر کنند (هاسلی<sup>۹</sup>، ۲۰۰۶).

دینداری را به شناخت و باور به پروردگار یکتا، انبیا، زندگی پس از مرگ و احکام الهی و داشتن علایق و عواطف معینی به خدا، خود، دیگران و جهان هستی برای تقرب به خدا و التزام و عمل به وظایف دینی تعریف کرده‌اند (فقیهی، خدایاری‌فرد، غباری‌بناب و شکوهی‌یکتا، ۱۳۸۵). دین می‌تواند به عنوان یک نظام پیچیده اجتماعی بر رفتار و بازخوردهای مهم، از جمله برنامه‌ریزی، خانواده، کار، چگونگی تفسیر زندگی روزانه و برداشت از امور مختلف، تأثیر بسزایی داشته باشد (روحانی و معنوی‌پور، ۱۳۸۷). تحقیقات رابطه مثبت بین دینداری با رضامندی زناشویی (منجزی، شفیع‌آبادی و سودانی، ۱۳۹۱ و اورتیکنال<sup>۱۱</sup> و ونستیوگن<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۶)، سازگاری زناشویی (احمدی، فتحی‌آشتیانی و عرب‌نیا، ۱۳۸۵)، ثبات ازدواج (سالیوان<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۱)، مقدس انگاشتن ازدواج (ماهونی<sup>۱۴</sup>، پارگامنت<sup>۱۵</sup>، جول<sup>۱۶</sup>، سوانک<sup>۱۷</sup>، اسکات<sup>۱۸</sup>، امری<sup>۱۹</sup> و ری<sup>۲۰</sup>، ۱۹۹۹)، تعهد زناشویی (سالیوان، ۲۰۰۱)، کارکرد خانواده (عبدالله‌پور، مقیمی آذری، قلی‌زاده، سیدمهدوی اقدم و اشرفی زکی، ۱۳۸۸)، کیفیت ازدواج (هانت<sup>۲۱</sup> و کینگ<sup>۲۲</sup>، ۱۹۷۸)، همدلی زناشویی (اسنو<sup>۲۳</sup> و کاپتن<sup>۲۴</sup>، ۱۹۹۶) و صمیمیت زناشویی (باتلر<sup>۲۵</sup>، استات<sup>۲۶</sup> و گاردنر<sup>۲۷</sup>، ۲۰۰۲) و نیز رابطه‌ای منفی با احتمال طلاق

1. core beliefs
2. Verhagen, P.
3. Van, P.H.M.
4. López-Ibor, J.J.
5. Cox, J.
6. Moussaoui, D.
7. Park, C.L.
8. Daaleman, T.P.
9. VandeCreek, L.

10. Haseley, J.L.
11. Orathinkal, J.
12. Vansteewegen, A.
13. Vansteewegen, A.
14. Mahoney, A.
15. Pargament, K.I.
16. Jewell, T.
17. Swank, A.B.
18. Scott, E.

19. Emery, E.
20. Rye, M.
21. Hunt, R.A.
22. King, M.B.
23. Snow, T.S.
24. Compton, W.C.
25. Butler, M.H.
26. Stout, J.A.
27. Gardner, B.C.

کال<sup>۱</sup> و هیتون<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷) و تعارض زناشویی (مارش<sup>۳</sup> و دالاس<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱) یافته‌اند. یکی از مشکلات شایع در دنیای امروز تعارض‌ها و درگیری‌های زناشویی است که به دلیل اثرات مخرب مورد توجه مشاوران و روان‌درمانگران واقع شده است، به طوری که نظریه‌های متعددی ارائه داده‌اند و پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است (فرح‌بخش، شفیع‌آبادی، احمدی و دلاور، ۱۳۸۵). هالفورد<sup>۵</sup> (۲۰۰۱) معتقد است تعارض زناشویی نوعی فقدان توافق مداوم و معنادار بین همسران است که از سوی حداقل یکی از آنان گزارش می‌شود. منظور از معنادار بودن، تأثیر این مسأله بر عملکرد همسران و منظور از تداوم، اشاره به اختلافاتی است که به مرور زمان از بین نمی‌رود.

بروز تعارض در روابط انسان‌ها با یکدیگر اجتناب‌ناپذیر است. ازدواج نیز به دلایل عدیده‌ای دچار تعارض می‌شود (سیاوشی و نوایی‌نژاد، ۱۳۸۴). دولانگ<sup>۶</sup> (۲۰۰۷) معتقد است که افراد مختلف اهداف متفاوتی از ازدواج دارند، به نوعی که ازدواج را به دید فرصتی برای جبران ناکامی‌ها یا تأیید باورهای‌شان می‌دانند و چنانچه این نیازها در زندگی مشترک برآورده نشود، موجب احساس ناامیدی در روابط و شکست نهایی خواهند شد. برخی محققان و نظریه‌پردازان، از جمله الیس<sup>۸</sup> (۱۹۷۸) و برنز<sup>۹</sup> (۱۹۸۴) به نقل از اپستین<sup>۱۰</sup> (۱۹۸۶)، علت اصلی تعارض‌های زناشویی را در باورهای غیرمنطقی<sup>۱۱</sup> می‌جویند.

موضوع دینداری و تعارض زناشویی از ابعاد مختلفی مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته است؛ اما ادبیات بومی آن، در فضای مطالعات شناختی، هنوز نیازمند تحقیقات جدید است. فرضیه این پژوهش با روایتی از علی علیه السلام شکل گرفت که فرمودند: «در رویدادهای مختلف زندگی و فراز و نشیب‌های حیات، حقیقت افراد معلوم می‌شود و روزگار واقعیت‌های نهانی افراد را نمایان می‌کند»<sup>۱۲</sup> (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۷، ص ۲۸۶). اگر دینداری درون‌سو و عمیق نباشد و تبدیل به روان‌بینه نشود، این احتمال وجود دارد که در موقعیت تنش، در مقابل روان‌بینه‌ها از کارایی لازم برخوردار نباشد. این پژوهش در پی آن است که، ضمن بررسی رابطه متغیرهای روان‌بینه‌های ناسازگار اولیه و دینداری، این رابطه را با توجه به موقعیت تنشی تعارض زناشویی مورد مطالعه قرار دهد و به پاسخ این سؤال دست یابد که «آیا رابطه روان‌بینه‌های ناسازگار اولیه و دینداری تحت تأثیر میزان تعارض زناشویی است؟». بدین

1. Call, V.R.

2. Heaton, T.B.

3. Marsh, R.

4. Dallos, R.

5. Halford, W.K.

6. marital conflict

7. Dulong, J.

8. Ellis, A.

9. Burns, D.

10. Epstein, N.

11. irrational beliefs

۱۲. «فی تَقَلِّبِ الاحوال عَلِمَ جَوَاهِرُ الرجال والایام  
تَوْضِیح لک السرائر الکامنه».



ترتیب تحقیق حاضر از سویی پژوهشی در دینداری و ریشه‌های شناختی آن است و از سوی دیگر می‌تواند پژوهشی در حوزه خانواده و خانواده‌درمانی به حساب آید و تأثیر روابط همسران بر میزان رابطه باورهای عمیق شناختی با دینداری را برجسته نماید.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی است و از روش همبستگی استفاده کرده است. جامعه پژوهش را متأهلان ساکن در استان سمنان شکل دادند که سن آنان بین ۱۸ تا ۴۰ و سن ازدواجشان بین ۱ تا ۱۵ سال بود. با توجه به آمار ارائه‌شده از سوی مرکز آمار ایران (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱) از سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، تعداد این جامعه ۳۷۲۷۰۶ نفر است. با توجه به نوع پژوهش حاضر و حجم جامعه مورد نظر، بر اساس فرمول کوکران<sup>۱</sup>، حجم نمونه ۳۸۴ نفر کافی است. نمونه آماری<sup>۲</sup> مورد پژوهش از میان جامعه مذکور (متأهلان فعلی ساکن در استان سمنان) با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای<sup>۳</sup> گردآوری شده است. در مرحله اول ۴ شهر (دامغان، شاهرود، سمنان و گرمسار) از شهرهای استان سمنان و در هر شهر ۲ محله اصلی به صورت تصادفی انتخاب شدند. پس از فراخوان، از میان داوطلبان، افرادی به صورت تصادفی جهت شرکت در پژوهش گزینش شدند. تعداد ۱۰۰۰ پرسش‌نامه توزیع شد که پس از حذف پرسش‌نامه‌های ناقص، اطلاعات ۷۸۲ شرکت‌کننده با نسخه ۱۸ نرم‌افزار SPSS تحلیل شد.

### ابزارهای پژوهش

۱. پرسش‌نامه پای‌بندی مذهبی<sup>۴</sup> که بر اساس گزاره‌های قرآن کریم و نهج‌البلاغه درباره ویژگی‌های مؤمنان ساخته شده است (جان‌بزرگی، ۱۳۸۸). جان‌بزرگی پس از دریافت روایی محتوا از سوی کارشناسان و تحلیل داده‌ها، این پرسش‌نامه را دارای سه خرده‌مقیاس یافته است: پای‌بندی مذهبی، ناپای‌بندی مذهبی و دوسوگرایی مذهبی. او با استفاده از روش آلفای کرونباخ، پایایی درونی پرسش‌نامه را برابر با  $0/۸۱۶$  به دست آورد. پایایی هر یک از مقیاس‌های پای‌بندی مذهبی، دوسوگرایی و ناپای‌بندی مذهبی به ترتیب  $0/۸۷۸$ ،  $0/۶۸۷$ ،  $0/۷۲۵$  و میانگین پایایی همه خرده‌مقیاس‌ها  $0/۷۶۳$  است. پاسخ‌ها به شکل لیکرتی است. آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه در پژوهش حاضر  $0/۷۸$  به دست آمد.

1. Cochran

2. statistical sample

3. multistage random sampling

4. RAQ: religious adherence questionnar

۲. فرم کوتاه پرسش نامه روان بنه های ناسازگار اولیه<sup>۱</sup> که یانگ در سال ۱۹۹۸ برای اندازه گیری ۱۵ روان بنه ناسازگار اولیه ساخت و از ۷۵ ماده تشکیل شده است. در پژوهش والر<sup>۲</sup>، میر<sup>۳</sup> و آنین<sup>۴</sup> (۲۰۰۱) اعتبار مقیاس بر اساس آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۹۶۴ و ضرایب بازآزمایی بین ۰/۵ تا ۰/۸۲ در یک جمعیت غیربالینی و همچنین روایی واگرا ۰/۹۰ و همگرایی ۰/۸۵ به دست آمد. در ایران در پژوهشی که آهی، محمدی فر و بشارت (۱۳۸۶) برای بررسی روایی و اعتبار فرم کوتاه مقیاس یانگ (فرم ۷۵ سؤالی) بر روی دانشجویان انجام دادند، نشان داده شد که پایایی پرسش نامه به دو شیوه آلفای کرونباخ و بازآزمایی به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۷۶ بود. همچنین همبستگی مناسب با پرسش نامه روان بنه (SQ-SF) و پرسش نامه نشانه های اختلالات روانی (SCL-۲۵) نشان داد که این پرسش نامه دارای اعتبار سازه کافی برای استفاده در جامعه دانشجویی ایران است. این ابزار خودتوصیفی پاسخ های لیکرتی ۶ درجه ای (کاملاً غلط=۱ تا کاملاً درست=۶) دارد. آلفای کرونباخ این پرسش نامه در پژوهش حاضر ۰/۹۴ به دست آمد.

۳. فرم تجدیدنظر شده پرسش نامه تعارضات زناشویی<sup>۵</sup> یک ابزار ۵۴ سؤالی است که برای سنجیدن تعارض های زن و شوهری است. این پرسش نامه، ۸ بُعد از تعارضات زناشویی را می سنجد که عبارت اند از: کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر، و کاهش ارتباط مؤثر. آلفای کرونباخ برای کل پرسش نامه روی یک گروه ۲۷۰ نفری برابر با ۰/۹۶ و برای ۸ خرده مقیاس آن از ۰/۳۳ تا ۰/۸۹ به دست آمد (ثنایی، علاقبند، فلاحتی و هومن، ۱۳۸۷). برای هر سؤال ۵ گزینه در نظر گرفته شده و به تناسب ۱ تا ۵ نمره به آن ها اختصاص داده شده است. بیشترین نمره کل پرسش نامه ۲۷۰ و کمترین آن ۵۴ است (همان). آلفای کرونباخ این پرسش نامه در پژوهش حاضر ۰/۸۹ به دست آمد.

### یافته های پژوهش

پس از بررسی مفروضه های زیربنایی، از جمله نرمال بودن توزیع نمرات بر اساس نتایج آزمون کولموگراف اسمیرنوف<sup>۶</sup> ( $P > ۰/۰۵$ )، برای بررسی نقش تعدیل کننده تعارض زناشویی

1. YSQ-SF: Young schema questionnaire: short form  
2. Waller, G.

3. Meyer, C.  
4. Ohanian, V.

6. Kolmogorov-Smirnov test  
5. MC-R: marital conflict questioner -revised

در رابطه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه با دینداری از روش تبدیل  $r$  به  $Z$  فیشر<sup>۱</sup> استفاده شده است؛ بدین معنا که ابتدا نمره کل تعارض زناشویی بر اساس  $M \pm SD$  طبقه‌بندی و سپس میزان همبستگی میان دو متغیر مستقل و وابسته در هریک از این دو سطح محاسبه شد. با به دست آمدن نمرات  $Z$  فیشر و سطح اطمینان آن، نتیجه مقایسه دو همبستگی مذکور مشخص شد.

جدول ۱: نتایج آزمون  $Z$  فیشر در مقایسه تفاوت همبستگی روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه با دینداری در دو گروه همسران متعارض و غیرمتعارض ( $na=104$  و  $nb=135$ )

P	Z	گروه همسران	گروه همسران	متغیر
		غیرمتعارض (ra)	متعارض (rb)	
		دینداری	دینداری	
۰/۰۰۲۲	-۳/۰۵۷	-۰/۴۴۴**	-۰/۰۷۳	بریدگی و طرد
۰/۰۱۸۴	-۲/۳۵۶	-۰/۳۵۸**	-۰/۰۶۳	خودگردانی و عملکرد مختل
۰/۰۳۹۴	-۲/۰۶۰	-۰/۲۱۳*	۰/۰۵۶	جهت‌مندی دیگرسو
۰/۰۰۵۰	-۲/۸۰۲	-۰/۳۰۹**	۰/۰۵۱	بازداری و فزون‌گوش‌به‌زنگی
۰/۰۲۳۷	-۲/۲۶۲	-۰/۵۲۲**	-۰/۲۷۳**	محدودیت‌های مختل
۰/۰۰۰۶	-۳/۴۱۷	-۰/۴۹۳**	-۰/۰۸۸	نمره کل روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه

روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه

\*\* $P < 0.01$ , \* $P < 0.05$

همان‌گونه که در جدول منعکس شده است، نتایج آزمون  $Z$  فیشر بیانگر معناداری تفاوت رابطه میان روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و نمره کل دینداری در سطوح مختلف تعارض زناشویی است. در گروه همسران غیرمتعارض میان نمره کل دینداری با نمره کل روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه همبستگی متوسط معنادار و مستقیم ( $r = -0.493$  و  $P < 0.01$ ) وجود دارد، در حالی که در گروه همسران متعارض این ارتباط، معنادار نیست ( $P > 0.05$ ) و ( $r = -0.088$ ) و این تفاوت، معنادار ( $Z = -3.417$  و  $P < 0.01$ ) است. این یافته در مورد همه حوزه‌های روان‌بنه‌ای صادق و به معنای پاسخ مثبت به سؤال پژوهش است.

## بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش، موقعیت تعارض زناشویی، به‌طور معناداری رابطه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه با دینداری را تعدیل می‌کند؛ بدین معنا که تفاوت همبستگی این دو متغیر در سطوح تعارض زناشویی معنادار است. رابطه دو متغیر مذکور، در گروه همسران متعارض، ضعیف‌تر از گروه همسران غیرمتعارض است. به عبارت دیگر، در گروه همسران غیرمتعارض، رابطه روان‌بنه‌های ناسازگار و دینداری از الگوی مشخصی پیروی می‌کند (افزایش نمره روان‌بنه‌های ناسازگار به کاهش نمره دینداری منجر می‌شود)، در حالی که در گروه همسران متعارض، این رابطه قابل پیش‌بینی نیست. بدین ترتیب پاسخ سؤال پژوهش مثبت خواهد بود. هیچ پژوهش بومی و غیربومی همسو یا ناهمسو با یافته حاضر به دست نیامد. در تبیین این یافته می‌توان این احتمال را در نظر گرفت که در موقعیت تعارض زناشویی، دینداری و روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه کارکرد خود را از دست می‌دهند. برخی (مانند هاسلی، ۲۰۰۶ و پارک، ۲۰۱۲) معتقدند که دین مانند یک سازه چندبعدی، می‌تواند کارکردی عمیق به اندازه باورهای هسته‌ای و روان‌بنه‌ها داشته باشد و حتی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد؛ اما نتایج این پژوهش این احتمال را تقویت می‌کند که در موقعیت تعارض، دینداری‌ای که به اندازه روان‌بنه عمیق نشده باشد، نه‌تنها توان ناکارآمد کردن روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه را ندارد، بلکه ارتباط منفی آن بسیار ضعیف می‌شود و در مواردی ارتباط مثبت برقرار می‌کند. از این رو کارکرد خود را به عنوان عنصری که اجازه می‌دهد فرد به تفسیر محرک‌های محیطی بپردازد، عناصر گم شده را بیابد و شکاف‌های شناختی و هیجانی را پر کند، از دست می‌دهد و در راهنمایی افراد به چگونگی درک جهان اطراف، واکنش‌ها و رفتارهای خود ناموفق عمل می‌کند. همه این‌ها بدین معنا است که دینداری سطحی، در چنین موقعیتی، فاقد کارآمدی شناختی و هیجانی دینداری روان‌بنه‌ای است و گاه به صورت متعارض عمل می‌کند. حال سؤال این است که چرا در چنین موقعیت‌هایی چنین اتفاقی برای دینداری برخی افراد می‌افتد و به عبارتی، دینداری دوسوگرایانه عمل می‌کند؟ پاسخ به این سؤال نیازمند پژوهش‌های گسترده‌تری است؛ اما شاید بتوان به این مطلب اشاره کرد که عملکرد دوسوگرایانه دینداری حاصل باقی‌ماندن فرد در مراحل ابتدایی دینداری است. توضیح بیشتر اینکه بنا بر نظریه تحول روانی - معنوی جینیا<sup>۱</sup> (۱۹۹۰ به نقل از شک<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲) دینداری افراد می‌تواند در یکی از مراحل ذیل باشد:

1. Genia, V.

2. Shek, D.T.L.

۱. دینداری خودبینانه: <sup>۱</sup> کسانی که در این مرحله از تحول دینی هستند، یا به طور سحرآمیزی خود را با موجود یا موجوداتی که قادر مطلق هستند، همسان می‌کنند یا در تلاش‌اند که خدای دیگرآزار را، که میل به تنبیه و آزار آنان دارد، آرام کنند یا از او رهایی یابند. این افراد به‌شدت بی‌ثبات هستند و از صحنه‌های مذهبی برای نمایش آسیب‌های عاطفی خود سود می‌جویند.

۲. دینداری تعصبی: <sup>۲</sup> این افراد به‌شدت از مایوس کردن دیگران و خداوند می‌ترسند. وسواس عجیبی در هم‌نوا کردن خود با دستورها و رموز مذهبی دارند. در زمینه رفتار و خشم خود احساس گناه می‌کنند و سعی دارند تا آن‌ها را سرکوب کنند. این ویژگی‌ها آنان را به افرادی خشک <sup>۳</sup> و از نظر عاطفی منقبض تبدیل می‌کند. این نوع از مذهب با ویژگی‌هایی از قبیل انکار خود، <sup>۴</sup> اطاعت در برابر قدرت، عدم تحمل هر گونه تنوع و ابهام مشخص می‌گردد.

۳. دینداری دوسوگرایانه: <sup>۵</sup> کسانی که به این مرحله می‌رسند، عقاید قبلی خود را نقد و واریسی می‌کنند و در تلاش‌اند تا ارزش‌ها و اندیشه‌های معنوی خود را دوباره سازمان‌دهی کنند. آنان ظلم و تعصب را مورد انتقاد قرار می‌دهند و بیشتر به وجدان شخصی متکی هستند. تا زمانی که در چهارچوب مذهبی که انتخاب خودشان است و با اندیشه‌های شخصی‌شان هماهنگی دارد، تثبیت نگردند، در این وضعیت قرار دارند. کسانی که در مرحله سوم هستند احتمالاً احساس معنوی بی‌اساس و آشفته‌ای دارند و بیان مذهبی‌شان گاهی بیانگر نوسان و تردید قبول یک دین و یا آمیخته‌ای از تجارب ادیان مختلف است.

۴. دینداری بازساخت‌یافته: <sup>۶</sup> کسانی که به این مرحله از تحول دینی می‌رسند، به دین انتخابی خود، متعهد هستند. آنان با دین خود معنادگی، هدفمندی و تکامل معنوی خود را تدارک می‌بینند و اعمال مذهبی‌شان بر اساس اخلاق و آرمان‌های سازمان‌یافته و درونی‌شده هدایت می‌شود.

۵. دینداری متعالی: <sup>۷</sup> اندک افرادی به این مرحله از تحول معنوی دست می‌یابند. تمایل به فارغ شدن از خود برای دستیابی به خوبی و حقیقت، انسان‌های فوق‌العاده را قادر می‌سازد تا حس مشترکی با افراد دیگر ادیان و نیز خداوند تجربه کنند. آنان مشتاقانه خواهان آرمان‌های جهانی و جدّ و جهد برای به کمال رساندن بالاترین استعدادها در خود و نوع بشر هستند.

1. egocentric faith

2. dogmatic faith

3. rigid

4. Self-denial

5. transitional faith

6. reconstructed faith

7. transformational faith

افراد دارای دینداری می‌توانند در هر یک از مراحل پنج‌گانه فوق باشند و واضح است که دینداری افرادی که در یکی از ۳ مرحله اولیه تحول روانی - معنوی مانده باشند، نه تنها نمی‌تواند مقابله مثبتی در جهت ناکارآمد کردن عملکرد روان‌بنه‌های ناسازگار باشد، بلکه شناخت، هیجان و رفتار دینی نیز با روان‌بنه‌های ناسازگار هم‌نوا خواهد شد و افراد را با مشکل‌های فردی و بین‌فردی بیشتری مواجه خواهد کرد (همان). برای مثال از نظر جان‌بزرگی (۱۳۸۶)، فردی که در مرحله خودمیان‌بینی است، تفکرات سحری<sup>۱</sup> و خرافی<sup>۲</sup> دینی دارد. او گرفتار تغییرات روزمره و هراس از رهاشدگی (از سوی خدا، والدین، دوستان، همسر و دیگران) است. استفاده از او از مذهب برای کسب آرامش و آزادسازی هیجانی است. رفتارهای تکانه‌ای و تحمل کم در برابر ناکامی‌ها از جمله ویژگی‌های او است. خدا فقط موضوع ارضای نیازها و منبع رسیدن به لذت است. نگاه او به دنیا تهدیدآمیز و خطرناک است. احساس بی‌کفایتی، عصبانیت‌های بیانی، کینه‌توزی، عدم گذشت، خیال‌پردازی درباره قدرت، بزرگ‌منشی و کمال و وجود فضای جنجال‌انگیزی درباره موضوع‌های مذهبی از دیگر خصوصیت‌های این افراد است. فردی که در مرحله تعصبی است، وجدانی سخت‌گیر<sup>۳</sup>، تفکری کامل‌گرا<sup>۴</sup>، رفتارهای مذهبی بی‌اختیار<sup>۵</sup>، هویت هم‌نوا و هم‌رنگ، احساس گناه قوی، خیال‌پردازی‌های مذهبی و ترس‌هایی در روابط صمیمانه و از دست دادن عشق موضوع دارد. خدا در نگاه او قضاوت‌کننده، منتقد و درخواست‌کننده است. برتری‌جویی‌های اخلاقی در رفتار او نمود دارد و برای او صحبت درباره افکار و احساس‌های شخصی دشوار است. در تبیین دیگری از نتایج حاصل، می‌توان به این نکته اشاره کرد که دینداری می‌تواند به ایجاد باورهای هسته‌ای درباره رویدادهای زندگی بپردازد (دالمن و وندکریک، ۲۰۰۰) و این یعنی دینداری توان این را دارد که باورهایی به عمق و قدرت باورهای هسته‌ای و روان‌بنه‌ها ایجاد کند، فرد را تحت تأثیر باورهای جدید قرار دهد و باورها و روان‌بنه‌هایی که حاصل تجربیاتی دورتر هستند را از دسترس خارج نماید. این همان نقطه‌ای است که کارکرد مثبت یا منفی دینداری را از یکدیگر متمایز می‌کند. اگر دینداری در این موقعیت، دارای ویژگی‌های مراحل بالاتر و پخته‌تر باشد، به تولید باورهای هسته‌ای و روان‌بنه‌های سازگارتری منجر می‌شود، وگرنه روان‌بنه‌هایی تولید خواهد شد که هم‌سو با روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه یا حتی ناسازگارتر خواهد بود.

1. magical

2. superstitious

3. over conscientious

4. perfectionist

5. compulsive

از دست رفتن احتمالی کارکرد روان‌بندهای ناسازگار اولیه با تبیین‌های فوق توضیح داده می‌شود. همچنین می‌توان این دو احتمال را نیز اضافه کرد: اول اینکه برخی از افراد در موقعیت تعارض‌ها و ناکامی‌های اجتماعی (از جمله تعارض زناشویی) به رفتارهای مذهبی پناه می‌برند تا بتوانند از آن تکیه‌گاهی برای تخلیه هیجانات منفی یا حفظ تمامیت «من» بسازند. در مواردی که دینداری فرد در مراحل اولیه تحول قرار دارد، این مکانیسم، یک رفتار ناپخته است و فرد را در بلندمدت از سلامت روان دور می‌کند. هرچه روان‌بندهای ناسازگار بیشتر باشد، احتمال بروز تعارض بیشتر می‌شود و در نتیجه، میزان پناه بردن به این مکانیسم افزایش خواهد یافت. این به معنای کاهش رابطه منفی روان‌بندها با دینداری و حتی مثبت شدن این رابطه است. دوم اینکه در موقعیت تعارض، اغلب افراد (دست‌کم در جامعه پژوهش) تحت تأثیر باورهای متأخر خود هستند، نه باورها و روان‌بندهای اولیه. اگر این احتمال درست باشد، ممکن است درستی نظر برخی (مانند فروید و یانگ) که انسان را حبس در گذشته و کودکی می‌دانند یا معتقدند که روان‌بندها، به‌گونه‌ای متناقض و اجتناب‌ناپذیر، زندگی بزرگ‌سالی را به شرایط دوران کودکی می‌کشاند، در برخی موقعیت‌ها مورد تردید باشد.

## منابع

- احمدی، خدابخش، فتحی‌آشتیانی، علی و عرب‌نیا، علیرضا (۱۳۸۵)، «بررسی رابطه بین تقیدات مذهبی و سازگاری زناشویی»، *خانواده پژوهی*، سال دوم، شماره ۵، ۶۷-۵۵.
- آهی، قاسم، محمدی‌فر، محمدعلی و بشارت، محمدعلی (۱۳۸۶)، «اعتباریابی مقیاس طرح‌واره سازش نایافته (فرم کوتاه)»، *روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران*، سال سی و ششم، شماره ۳، ۲۰-۵.
- ثناپی، باقر، علاقبند، ستیلا، فلاحتی، شهره و هومن، عباس (۱۳۸۷)، *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*، تهران: بعثت.
- جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۸۶)، «جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان»، *پژوهش در پزشکی*، سال سی و یکم، شماره ۴، ۳۴۵-۳۵۰.
- جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۸۸)، «ساخت و اعتباریابی آزمون دینداری بر اساس گزاره‌های قرآن و نهج‌البلاغه»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، سال سوم، شماره ۵، ۷۹-۱۰۶.
- دائمی، فاطمه و جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۹۰)، «تأثیر سبک والدینی و روان‌بندهای ناسازگار اولیه مادران

بر حرمت‌خود کودکان»، *علوم رفتاری*، سال ۵، شماره ۲، ۱۶۵-۱۷۲.

روحانی، عباس و معنوی‌پور، داود (۱۳۸۷)، «رابطه عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه»، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی*، شماره ۳۵ و ۳۶، ۱۸۹-۲۰۶.

سیاوشی، حسین و نوایی‌نژاد، شکوه (۱۳۸۴)، «رابطه بین الگوهای ارتباط زناشویی و باورهای غیرمنطقی دبیران دبیرستان‌های ملایر»، *پژوهش‌های مشاوره (تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره)*، سال چهارم، شماره ۱۵، ۳۴-۹.

عبدالله‌پور، نازی، مقیمی آذری، محمدباقر، قلی‌زاده، حسین، سیدمهدوی اقدم، میرروح الله و علی اشرفی زکی، زینب (۱۳۸۸)، «رابطه بین دینداری با کارکرد خانواده در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز»، *علوم/اجتماعی*، سال سوم، شماره ۷، ۱۵۷-۱۷۶.

فرح‌بخش، کیومرث، شفیع‌آبادی، عبدالله، احمدی، احمد و دلاور، علی (۱۳۸۵)، «مقایسه میزان اثربخشی مشاوره زناشویی به شیوه شناختی ایس، واقعیت درمانی گلاسر و اختلاطی از آن دو در کاهش تعارض‌های زناشویی»، *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، سال پنجم، شماره ۱۸، ۳۳-۵۸.

فقیهی، علی‌نقی، خدایاری‌فرد، محمد، غباری‌بناب، باقر و شکوهی‌یکتا، محسن (۱۳۸۵)، «بررسی الگوی دینداری از منظر قرآن و سنت»، *اندیشه دینی*، سال هشتم، شماره ۱۹، ۴۱-۷۰.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، *بحارالانوار*، بیروت: الوفاء.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۱)، *گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰*، تهران: نشر مرکز آمار

ایران، قابل دسترسی در: <http://www.amar.org.ir>

منجزی، فرزانه، شفیع‌آبادی، عبدالله و سودانی، منصور (۱۳۹۱)، «بررسی اثر ارتباط اسلامی و نگرش‌های مذهبی بر بهبود رضایت زناشویی»، *تحقیقات علوم رفتاری*، سال دهم، شماره ۱، ۳۰-۳۷.

Butler, M.H., Stout, J.A., and Gardner, B.C. (2002), "Prayer as a conflict resolution ritual: Clinical implications of religious couples' report of relationship softening, healing perspective, and change responsibility", *American Journal of Family Therapy*, 30, 19-37.

Call, V.R. and Heaton, T.B. (1997), "Religious influence on marital stability", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 36(3), 382-392.

Daaleman, T.P. and VandeCreek, L. (2000), "Placing religion and spirituality in end-of-life care", *Journal of the American Medical Association*,



284, 2514-2517.

Dulong, J. (2007), "How Can I Keep From Suffocating in A Relationship?", *Psychology Today*, 40(1), 46-47.

Ellis, A. (1978), "Treating the Abrasive client with Rational – Emotive Therapy", *journal of Psychotherapy*, 1(1), 21-25.

Epstein, N. (1986), "Cognitive Marital Therapy: Multi level assessment and intervention", *Journal of Rational-Emotive Therapy*, 4, 68-81.

Halford, W.K. (2001), *Brief couple therapy for couples*, New York: Guilford publication.

Haseley, J.L. (2006), *Marital Satisfaction among Newly Married Couples: Association with Religiosity and Romantic Attachment Style*, Unpublished PhD Dissertation, University of north Texas.

Hunt, R.A. and King, M.B. (1978), "Religiosity and marriage", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 17, 399-406.

Mahoney, A., Pargament, K.I., Jewell, T., Swank, A.B., Scott, E., Emery, E., and Rye, M. (1999), "Marriage and the spiritual realm: The role of proximal and distal religious constructs in marital functioning", *Journal of Family Psychology*, 13, 321-338.

Marsh, R., and Dallos, R. (2001), "Roman Catholic couples: wrath and religion", *Journal of Family Process*, 40(3), 343-60.

Orathinkal, J. and Vansteewegen, A. (2006), "Religiosity and marital satisfaction", *Contemporary Family Therapy*, 28, 497-504.

Park, C.L. (2012), Religious and Spiritual Aspects of Meaning in the Context of Work Life, Ads in "*Psychology of Religion and Workplace Spirituality*", Hill, P.C.; Dik, K.D. and Dik, B.J (Eds., pp. 135-155).; IAP publisher.

Shek, D.T.L. (2012), "Spirituality as a Positive Youth Development Construct: A Conceptual Review", *Scientific World Journal*, doi:

10.1100/2012/458953.

Snow, T.S. and Compton, W.C. (1996), "Marital satisfaction and communication in fundamentalist Protestant marriages", *Journal of Psychology Reports*, 78, 979-985.

Sullivan, K.T. (2001), "Understanding the Relationship Between Religiosity and Marriage: An Investigation of the Immediate and Longitudinal Effects of Religiosity on Newlywed Couples", *Journal of Family Psychology*, 15, 610-626.

Verhagen, P., Van, P.H.M., López-Ibor, J.J., Cox, J. and Moussaoui, D. (2010), *Religion and Psychiatry: Beyond Boundaries*, Wiley press.

Waller, G., Meyer, C., and Ohanian, V. (2001), "Psychometric Properties of the Long and Short Versions of the Young Schema Questionnaire: Core Beliefs among Bulimic and Comparison Women", *Journal of Cognitive Therapy and Research*, 25(2), 137-147.

Young, J.E. (1990), *Cognitive therapy for personality disorders: A schema focused approach*, Sarasota, FL: Professional Resource Press.

Young, J.E. (1998), *Young Schema Questionnaire. Short form (1st Ed.)*, New York: Cognitive Therapy Center.

## رابطه بهزیستی معنوی با هوش اخلاقی و هدف در زندگی

### The Relationship between Spiritual Well-being, Moral Intelligence and Purpose in Life

کح حدیث چراغیان / کارشناس ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه علامه طباطبایی؛  
محمدحسین خانی / کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی؛  
محمد زارعی توپخانه / دانشجوی دکتری روان‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛  
سیده‌خدیدجه مرادیان گیزه‌رود / دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه لرستان؛

Hadis Cheraghian / M.A. of School Counseling, ATU.

Mohammad Hussein Khani / M.A. of Educational Psychology, ATU.

Mohammad Zareie Tupkhane / PhD Student of Psychology, RIHU.

Seyyida Khadije Moradian Gize-Roud / PhD Student in Educational Psychology, LU.

#### Abstract

The present study aims at investigating the relationship between moral intelligence, purpose in life and spiritual well-being in high school students. This study is in correlational form and the sample group consisted of 250 high school students from Delfan city, selected through multi-stage cluster sampling. The devices used were the questionnaires of spiritual well-being, moral intelligence and purpose in life. The data were analyzed by SPSS 18 software and simultaneously investigated by using Pearson's correlation test and regression analysis. The results showed that the variables of the study are meaningfully related to

#### چکیده

هدف از اجرای پژوهش حاضر بررسی رابطه هوش اخلاقی و هدف در زندگی با بهزیستی معنوی در دانش‌آموزان دبیرستانی است. این پژوهش از نوع همبستگی است و حجم نمونه پژوهش ۲۵۰ نفر از دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهرستان دلفان هستند که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده، پرسش‌نامه بهزیستی معنوی، هوش اخلاقی و هدف در زندگی بودند. داده‌ها با نرم افزار SPSS ۱۸ تحلیل و با آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون هم‌زمان بررسی شد. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که متغیرهای پژوهش از ارتباط معناداری با یکدیگر برخوردارند و هوش اخلاقی و هدف در زندگی به شکلی معنادار بخشی از واریانس

one another, and moral intelligence and purpose in life predict some part of the variance of spiritual well-being meaningfully. In sum, we may say that purposefulness in life and acquiring moral intelligence can lead to spiritual well-being.

**Keywords:** moral intelligence, purpose in life, spiritual well-being.

بهبودی معنوی را پیش‌بینی می‌کند. در مجموع می‌توان گفت که هدفمندی در زندگی و دستیابی به هوش اخلاقی می‌تواند بهبودی معنوی را به همراه داشته باشد.

**کلیدواژه‌ها:** هوش اخلاقی، هدف در زندگی، بهبودی معنوی.

### مقدمه

امروزه خلأ وجودی، پدیده بسیار گسترده و شناخته‌شده قرن ما است. بیماران بی‌شماری از احساسی کلی به نام «بی‌معنایی» زندگی رنج می‌برند. این افراد طعمه خلأ درونی و پوچی زندگی شده‌اند. این خلأ وجودی اغلب به شکل ملالت و بی‌حوصلگی پیوسته خودنمایی می‌کند و ماشینی‌تر شدن زندگی امروزی به این بحران شدت می‌بخشد (فرانکل<sup>۱</sup>، ۱۹۷۹، ترجمه تبریزی و علوی‌نیا، ۱۳۸۳). هدف و معنا در زندگی<sup>۲</sup> از مهم‌ترین موضوعات دینی، مدیریت، فلسفی و روان‌شناختی است. درباره هدف در زندگی روان‌شناسانی چون آلپورت<sup>۳</sup>، لوین<sup>۴</sup>، فروم<sup>۵</sup>، اریکسون<sup>۶</sup> و یونگ<sup>۷</sup> و فیلسوفان مسلمانی نظیر غزالی، شهید مطهری و علامه طباطبائی (ره) بحث‌هایی را مطرح و بر ضرورت آن تأکید کرده‌اند (مصلح، ۱۳۸۸).

در قلمرو نظری، فرانکل از مهم‌ترین نظریه‌پردازان در حیطه معنا و هدف در زندگی است. او مبدع روش معنادرمانی است. از دیدگاه او، مبنای انگیزش و رفتار انسان معطوف به معنا افراد از تنشی که برای هدفی ارزشمند صرف می‌شود، لذت می‌برند. از نظر فرانکل، معنا دانی نیست، بلکه یافتنی است. از دیگر نظریه‌های حیطه معنا در زندگی می‌توان به مدل خودشکوفایی مازلو اشاره کرد. مازلو معتقد است که معنا از طریق خودشکوفایی تحقق می‌یابد. فرد بانگیزه و رشدیافته، در جریان تجارب از خود فراتر می‌رود و می‌تواند معنای زندگی‌اش را دریابد. به اعتقاد مازلو فردی که در پیدا کردن معنای زندگی دچار مشکل شود با تنش‌ها و سرخوردگی‌هایی روبه‌رو خواهد شد (فیروزبخت، ۱۳۷۸).

1. Fronkel, V.E.

2. purpose and mining in life

3. Allport, G.

4. Lewin, K.

5. Fromm, E.

6. Erikson, E.

7. Gung, C.

در عرصه دینی نیز نگاهی گذرا به تاریخ بشر نشان می‌دهد که همه جوامع به نوعی به دنبال دین و دینداری بوده‌اند؛ زیرا دین چشم‌اندازی از اهداف زندگی و روش‌های تحقق آن‌ها را به بهترین شکل ممکن ترسیم می‌سازد (داودی، ۱۳۸۳). برای مثال ادیان توحیدی، به ویژه اسلام، با مطرح کردن مفهوم احساس جاودانگی، به صورتی که زندگی انسان در این دنیا خلاصه نشود، زمینه را برای اهداف متعالی انسان فراهم می‌آورند. پر واضح است که در این رویکرد دیگر زندگی امری فراتر از تکرار امور بی‌نتیجه خواهد بود (شرفی، ۱۳۸۴). مطالب گفته‌شده اهمیت و ضرورت معنا در زندگی را با توجه به رویکردهای مختلف نشان می‌دهد. از جمله مفاهیمی که با هدف در زندگی رابطه دارد بهزیستی معنوی<sup>۱</sup> است (مونسون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳). بهزیستی معنوی می‌تواند حالتی از انعکاس احساسات و رفتارها و شناخت مثبت از روابط با خود، دیگران، وجود متعالی و طبیعت باشد که فرد را به حس هویت، تمامیت، رضایت، لذت، قناعت، زیبایی، عشق، احترام، نگرش مثبت، صلح، آرامش درونی، هدف و جهت‌مندی در زندگی مجهز می‌کند (گومز<sup>۳</sup> و فیشر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳). فیشر (۲۰۱۰) در این باره معتقد است که بهزیستی معنوی این را منعکس می‌کند که افراد چگونه در هماهنگی با رابطه با خود (شخصی)، دیگران (جمعی)، طبیعت (محیط زیست) یا خدا (یا وجود متعالی دیگر) زندگی می‌کنند.

بهزیستی معنوی از نظر قرآن کریم عبارت است از اصلاح رابطه میان خود و خدای خود، اصلاح رابطه انسان با خود، اصلاح رابطه با دیگران و اصلاح رابطه با طبیعت در حوزه اندیشه و بینش، عواطف و تمایلات و رفتار و عملکرد (فیروزی، اسماعیلی و معتمدی، ۱۳۹۲). به نظر می‌رسد این تعریف با تعریف فیشر (۲۰۱۰) همخوانی دارد.

اغلب تعاریف معنویت بر جست‌وجوی برای معنا و هدف تأکید می‌کنند (ون دایرنثویک<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲). مذهب حس هدفمندی و معناداری را در زندگی ایجاد می‌کند. معنا در زندگی یک متغیر واسطه بسیار مهم بین دینداری و بهزیستی است و ارائه معنا یکی از عملکردهای مهم اغلب ادیان است (کیم - پریئو<sup>۶</sup>، ۲۰۱۴). همچنین وابستگی‌های مذهبی به‌طور معناداری عامل پیش‌بینی‌کننده هدف و معنا هستند (اسکلز<sup>۷</sup>، سیوتسن<sup>۸</sup>، بنسون<sup>۹</sup>، رولکپارتین<sup>۱۰</sup> و

1. spiritual well-being

2. Monson, C.H.

3. Gomez, R.

4. Fisher, J.W.

5. van Dierendonck, D.

6. Kim-Prieto, C.

7. Scales, P.C.

8. Syvertsen, A.K.

9. Benson, P.L.

10. Roehlkepartain, E.C.

سسما<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴). معنویت بیشتر با انعطاف‌پذیری و خوش‌بینی بالاتر همبستگی دارد (واهیا<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۱) و معنویت موجب تقویت معنای زندگی، عزت نفس و عاطفه مثبت می‌گردد (کشدان<sup>۳</sup> و نزلک<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲). شواهد، علاوه بر رابطه منفی معنویت با خودکشی و اضطراب (کوئینگ<sup>۵</sup>، ۲۰۱۲)، همبستگی مثبت معنویت و سلامت روان را نشان داده‌اند؛ در واقع سطوح بالای معنویت با سلامت روان بیشتری در بزرگسالان همراه است (وانگ<sup>۶</sup>، رنو<sup>۷</sup> و سالیکنو<sup>۸</sup>، ۲۰۰۶). معنویت همچنین با سطوح بالای معنای زندگی همراه است (آیوزان<sup>۹</sup>، چان<sup>۱۰</sup>، گاردنر<sup>۱۱</sup> و پراشار<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۱) و یکی از راه‌های ایجاد معنا و هدف در زندگی است (لیتوینزوک<sup>۱۳</sup> و گرو<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۷).

معنویت نه تنها یک زندگی خودبازتاب‌دهنده و هدفمند را پیشنهاد می‌دهد، بلکه با اخلاق و بینش اخلاقی نیز همپوشانی دارد. معنویت به عمیق‌ترین ارزش‌ها و معانی اشاره دارد که افراد در جست‌وجوی آن‌ها زندگی می‌کنند. به عبارت دیگر، معنویت به نوعی بینش از روح و روان انسان و آنچه به آن کمک می‌کند تا به پتانسیل کامل برسد، اشاره دارد (شلدراک<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۹).

معنویت بخشی جدایی‌ناپذیر از اخلاق و ارزش‌های انسانی است و در ادیان یکتاپرست اهمیت بالایی دارد. این اهمیت بیشتر از آن جهت است که فطرت آدمی تمایلی بنیادین به ارزش‌های مثبت و مطلوب دارد. یکی از مهم‌ترین آفات که امروزه بشر و حیات انسانی را به شدت تهدید می‌کند، غفلت و بی‌توجهی به مسائل اخلاقی و ارزش‌های معنوی است (نادی و گل‌پرور، ۱۳۹۰). از آنجا که انسان معنوی معرفت‌ویژهای به خدا، انسان و جهان هستی دارد، تلاش می‌کند اعتقادات و باورهای معنوی خود را در اخلاق نشان دهد (عباسی، عزیززی، شمس‌گوشکی، نصری راد و اکبری لاله، ۱۳۹۱)؛ به علاوه مذهب بر اخلاق تأثیر می‌گذارد (واهرام، ۱۹۸۱). همچنین بین بهزیستی معنوی و مسؤولیت‌پذیری، که یکی از مؤلفه‌های اساسی هوش اخلاقی است، رابطه‌ای معنادار و مثبت وجود دارد (احمدی، قدسی و عابدی، ۲۰۱۲)؛ بنابراین به نظر می‌رسد با هوش اخلاقی<sup>۱۶</sup> رابطه داشته باشد.

بوربا<sup>۱۷</sup> (۲۰۰۵) هوش اخلاقی را ظرفیت و توانایی درک درست از خلاف، داشتن

1. Sesma Jr, A.

2. Vahia, I.V.

3. Kashdan, T.B.

4. Nezelek, J.B.

5. Koenig, H.

6. Wong, Y.J.

7. Rew, L.

8. Slaikeu, K.D.

9. Ivtzan, I.

10. Chan, C.P.

11. Gardner, H.E.

12. Prashar, K.

13. Litwinczuk, K.M.

14. Groh, C.J.

15. Shel Drake, P.

16. moral intelligence

17. Borba, M.

اعتقادات اخلاقی قوی و عمل به آن‌ها و رفتار در جهت صحیح و درست تعریف می‌کند. این نوع هوش نوعی جهت‌یابی برای اقدامات است. در واقع این هوش تمام دیگر انواع هوش انسان را در جهت انجام کارهای ارزشمند و انسانی هدایت می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه اصول و اهداف و اقدامات با هم مرتبطاند (تورنر<sup>۱</sup> و بارلینگ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲). همچنین هوش اخلاقی نشان‌دهنده اشیاق و توانایی فرد برای قرار دادن معیارهای برتر و فراتر از منافع خود است (اسماعیلی طرزی، بهشتی فر و اسماعیلی طرزی، ۱۳۸۹).

هوش اخلاقی ده زیر مجموعه دارد شامل: انسجام، صداقت، شجاعت، رازداری، انجام تعهدات فردی/مسئولیت‌پذیری (پاسخ‌گویی) در برابر تصمیمات شخصی، خودکنترلی و خودمحدودسازی، کمک به دیگران (قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران)، مراقبت از دیگران (مهربانی)، درک احساسات دیگران (بشردوستی و رفتار شهروندی) و درک نیازهای روحی خود (ایمان، اعتقاد و تواضع)، (لنیک و کیل، ۲۰۰۵). هوش اخلاقی علاوه بر فراهم کردن چارچوبی قوی برای فعالیت، اصولی دارد که برای موفقیت مداوم و سازمانی و شخصی ضروری است: ۱. درستکاری: یعنی ایجاد هماهنگی بین آنچه که می‌دانیم درست است و گفتن حرف راست در تمام زمان‌ها؛ ۲. مسئولیت‌پذیری: کسی که هوش اخلاقی بالایی دارد، مسئولیت اعمال خود و پیامدهای آن اعمال، همچنین اشتباهات و شکست‌های خود را می‌پذیرد؛ ۳. دلسوزی: توجه به دیگران که دارای تأثیر متقابل است. اگر در برابر دیگران مهربان و دلسوز باشیم، آنان نیز موقع نیاز با ما همدردی می‌کنند؛ و ۴. بخشش: آگاهی از عیوب و اشتباهات خود و دیگران و بخشیدن خود و دیگران (بوربا، ۲۰۰۱).

در مجموع می‌توان گفت که هوش اخلاقی به این حقیقت اشاره دارد که ما به صورت ذاتی، اخلاقی یا غیراخلاقی متولد نمی‌شویم، بلکه یاد می‌گیریم که چگونه خوب باشیم. یادگیری خوب بودن شامل ارتباطات، بازخورد، جامعه‌پذیری و آموزش است که هرگز پایان‌پذیر نیست. آنچه برای انجام کارهای درست به آن نیاز داریم، هوش اخلاقی است که با استفاده از آن به یادگیری عمل هوش‌مندانه و دست‌یابی به بهترین عمل خوب نزدیک می‌شویم (مختاری‌پور و سیادت، ۱۳۸۸).

مرور دقیق پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که تاکنون پژوهش‌هایی در باره هوش اخلاقی، هدف در زندگی و بهزیستی معنوی صورت گرفته است. با وجود این، در جامعه ایرانی، پژوهشی که ارتباط بهزیستی معنوی با هدف در زندگی و هوش اخلاقی را نشان

دهد، یافت نشد. از این رو با توجه به اهمیت هدف در زندگی، بهزیستی معنوی و هوش اخلاقی، هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بهزیستی معنوی با هوش اخلاقی و هدف در زندگی بوده و این فرضیه‌ها بررسی شده است که بهزیستی معنوی با هدف در زندگی و هوش اخلاقی رابطه دارند و بخش معناداری از واریانس آن را تبیین می‌کنند.

### روش پژوهش

این پژوهش توصیفی با روش همبستگی است. جامعه آماری از کلیه دانش‌آموزان دختر دبیرستانی مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۹۲-۹۳ شهرستان دلفان تشکیل شده است. روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای است؛ به این صورت که از مناطق مختلف شهرستان دلفان دو منطقه انتخاب شد. از هر منطقه دو مدرسه و از هر مدرسه ۳ کلاس انتخاب و ۲۵۰ پرسش‌نامه بین دانش‌آموزان توزیع شد. جهت تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۸ و روش همبستگی و رگرسیون چندگانه استفاده شد. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. **مقیاس هوش اخلاقی:** این مقیاس را لیک و کیل (۲۰۰۵) ارایه کرده‌اند که از ۴۰ سؤال با طیف پنج درجه‌ای (هرگز، به ندرت، گاهی اوقات، اغلب اوقات و تمام اوقات) تشکیل شده است. این پرسش‌نامه هوش اخلاقی را در ۱۰ زیرمؤلفه اهمیت دادن خودجوش به دیگران، عمل کردن مبتنی بر اصول، اقرار به اشتباه، استقامت و پافشاری حرف، قبول مسؤولیت برای خدمت به دیگران، پای‌بندی به عهد، راست‌گویی، مسؤولیت‌پذیری برای تصمیمات شخصی، توانایی بخشش اشتباهات دیگران و توانایی بخشش اشتباهات خود مورد سنجش قرار می‌دهد. پایایی این آزمون (۰/۹۴) و روایی صوری و محتوایی آن را متخصصان تأیید کرده‌اند. ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۸۸ است (محمودی، سیادت و شادان‌فر، ۱۳۹۱) که در این پژوهش نیز ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ به دست آمد.

۲. **بهزیستی معنوی:** پالوتزیان<sup>۱</sup> و الیسون<sup>۲</sup> (۱۹۸۲) این مقیاس را با ۲۰ ماده ساختند. پاسخ‌گویی به سؤالات به صورت لیکرت ۶ درجه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم و شامل دو خرده‌مقیاس است. سؤالات فرد مربوط به خرده‌مقیاس بهزیستی مذهبی است که میزان تجربه فرد از رابطه رضایت‌بخش با خدا را می‌سنجد و سؤالات زوج مربوط به خرده‌مقیاس بهزیستی وجودی است که احساس هدف و رضایت از زندگی را می‌سنجد. پالوتزیان و

1. Paloutzian, R.F.

2. Ellison, C.W.



الیسون (۱۹۸۲) طی پژوهشی ضریب آلفای کرونباخ بهزیستی معنوی را ۰/۹۳ گزارش کردند. این مقیاس را دهشیری، سهرابی، جعفری و نجفی (۱۳۸۶) اعتباریابی کرده‌اند و مقدار ضریب آلفای کرونباخ را ۰/۹۰ و میزان ضریب روایی به روش بازآزمایی را ۰/۸۵ گزارش نمودند. در پژوهش حاضر پایایی پرسش‌نامه با روش کرونباخ ۰/۷۸ به دست آمد.

**۳. مقیاس هدف در زندگی (PIL):** این پرسش‌نامه را کرامباف و ماهولیک در سال ۱۹۶۹ ساختند که دارای ۲۰ سؤال ۷ درجه‌ای است. مضمون سؤالات این پرسش‌نامه با مفهوم و نظریه درمانی فرانکل هم‌هنگ است. دامنه نمره کل از ۲۰ تا ۱۴۰ است و نمره بالاتر هدف در زندگی و معنای قوی‌تر را نشان می‌دهد (کرامباف و ماهولیک، ۱۹۶۹). در مطالعات داخلی پرسش‌نامه مذکور، روایی آن از طریق تحلیل عاملی مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن با روش کرونباخ ۰/۹۲ به دست آمد (چراغی، عریضی و فراهانی، ۱۳۸۷). در این پژوهش نیز پایایی پرسش‌نامه با روش کرونباخ ۰/۷۴ به دست آمد.

### یافته‌های پژوهش

در این بخش با تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری‌شده از طریق پرسش‌نامه، به آزمون فرضیات می‌پردازیم که دارای اهمیت ویژه‌ای در نتیجه‌گیری پژوهش است. در این تحقیق از تکنیک‌های آماری آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون چندگانه جهت بررسی متغیرهای جمعیت‌شناختی نمونه از آمار توصیفی آماری استفاده شده است. نمونه پژوهش حاضر ۲۵۰ شرکت‌کننده است. به منظور تعیین اطلاعات توصیفی متغیرهای مورد پژوهش، شاخص‌های توصیفی در قالب جدول شماره ۱ ارائه شده است. در جدول ۲ نیز شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه ارائه شده است.

جدول ۱: توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه به تفکیک پایه تحصیلی

شاخص آماری		پایه تحصیلی
درصد	فراوانی	
۳۱/۱	۷۵	اول
۲۱/۹	۵۳	دوم
۹/۵	۲۳	سوم
۳۷/۳	۹۰	پیش‌دانشگاهی
۱۰۰	۲۵۰	مجموع کل

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

انحراف معیار	میانگین	متغیرهای پژوهش	
۳/۰۴	۱۳/۵۶	اهمیت دادن خودجوش به دیگران	
۲/۸۱	۱۳/۸۶	عمل کردن مبتنی بر اصول	
۲/۸۱	۱۳/۰۶	اقرار به اشتباه	
۲/۶۹	۱۲/۹۴	استقامت و پافشاری حرف	
۲/۷۸	۱۲/۷۱	قبول مسؤلیت برای خدمت به دیگران	هوش اخلاقی
۲/۸۴	۱۴/۳۵	پای بندی به عهد	
۲/۲۵	۱۳/۸۷	راست‌گویی	
۲/۵۱	۱۲/۹	مسؤلیت‌پذیری برای تصمیمات شخصی	
۳/۰۳	۱۳/۰۵	توانایی بخشش اشتباهات دیگران	
۳/۲۵	۱۳/۰۱	توانایی بخشش اشتباهات خود	
۸/۷	۴۲/۱	بهزیستی مذهبی	بهزیستی معنوی
۹/۴	۵۴/۲	بهزیستی وجودی	
۸/۸	۹۰/۸	هدف در زندگی	هدف در زندگی

به منظور بررسی ارتباط زیرمقیاس‌های بهزیستی معنوی و هوش اخلاقی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد که بین بهزیستی معنوی و هوش اخلاقی ارتباط معنادار وجود دارد. همچنین بین مؤلفه‌های بهزیستی معنوی و هدف در زندگی رابطه معنادار وجود دارد ( $r= ۰/۴۲, P<۰/۰۵$ ).

جدول ۳: آزمون همبستگی پیرسون برای متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳
۱. بهزیستی مذهبی	-		
۲. بهزیستی وجودی	۰/۸۶**	-	
۳. هوش اخلاقی	۰/۳۵**	۰/۳۳**	-
۴. هدف در زندگی	۰/۳۲**	۰/۱۶**	۰/۲۴**

\*\* $P<۰/۰۱$

برای بررسی این فرضیه که آیا هوش اخلاقی و هدف در زندگی می‌تواند بخشی از واریانس بهزیستی مذهبی را تبیین نماید، از روش رگرسیون خطی دو متغیره استفاده شد. جدول ۴ نتایج تحلیل را نشان می‌دهد که هوش اخلاقی و هدف در زندگی می‌توانند ۱۲/۴ درصد از واریانس بهزیستی معنوی را تبیین نمایند. همچنین ضریب بتای استاندارد شده نشان می‌دهد که یک واحد افزایش در نمره هوش اخلاقی مساوی با ۰/۱۲ افزایش در نمره بهزیستی معنوی و یک واحد افزایش در نمره هدف در زندگی برابر با ۰/۳۰ واحد در افزایش بهزیستی معنوی است.

جدول ۴: تحلیل رگرسیون دو متغیره همزمان

مدل	B	SD	$\beta$	R <sup>۲</sup>	F	p	t	p
هوش اخلاقی	۰/۱۲	۰/۰۶۰	۰/۱۲	۰/۱۲۴	۱۷/۵۱	۰/۰۰۰۱	۲/۱۰	۰/۰۳۶
هدف در زندگی	۰/۳۱	۰/۰۶۳	۰/۳۰				۴/۹۶	۰/۰۰۱

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر برای بررسی رابطه هدف در زندگی و هوش اخلاقی با بهزیستی معنوی انجام شد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که هوش اخلاقی و هدف در زندگی ارتباط مثبت و معناداری با بهزیستی معنوی دارند و می‌توانند درصدی از واریانس آن را پیش‌بینی کنند. نتایج حاصل از فرضیه اول نشان می‌دهد که هدف در زندگی با بهزیستی معنوی رابطه مثبت معناداری دارد و آن را مورد پیش‌بینی قرار می‌دهد. نتایج این فرضیه با پژوهش‌های قبلی، از جمله اسکلز، سیوتسن، بنسون، رولکپارتین و سسما (۲۰۱۴)، کیم - پریو (۲۰۱۴)، لیتوینزوک و گرو (۲۰۰۷)، آیوزان چان گاردنر و پراشار (۲۰۱۱)، مونسون (۲۰۱۳)، ونوک<sup>۱</sup> و مارچینکوفسکی<sup>۲</sup> (۲۰۱۴) و ون دایرونیک (۲۰۱۲) همسو است. معنویت هدف در زندگی را تقویت می‌کند و هدف در زندگی به‌طور معناداری با معنویت مرتبط است (ون دایرونیک، ۲۰۱۲). هدف در زندگی بین تجارب معنوی با رضایت از زندگی و عاطفه مثبت نقش واسطه را ایفا می‌کند. در واقع هدف در زندگی باعث بهبود رضایت از زندگی و عاطفه مثبت می‌شود و عاطفه منفی را کاهش می‌دهد (ونوک و مارچینکوفسکی، ۲۰۱۴). از آنجایی که معنویت و باورهای دینی با فراهم کردن معنا برای زندگی و حرکت به سوی بهتر شدن همراه است،

داشتن تجربه معنوی باعث هدف در زندگی می شود (مونسون، ۲۰۱۳). همچنین سطوح بالای معنویت (با یا بدون دین) در افراد، با سطوح بالای خودشکوفایی و معنای زندگی همراه است (آیوزان، چان، گاردنر و پراشار، ۲۰۱۱). مذهب حسی از هدف و معنا را ابلاغ می کند. معنا در زندگی یک متغیر واسطه بسیار مهم بین دینداری و بهزیستی است و به این لحاظ، ارائه معنا یک عملکرد مهم در اغلب ادیان است (کیم - پریتمو، ۲۰۱۴). دو عامل پیش‌بینی کننده وابستگی‌های مذهبی هستند (اسکلز، سیوتسن، بنسون، رولکپارتین و سسما، ۲۰۱۴) به طوری در افراد مبتلا به HIV رابطه معناداری یافت شده است که بین معنویت و معنا در زندگی (لیتوینزوک و گرو، ۲۰۰۷) یافته‌ها نشان می‌دهند که حضور معنا در زندگی مانند مسیری بین معنویت و بهزیستی روان‌شناختی است و این دو را به هم مرتبط می‌کند (کومالو،<sup>۱</sup> ویسینگ<sup>۲</sup> و شات<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴). به علاوه، اغلب تعاریف معنویت بر جست‌وجوی معنا و هدف تأکید می‌کنند (ون دایرونیک، ۲۰۱۲). با توجه به نتایج پژوهش‌های صورت گرفته، به نظر می‌رسد بهزیستی معنوی و معنا و هدف در زندگی جهت و سوی زندگی را مشخص می‌کند. دین برای انسان‌ها چارچوبی را فراهم می‌کند که کل هستی را بر اساس آن تفسیر و حالات مختلف احساسی را درک‌پذیر می‌کند. سست شدن پای‌بندی دینی منجر به سردرگمی و تشویش می‌شود و بی‌معنایی و بی‌هدفی به دنبال آن می‌آید. از این رو یکی از اهداف دین، کاهش اضطراب و حل مسائل معنابخشی بشر است؛ دین عامل اصلی خلق ارزش‌ها و هنجارهای عملی برای معنایابی است.

از دیگر نتایج این پژوهش رابطه مثبت و معنادار هوش اخلاقی با بهزیستی معنوی است و نشان می‌دهد که هوش اخلاقی بهزیستی معنوی را پیش‌بینی می‌کند. این یافته با پژوهش‌های قبلی، از جمله با هوبر<sup>۴</sup> و مک‌دونالد<sup>۵</sup> (۲۰۱۲)، یانگ<sup>۶</sup>، کشول<sup>۷</sup> و ولینگتن<sup>۸</sup> (۱۹۹۸)، باتسون<sup>۹</sup> و همکاران، (۱۹۸۹)، واهرام (۱۹۸۱)، نادای و گل‌پرور (۱۳۹۰) و عباسی و همکاران (۱۳۹۱) همسو است. نتایج پژوهش یانگ، کشول و ولینگتن (۱۹۹۸) نشان داد که معنویت با اخلاق رابطه دارد. مشخص شده است که دلسوزی یکی از متغیرهای هوش اخلاقی است که با شناخت معنوی غیرمذهبی و تجارب معنوی رابطه مثبت قابل توجهی دارد. از سوی دیگر، نودوستی نیز ارتباطی قوی با تجارب معنوی دارد که پس از شناخت معنوی رخ می‌دهد. در واقع شناخت معنوی غیرمذهبی و تجارب معنوی قوی‌ترین پیش‌بین

1. Khumalo, I.P.

2. Wissing, M.P.

3. Schutte, L.

4. Huber, J.T

5. MacDonald, D.A

6. Young, S.J

7. Cashwell, C.S

8. Woolington, J.V.

9. Batson, C.D.

دلسوزی هستند (هوبر و مک دونالد، ۲۰۱۲). مذهب فرایندهای شناختی را در بر دارد که با اخلاق مرتبط هستند (واهرام، ۱۹۸۱)، در نتیجه، افراد مذهبی بیشتر قابل اعتمادند (باتسون و همکاران، ۱۹۸۹).

به نظر می‌رسد دانش‌آموزانی که به اصول، عقاید و ارزش‌ها پای‌بندند، از اصول اخلاقی نیز پیروی می‌کنند و از هوش اخلاقی بالایی برخوردارند. این امر موجب شده که ارتباط معنادار و مثبتی بین بهزیستی معنوی و هوش اخلاقی برقرار باشد و هوش اخلاقی بتواند بخشی از واریانس بهزیستی معنوی را تبیین کند.

به‌طور کلی نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که هوش اخلاقی و هدف در زندگی می‌توانند بهزیستی معنوی را پیش‌بینی کنند؛ بنابراین به نظر می‌رسد بتوان از هوش اخلاقی و هدف در زندگی برای ارتقای بهزیستی معنوی استفاده کرد. محدودیت این پژوهش جامعه پژوهش است که دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهرستان دلفان هستند و تعمیم‌دهی آن به سایر جوامع باید با احتیاط صورت گیرد. محدود بودن جامعه آماری به شهر دلفان، یک مقطع تحصیلی و یک مقطع زمانی از دیگر محدودیت‌هایی هستند که هنگام تعمیم‌دهی نتایج باید مورد توجه قرار گیرند. از دیگر محدودیت‌های پژوهش کمبود پیشینه پژوهش، به‌ویژه در زمینه هوش اخلاقی، است؛ از این رو به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که پژوهش در این زمینه را گسترش دهند. با توجه به اینکه هوش اخلاقی قابل آموزش است، شایسته است که در مدارس کارگاه‌های آموزش هوش اخلاقی دایر شود. همچنین با توجه به نقشی که آموزش و پرورش در پرورش معنویت و بهزیستی معنوی دارد، به مسئولان آموزش و پرورش پیشنهاد می‌شود زمینه‌های تقویت معنویت را فراهم کنند.

## منابع

- اسماعیلی طرزی، زهرا؛ بهشتی‌فر، ملیکه و اسماعیلی طرزی، حمیده (۱۳۸۹)، «رابطه هوش اخلاقی با میزان اعتمادآفرینی مدیران»، *فصل‌نامه اخلاق در علوم و فناوری*، ۸(۱)، ۷۰-۸۴.
- چراغی، مونا و مولوی، حسین (۱۳۸۷)، «ارتباط بین ابعاد مختلف مذهب و سلامت عمومی در دانشجویان دانشگاه اصفهان»، *تحقیقات آموزشی و روان‌شناسی*، ۲(۲)، ۱-۲۲.
- داودی، محمد (۱۳۸۳)، *تربیت دینی*، ج ۲، قم: مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.
- دهشیری، غلامرضا؛ سه‌رایی، فرامرز؛ جعفری، عیسی و نجفی، محمود (۱۳۸۶)، «بررسی خصوصیات روان‌سنجی مقیاس بهزیستی معنوی در بین دانشجویان»، *فصل‌نامه مطالعات روان‌شناختی*، ۴(۳)، ۱۳۰-۱۴۴.

- دیانی، محمود (۱۳۹۰)، «معنای زندگی از منظر سید محمدحسین طباطبایی»، *فصل نامه پژوهش های فلسفی - کلامی*، ۱۲(۴)، ۲۳-۳۷.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۴)، «تأملی نقد گونه در باب معنای غایی زندگی با تأکید بر دیدگاه ویکتور فرانکل»، *مجله روان شناسی و علوم تربیتی*، ۳۵(۹)، ۲۹-۵۰.
- عباسی، محمود؛ عزیزی، فریدون؛ شمس گوشکی، احسان؛ ناصری راد، محسن و اکبری لاله، مریم (۱۳۹۱)، «تعریف مفهومی و عملیات سازی سلامت معنوی: یک مطالعه روش شناختی»، *فصل نامه اخلاق پزشکی*، ۶(۲۰)، ۱۱-۴۴.
- فرانکل، ویکتور (۱۹۷۹)، *فریاد ناشنیده برای معنا*، ترجمه مصطفی تبریزی و علی علوی نیا (۱۳۸۳)، تهران: فراروان.
- فرانکل، ویکتور، *خاطرات دکتر فرانکل*، ترجمه مهرداد فیروزبخت (۱۳۷۸)، تهران: رشد.
- فیروزی، رضا؛ اسماعیلی، مصطفی و معتمدی، عبدالله (۱۳۹۲)، «مفهوم شناسی سلامت از دیدگاه قرآن و حدیث»، *فصل نامه فقه پزشکی*، ۱۶(۵)، ۴۵-۶۶.
- منز، تدئوس (۲۰۰۷)، «معنای زندگی»، ترجمه زهرا رمضان لو (۱۳۹۰)، *کتاب ماه دین*، ۱۴(۴۵)، ۱۶-۲۷.
- محمودی، محمدتقی؛ سیادت، سیدعلی و شادان فر، فائزه (۱۳۹۱)، «رابطه مؤلفه های هوش اخلاقی و رهبری تیمی مدیران گروه های آموزشی دانشگاه های شهر زاهدان»، *فصل نامه علوم تربیتی*، ۱۹، ۱۰۷-۱۲۶.
- مختاری پور، مرضیه و سیادت، سیدعلی (۱۳۸۸)، «بررسی مقایسه های ابعاد هوش اخلاقی از دیدگاه دانشمندان با قرآن کریم و ائمه معصومین (ع)»، *دوفصل نامه علمی تخصصی مطالعات اسلام و روان شناسی*، ۴(۱۳)، ۹۷-۱۱۸.
- مصلح، علی اصغر (۱۳۸۸)، *تقریری از فلسفه اگزیستانس*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، *بیست گفتار*، تهران: انتشارات صدرا.
- نادی، محمد علی و گل پرور، محسن (۱۳۹۰)، «روابط ساده و ترکیبی مؤلفه های معنویت با وفاداری در محیط کار»، *فصل نامه اخلاق در علوم و فناوری*، ۶(۲)، ۱۳-۲۱.

Ahmadi, A., Ghodsi, A., & Abedi, M.R. (2012), "The relationship between spiritual intelligence and taking responsibility with life quality", *European journal of natural and social sciences*, 2(3), 391-400.

Batson, C.D., Oleson, K.C., Weeks, J.L., Healy, S.P., Reeves, P.J., Jennings, P., & Brown, T.(1989), "Religious pro social motivation: Is it altruistic or egoistic?", *Journal of Personality and Social Psychology*, 57(5), 873-884.

Bekoff, M., & Pierce, J. (2009), *Wild justice: the moral lives of animals*,

Chicago, university of Chicago press.

Borba, M. (2001), “*The step-by-step plan to building moral intelligence*”, Available from: URL: <http://www.parentingbookmark>.

Fisher, J.W. (2010), *Spiritual health: Its nature and place in the school curriculum*, UOM Custom Book Centre.

Gomez, R., & Fisher, J.W. (2003), “Domains of spiritual well-being and development and validation of the spiritual well-being questionnaire”, *Personality and individual differences*, 35(8), 1975-1991.

Huber, J.T., & MacDonald, D.A. (2012), “An investigation of the relations between altruism, empathy, and spirituality”, *Journal of Humanistic Psychology*, 52(2), 206-221.

Ivtzan, I., Chan, C.P., Gardner, H.E., & Prashar, K. (2011), “Linking religion and spirituality with psychological well-being: Examining self-actualization, meaning in life, and personal growth initiative”, *Journal of religion and health*, 1-15.

Kashdan, T.B., & Nezlek, J.B. (2012), “Whether, when, and how is spirituality related to well-being? Moving beyond single occasion questionnaires to understanding daily process”, *Personality and Social Psychology Bulletin*, 38(11), 1523-1535.

Kim-Prieto, C. (2014), *Religion and Spirituality Across Cultures*, Springer Netherlands.

Koenig, H.G. (2012), *Religion, Spirituality, and Health: The Research and Clinical Implications*, ISRN psychiatry.

Khumalo, I.P., Wissing, M.P., & Schutte, L. (2014), “Presence of meaning and search for meaning as mediators between spirituality and psychological well-being in a South African sample”, *Journal of Psychology in Africa*, 24(1), 61-72.

Lennick, D., & Kiel, F. (2005), *Moral Intelligence: Enhancing Business Performance & Leadership Success*, Pennsylvania: Wharton School.

Litwinczuk, K.M., & Groh, C.J. (2007), “The relationship between spirituality, purpose in life, and well-being in HIV-positive persons”, *Journal of the Association of Nurses in AIDS Care*, 18(3), 13-22.

Monson, C.H. (2013), “*Spiritual Flow: The Influence of Religious Experience on Psychological Well-being*”, <http://hdl.handle.net/10484/4756>

Paloutzian, R.F., & Ellison, C.W. (1983), “*Loneliness, spiritual well-being, and quality of life*”, In L.A. Perlman PD. (Eds.), *Loneliness: A Sourcebook For Current Theory, Research, and Therapy*, New York: Wiley Inter science.

Scales, P.C., Syvertsen, A.K., Benson, P.L., Roehlkepartain, E.C., & Sesma J.R. A. (2014), “*Relation of Spiritual Development to Youth Health and Well-Being: Evidence from a Global Study*”, In *Handbook of Child Well-Being* (pp.1101-1135), Springer Netherlands.

Sheldrake, P. (2009), “*A brief history of spirituality*”, Wiley.com.

Turner, N., & Barling, J. (2002), “Transformational leadership and moral reasoning”, *Journal of Applied Psychology*, 87(2), 304-31.

Vahia, I.V., Depp, C.A., Palmer, B.W., Fellows, I., Golshan, S., Thompson, W., & Jeste, D.V. (2011), “Correlates of spirituality in older women”, *Aging & mental health*, 15(1), 97-102.

Van-Dierendonck, D. (2012), “Spirituality as an essential determinant for the Good Life, its importance relative to self-determinant psychological needs”, *Journal of Happiness Studies*, 13(4), 685-700.

Wahrman, I.S. (1981), “The relationship of dogmatism, religious affiliation, and moral judgment development”, *The Journal of Psychology*, 108, 151-154.

Wnuk, M., & Marcinkowski, J.T. (2014), “Do existential variables mediate between religious-spiritual facets of functionality and psychological wellbeing”, *Journal of religion and health*, 53(1), 56-67.

Wong, Y.J., Rew, L., & Slaikou, K.D. (2006), “A systematic review of recent research on adolescent religiosity/spirituality and mental health”, *Issues in Mental Health Nursing*, 27(2), 161-183.

Young, S.J., Cashwell, C.S., & Woolington, J.V. (1998), “The relationship of spirituality to cognitive and moral development and purpose in life: An exploratory investigation”, *Counseling and Values*, 43(1), 63-70.



## ملخص المقالات

### تأثير تعليم المهارات الكلامية على الأداء الوظيفي للأسرة في رحاب المصادر الإسلامية

✍ محمد سليمي / حائز على شهادة ماجستير في التوجيه والاستشارة، مؤسسة التعليم العالي للأخلاق والتربية.  
ohammad2617@yahoo.com

محمد رضا سالاري فر / أستاذ مساعد في فرع علم النفس، مركز دراسات الحوزة والجامعة.  
مهدي جعفري / حائز على شهادة ماجستير في التوجيه والاستشارة، مؤسسة التعليم العالي للأخلاق والتربية.

#### الملخص

لا ريب في أنّ الزواج يعدّ أهمّ علاقة تربط بين بنى آدم لآئه البنية الأساسية للعلاقة الأسرية و تربية الأجيال اللاحقة، و من ناحية أخرى فهو أفضل وسيلة لتحقيق ارتباط بين البشر تتمثل في الحوار و التعامل الكلامي حيث يتمكن الإنسان عبر ذلك من طرح مطالباته و رغباته على الآخرين. الهدف من تدوين هذه المقالة دراسة مدى تأثير تعليم المهارات الكلامية على مستوى الأداء الوظيفي للأسرة في ظل ما ورد في المصادر الإسلامية من تعاليم، و ذلك وفق أسلوب بحث مختبري في إطار طرح اختبار مسبق و لاحق على عينة البحث التي أجاب أعضاؤها عن استبيان مخصّص للأداء الأسري المدوّن من قبل ماك ماستر.

نطاق البحث في هذه المقالة شمل عينات مختبرية تمّ تحديدها بشكل عشوائي عنقودي، حيث تمّ اختيارها من بين النساء المتزوجات في المنطقة الخامسة عشرة بمدينة طهران، و هنّ اللواتي أعربن عن عدم رضاهنّ بمستوى الأداء الأسري. أما معطيات البحث فقد تمّ تحليلها استناداً إلى أسلوب الإحصاء الاستنباطي كو-فاريانس، و أشارت إلى أنّ تعليم المهارات الكلامية على أساس التعاليم الواردة في المصادر الإسلامية له تأثير في مجال رفع مستوى الأداء الأسري و المعايير الجزئية لحلّ المشاكل و العلاقات و دور كلّ عضو في الأسرة و الانسجام العاطفي و الامتزاج العاطفي و السيطرة على السلوك و الأداء العام. كما أشارت إلى أنّ متغيرات علم الاجتماع و المستوى العلمي و العمر و سنّ الزواج، هي أمور لم يكن لها تأثير في الرقيّ بمستوى الأداء الأسري في عينة البحث الإحصائية. طبق النتائج المتحصّلة أيضاً فإنّ هذه الحزمة التعليمية من خلال مداخلتها و إيجادها تغييرات على صعيد تعريف الأزواج بالمثلّ الدينية للسلوكين الكلامي و غير الكلامي في التعامل مع بعضهم و بلوغ أفضل نمطٍ للارتباط، أيّ الأسلوب الصريح و المحترم، تمكّنت من إيجاد تغييراتٍ إيجابية في مسألة ارتباط الزوجين و الأداء الوظيفي للأسرة.

**كلمات مفتاحية:** التعاليم الإسلامية، المهارات الكلامية، الأداء الوظيفي للأسرة.

## صياغة اختبارٍ أوّليٍّ حول حضور القلب في الصلاة بالاعتماد على المصادر الإسلامية

✍ محمد علي رحيمي نداف / حائز على شهادة ماجستير في الاستشارة و التوجيه، مؤسسة التعليم العالي للأخلاق و التربية.  
Nadaf8176@yahoo.com

محمد رضا أحمدى / أستاذ مساعد في فرع علم النفس، مؤسسة الإمام الخميني للتعليم و البحوث.  
حميد رفيعي هنر / طالب دكتوراه في علم النفس، مؤسسة الإمام الخميني للتعليم و البحوث.

### الملخص

الهدف من تدوين هذه المقالة هو صياغة اختبارٍ أوّليٍّ حول مسألة حضور قلب المصلّي أثناء أداء الصلاة استناداً إلى التعاليم الواردة في المصادر الإسلامية، و من هذا المنطلق رجع الباحثون إلى القرآن الكريم و الأحاديث المباركة و قاموا ببيان أهمّ مقوّمات و علائم حضور قلب المصلّي بغية طرح مبادئ اختبارٍ يتمّ على أساسه تقييم الموضوع بالنسبة إلى كبار السنّ، و أمّا أسلوب البحث العلمي المعتمد في هذه المقالة فهو يتمحور في إطارين، أحدهما توصيفيٌّ و الآخر استقرائيٌّ. في إطار الأسلوب الأوّل تمّ جمع التعاليم الدينية و تصنيف المقوّمات و العلائم المتعلقة بموضوع البحث و من ثمّ قام ثمانية باحثون في العلوم الدينية بتحليلها و تقييمها. وفي الأسلوب الثاني فقد تمّ إجراء اختبارٍ للتقييم و تحديد المستوى المعترف على عيّنة بحثٍ مقدارها ٧٠ طالباً من طلاب الحوزة و الجامعة في مدينة قم. لأجل تحليل المعطيات، استند الباحثون إلى قواعد و مناهج إحصائية تتناسب مع الأسئلة المطروحة حول موضوع البحث، و من ضمنها المنهج الترابطي المطروح من قبل بيرسون و سبايرمان، كذلك التقسيم النصفي المطروح من قبل جوتمان و معدّلات كاندال و ألفا كورنباخ و اختبار خي - دو.

أثبتت نتائج أنّ المستوى المعترف لمضمون الاختبار بلغ الحدّ المطلوب وفق تقييم عشرة متخصصين، كما دلّت على كون معدّل ترابط آراء الخبراء إيجابياً و معتبراً إضافةً إلى أنّ معدّل تطابق كاندال بلغ درجةً من الاعتبار بمقدار ٠/٣٦٩ في مستوى ٠/٠١ كما أشارت إلى أنّ المستوى الأوّلي المعترف للاختبار تمّ تحديده وفق معيار ألفا كورنباخ بدرجة ٠/٩٠٩ و ترابط النصفين بدرجة ٠/٧٩٠ و معدّل التقسيم النصفي لسبايرمان - براون بدرجة ٠/٨٣٣ و معدّل التقسيم النصفي لجوتمان بدرجة ٠/٨٦٧ و بعد أن تمّ تقييم مستوى اعتبار القضية و الترابط بين الأسئلة بالترتيب وفق الدرجة العامّة و مدى الترابط بين المقوّمات و الدرجة العامّة و الترابط بين المقوّمات مع بعضها، ثبت أنّها تحظى بالمستوى المعترف المطلوب.

**كلمات مفتاحية:** حضور القلب، الصلاة، المصادر الإسلامية، الاختبار الأوّلي، مستوى الاعتبار.

## إعادة تعريف عوامل التلذذ ذات الوجهة السعيدة (دراسةٌ مجدّدةٌ حول مؤشرات المعيار النفسي بالاعتماد على استبيانٍ مخصّصٍ)

كـ مهدي عباسي / طالب دكتوراه في علم النفس العام بمؤسسة الإمام الخميني للتعليم والبحوث/ باحث في فرع علم النفس الإسلامي  
بمركز دراسات القرآن والحديث.  
محمود أصفهانيان / طالب ماجستير في علم النفس الإسلامي فرع النزعة الإيجابية، جامعة القرآن والحديث / قم.  
ym.abbasi@gmail.com

### الملخص

الهدف من تدوين هذه المقالة هو إعادة تعريف عوامل التلذذ ذات الوجهة السعيدة إضافةً إلى دراسة وتحليل خصائص المعيار النفسي اعتماداً على استمارة استبيان موجز حول الموضوع، وقد تمّ تدوين هذا الاستبيان على أساس التعاليم الواردة في المصادر الإسلامية. اعتمد الباحثان على أسلوب اختيار عينة البحث بأسلوب عشوائي عنقوديّ، و قد شملت ٣٤٤ طالباً من طلاب الحوزة العلمية و الجامعة فأجابوا عن استبيان موجز حول الموضوع المذكور، كذلك أجابوا عن استبيان حول الحياة النفسية، و قد أثبتت النتائج أنّ الانسجام الباطني في الاستبيان الموجز بلغ ٨٩٪ و له خمسة عوامل، و ثبت في الاستبيان أن الموضوع بلغ درجة الاعتبار و القبول، إلا أنّه يختلف عن الاستمارة الأولى من حيث ارتفاع مستوى الاعتبار و القبول فيه.

جملة العوامل المستخرجة تشير إلى أنّ مستوى معيار فاريانس أكثر من غيره، و أنّ العوامل بينها انسجام أكثر مع مكوّنات الأنموذج النظري من حيث المفهوم. و أمّا بين درجات التلذذ ذي الوجهة السعيدة فهناك ارتباط معتبر وفق معيار الحياة النفسية، و هذه علامة على تناسب وجهتها. **كلمات مفتاحية:** التلذذ ذو الوجهة السعيدة، الوجهة السعيدة، التلذذ، الانسجام الباطني، تحليل العوامل.



## دور الهدف كواسطة في الحياة على صعيد العلاقة بين التوجه الديني وبين البهجة والرضا بواقع الحياة

naseragha@gmail.com

ناصر آقابابائي / حائز على شهادة دكتوراه في علم النفس العام، جامعة العلامة طباطبائي

### الملخص

الهدف من تدوين هذا البحث هو دراسة و تحليل دور الهدف في الحياة بصفته وسيطاً على صعيد العلاقة بين التوجه الديني و بين العيش الفعّال، و على هذا الأساس طرحت استبيانات بين ٣٩٩ طالباً جامعياً تمحورت الإجابة فيها حول معيار البهجة الفعّالة و معيار الرضا بالحياة و معيار أعيد النظر فيه حول الوجهة الدينية و اختبار معدّل حول الهدف في الحياة. المنهج المتبع في البحث هو ترابطي اعتمد الباحث فيه لتحليل النتائج على أساليب معينة، من قبيل معدّل الترابط و ريجرسون و اختبار سوبل، و قد أثبتت النتائج وجود علاقات إيجابية و معتبرة بين مؤشرات التدين من جهة و البهجة و الرضا بالحياة من جهة أخرى، كما أشارت إلى أنّ العلاقة بين الهدف في الحياة و المتغيرات الدينية و المعيشية هي علاقة إيجابية أيضاً، و تمّ التوصل فيها أيضاً إلى كون الهدف في الحياة يلعب دور الوسيط على صعيد العلاقة بين التوجه الديني و مؤشرات الحياة. يمكن الاعتماد على هذا البحث لمعرفة واقع علاقة التدين بالحياة و السلامة النفسية، و يمكن اعتباره منهجاً مناسباً للقيام بدراسات و بحوث أخرى في هذا الصدد.

**كلمات مفتاحية:** الدين، التوجه الديني، العيش الفاعل، الهدف في الحياة.

## علاقة البنى النفسية الأولية غير المنسجمة مع التدين بين الأزواج المنسجمين وغير المنسجمين

a.haratiyan@gmail.com

عباس على هراتيان / طالب دكتوراه فى علم النفس، مركز دراسات الحوزة و الجامعة.  
مسعود جان يزركى / أستاذ فى فرع علم النفس، مركز دراسات الحوزة و الجامعة.  
مُجكان آكاه هريس / أستاذ مساعد فى فرع علم النفس، جامعة بيام نور فى مدينة كرمسار.

### الملخص

إحدى المشاكل العائلية الشائعة فى عصرنا الراهن هى عدم الانسجام فى الحياة الزوجية، و من هذا المنطلق تمّ تدوين هذا البحث وفق منهج توصيفي و بأسلوب مترابط بهدف تسليط الضوء على العلاقة بين البنى النفسية الأولية غير المنسجمة و بين التدين لدى الأزواج الذين يكتنف حياتهم الانسجام أو عدم الانسجام. عينة البحث التى تمّ اختيارها تتكوّن من ٧٨٢ زوجاً و زوجة فى محافظة سمنان و ذلك بشكل عشوائى متعدّد المراحل، و قد قام الباحثون بتحليل النتائج على أساس أساليب الترابط وفق منهج بيرسون و اختبار Z فيشر. أثبتت النتائج عدم نجاعة أداء البنى النفسية الأولية غير المنسجمة فى مجال التدين، فى حين أنّها أثبتت نجاعة الدور الإيجابى المحسن لمتغير عدم الانسجام الزوجي؛ و هذا يعنى أنّ علاقة التدين بالبنى النفسية الأولية غير المنسجمة لدى الأزواج المنسجمين فيما بينهم تعدّ أقوى بشكل معتبر.

**كلمات مفتاحية:** البنى النفسية الأولية غير المنسجمة، الالتزام الديني، التدين، عدم الانسجام فى الحياة الزوجية.

## ارتباط الحيوية المعنوية مع الذهن الأخلاقي و الهدف في الحياة

حديث تشراغيان / حائزة على شهادة ماجستير في علم النفس المدرسي، جامعة العلامة الطباطبائي.✽  
 محمد حسين خاني / حائزة على شهادة ماجستير في علم النفس التربوي، جامعة العلامة الطباطبائي.✽  
 محمد زارعي توبخانه / طالب دكتوراه في علم النفس، مركز دراسات الحوزة و الجامعة.  
 السيدة خديجة مراديان كيزه رود / طالبة دكتوراه في علم النفس التربوي، جامعة لرستان.

### الملخص

الهدف من تدوين هذه المقالة هو دراسة و تحليل العلاقة الرابطة بين الحيوية المعنوية من جهة و بين الذهن الأخلاقي و الهدف من الحياة لدى طلاب المدارس الثانوية من جهة أخرى، و قد اعتمد الباحثون على منهج البحث العلمي المترابط و اختاروا عينة بحث مقدارها ٢٥٠ طالباً من طلاب ثانويات مدينة دلفان، حيث تم اختيارهم بأسلوب التعيين العنقودي ذى المراحل المتعددة. و أما وسائل البحث التي ارتكز عليها البحث فهي عبارة عن استبيان خاص حول الحيوية المعنوية و الذهن الأخلاقي و الهدف في الحياة، و تم تحليل النتائج على أساس البرنامج الإلكتروني spss ١٨ وفق معيار الترابط الذي وضعه بيرسون و تحليل المعطيات لريجرسون. أشارت نتائج تحليل معطيات البحث إلى أن المتغيرات التي تم التوصل إليها لها ارتباط معتبر مع بعضها و أن الذهن الأخلاقي و الهدف في الحياة يكونان إلى حد ما جانباً معتبراً من تحليل واريانس للحيوية المعنوية. و بشكل عام يمكن القول إن الهدفية في الحياة و اكتساب ذهن أخلاقي من شأنهما إثراء الإنسان بحيوية معنوية.

**كلمات مفتاحية:** الذهن الأخلاقي، الهدف في الحياة، الحيوية المعنوية.

# Table of Contents

**The Effect of Teaching Verbal Skills on Improvement of Family Functioning, with an Emphasis on Islamic Sources** / Muhammad Salimi / Muhammad Reza Salari-far / Mahdi Ja'fari ..... 7

**The Construction of an Initial Test Regarding the Presence of Heart While Praying Based on the Islamic Sources** / Muhammad Rahim Naddaf / Muhammad Reza Ahmadi / Hamid Rafi'ie Honar ..... 25

**Recognizing the Factors of Eudemonic Savoring, Re-Investigating the Psychometric Features of the Questionnaire** / Mahdi Abbasi / Mahmud Isfahaniyan ..... 43

**Constructing the Test of Men's Commitment to Islamic Teachings on Conjugal Relations** / Hussein Heydari Khurmizi / Rahim Narouie Nusrati / abul-Fazl Quddusi ..... 59

**The Intermediary Role of Purpose in Life in Relationship between Religious Orientation and Satisfaction in Life** / Naser Aqa Babaie ..... 77

**The Relationship between Primary Incompatible Schemas and Piety among Conflicting and Non-Conflicting Spouses** / Abbas Ali Haratiyan / Masoud Janbozorgi / Mozghan Agah Haris ..... 93

**The Relationship between Spiritual Well-being, Moral Intelligence and Purpose in Life** / Hadis Cheraghian / Mohammad Hussein Khani / Mohammad Zareie Tupkhane / Seyyida Khadije Moradian Gize-Roud ..... 107





## In the Name of Allah

**Islam & Psychological Research**  
A Quarterly Journal of Psychology

Vol.1, No. 2  
Fall 2015

**Proprietor:** The High Institute of Ethics and Education

**Managing Director:** Dr. Mohammad Javad Zarean

**Editor in Chief:** Dr. Mohammad Reza Ahmadi

**Deputy Editor:** Abbas Ali Haratiyan

**Executive Secretary:** Hadi Ershad Hoseini

### Editorial Board:

▣ **Hujjat ul-Islam Dr. Mas'ud Azarbajjani:** *Research Institute of Hawza Wa Daneshgah.*

▣ **Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Reza Ahmadi:** *IKI.*

▣ **Dr. Hadi Bahrami Ehsan:** *Tehran University.*

▣ **Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Javad Zare'an:** *Academic Institute for Ethics And Education.*

▣ **Ayatollah Sayyid Mohammad Gharavi Rad:** *Research Institute of Hawza Wa Daneshgah.*

▣ **Dr. Ali Fathi Ashtiani:** *Baqiyatallah University.*

▣ **Hujjat ul-Islam Dr. Mohammad Kaviani:** *Research Institute of Hawza Wa Daneshgah.*

▣ **Dr. Mahmood Golzari:** *Allameh Tabataba'i University.*

▣ **Hujjat ul-Islam Dr. Rahim Narouei:** *IKI.*

▣ **Hujjat ul-Islam Dr. Mahmood Nozari:** *Research Institute of Hawza Wa Daneshgah.*

---

### ADDRESS:

## **The High Institute of Ethics and Education**

No. 13, Shahid Shahbazi Street, Shahid Sadooqi Blvd, Qom, Iran

Postcode: 3716715545

Tel: +9825332918444

Fax: +982532922239

[www.ipr.ueae.ir](http://www.ipr.ueae.ir)

[ipr@ueae.ir](mailto:ipr@ueae.ir)

## فرم اشتراک فصل نامه

### مشخصات متقاضی حقیقی

نام خانوادگی: ..... نام: .....  
میزان تحصیلات: ..... رشته تحصیلی: .....  
مبلغ واریز شده: ..... تاریخ و شماره فیش بانکی: .....  
آدرس پستی و کد پستی: .....  
صندوق پستی: ..... تلفن: .....  
امضاء متقاضی

### مشخصات متقاضی حقوقی

نام موسسه: ..... واحد درخواست کننده: .....  
آدرس و کد پستی: .....  
تاریخ و شماره فیش بانکی: ..... مبلغ واریز شده: .....  
تلفن: ..... دورنگار: .....

امضاء مسؤول و مهر مؤسسه

از متقاضیان حقیقی و حقوقی دریافت مجله درخواست می‌شود که پس از تکمیل فرم اشتراک، هزینه مربوطه را به شماره حساب ۰۱۰۳۵۷۰۴۰۳۰۰۰ بانک صادرات شعبه صدوقی، بنام «مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت» واریز نموده و اصل یا تصویر فرم اشتراک و فیش بانکی را بوسیله پست، دورنگار یا ایمیل به دفتر فصلنامه ارسال نمایند.

حق اشتراک سالیانه برای دانشجویان ۱۶۰/۰۰۰ ریال و تک شماره ۴۰/۰۰۰ ریال

حق اشتراک سالیانه برای مؤسسات ۲۰۰/۰۰۰ ریال و تک شماره ۵۰/۰۰۰ ریال

# فراخوان مقاله برای مجله پژوهش‌نامه تربیت دینی

با استعانت از درگاه خداوند متعال و در ظل عنایات بقیة الله الاعظم عنه السلام

دانشکده تربیت وابسته به مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت در نظر دارد به منظور رونق بخشیدن به فعالیت‌های علمی و پژوهشی در حوزه تربیت دینی، انتشار یافته‌های پژوهشی، زمینه‌سازی برای تضارب آراء صاحب نظران در عرصه تربیت دینی، پاسخگویی به نیازها و مسائل حوزه تربیت دینی، و نظریه پردازی و تولید علم در حوزه تربیت دینی، مجله‌ای با عنوان «پژوهش‌نامه تربیت دینی» در سطح علمی پژوهشی منتشر کند. از استادان، پژوهشگران، طلاب و دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی دعوت به عمل می‌آید مقالات خود را در محورها و موضوعات زیر به نشانی مؤسسه ارسال کنند.

مفهوم، ماهیت و قلمرو تربیت دینی  
رویکردها به دین و دینداری و تاثیر آن در تربیت دینی  
روش‌شناسی تحقیق در تربیت دینی  
مبانی فلسفی تربیت دینی  
مبانی جامعه‌شناختی و روانشناختی تربیت دینی  
اهداف تربیت دینی  
اصول تربیت دینی  
روشهای تربیت دینی  
مراحل تربیت دینی  
عوامل تربیت دینی  
موانع تربیت دینی  
آسیب‌شناسی تربیت دینی  
رویکردها به تربیت دینی در تمدن اسلامی  
الگوهای تربیت دینی  
مسائل تربیت دینی در آموزش و پرورش

مطالعات تطبیقی در تربیت دینی  
مطالعات تاریخی در حوزه تربیت دینی  
آراء اندیشمندان مسلمان در تربیت دینی  
چالش‌های تربیت دینی  
تربیت معلم و تربیت دینی  
تربیت دینی در نهادهای غیررسمی  
آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش رسمی و غیر رسمی  
آسیب‌شناسی سیاستگذاری تربیت دینی  
مطالعات مربوط به چگونگی سیاستگذاری تربیت دینی و مبانی آن در جمهوری اسلامی ایران  
مناسبات مطالعات تربیت دینی با تربیت اخلاقی و تربیت معنوی  
مناسبات مطالعات تربیت دینی با دانش مدیریت و دانش فقه، تفسیر، اقتصاد، مدیریت